

هفته

سال چهاردهم - پنجشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۰ / ۲۶ اوت ۲۰۲۱

۶۴۶

بها: ۲.۵ دلار / در مونتreal و اتاوا رایگان

www.hafteh.ca

کانادا از بازندگان جنگ افغانستان

نگاهی به طولانی ترین
جنگ تاریخ کانادا

بلقیس روشن، عضو
پارلمان در گفت و گوی
اختصاصی با «هفته»:
**کانادا در جنایات
این جنگ سهم دارد**

روایت کاربران دنیای مجازی
از قدرت گیری دوباره طالبان؛
شبکه های اجتماعی
«محو» سرعت تحولات افغانستان

Auguste & Louis

CONDOMINIUMS



آغاز پروژه در تابستان

آپارتمان‌های استودیویی، ۱ و ۲ و ۳ خوابه
در قلب مرکز شهر مونترال
قیمت خرید:
از ۲۴۵۰۰۰ دلار (بعلاوه مالیات)



ناهید حسن علی
نماینده فروش

NAHID HASSAN ALI
SALES REPRESENTATIVE
438 800 - 9563

همین امروز ثبت نام کنید!

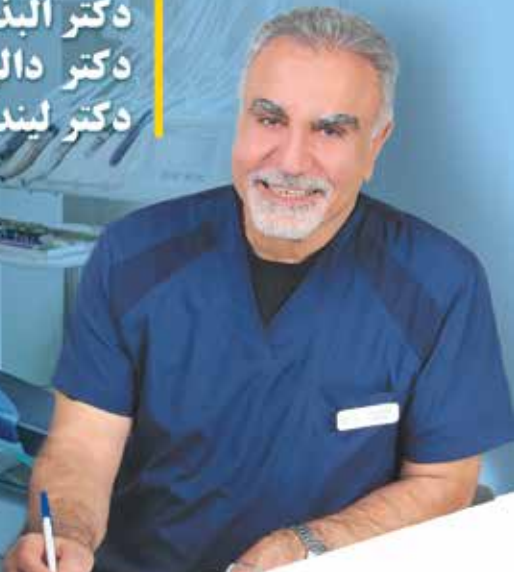
AUGUSTEETLOUISCONDOS.COM





تخفیف ویژه برای
دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
بیماران جدید ۱۰٪

دکتر شریف
دکتر البزال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار



Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

f Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire-soleil-brossard.com

مهاجرین عزیز

آیا می دانید که خریداران نیازی به پرداخت پورسانت ندارند؟

قصد خرید خانه یا آپارتمان دارید؟
می خواهید ملک خود را بفروشید یا قصد سرمایه گذاری دارید؟
در تمام مراحل خرید یا فروش همراه شما هستیم.
با ۱۵ سال سابقه در امور مشاوره املاک
و ۳۰ سال سابقه در زمینه ساختمان

مشاوره رایگان و حضوری ۷ روز هفته
514 969 2492

• پیش فروش آپارتمان در بهترین نقطه Downtown
• خانه های اجاره ای در West Island






فکین خاکسار - خادر خاکسار

مشاور رسمی املاک مسکونی و تجاری



ZAGROS
AMEUBLEMENT Inc

مبلمان زاگرس

انواع مبلمان ، میز غذاخوری
فرش های دستباف و ماشینی
لوازم برقی و کولر
سرویس خواب



We Design Your Home **More Beautiful**

(514) 559 6020
6476 Jean Talon E
info@zagrosmtl.ca





آرزو گتمیری مشاور املاک



AREZOU GATTMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel
agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010



فیروز همتیان

مشاور املاک مسکونی و تجاری

با ۳۸ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۸ سال تخصص در مشاوره املاک

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس

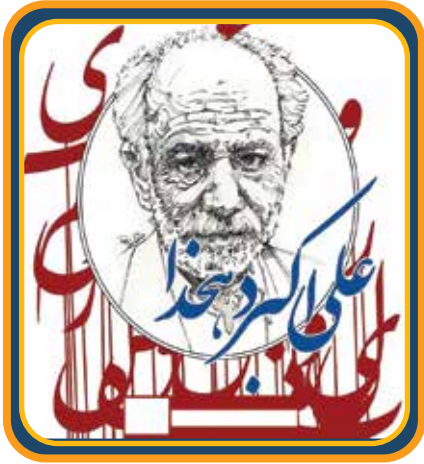


ارزیابی رایگان

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315
fhemaatiyan@sutton.com
9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

Firouz Hemmatian
Courtier Immobilier Agréé
Certified Real Estate Broker



خسرو شمیرانی و شاهین شهسواری
کانادا در صف بازندگان جنگ در افغانستان
نگاهی به طولانی ترین جنگ تاریخ کانادا

نرگس هاشمی
بلقیس روشن عضو پارلمان در گفت و گوی
اختصاصی با «هفته»:
کانادا در جنایات این جنگ سهم دارد

ثریا سالاری
روایت کاربران دنیای مجازی از قدرت گیری
دوباره طالبان؛
شبکه های اجتماعی «محو» سرعت تحولات
افغانستان

مقاله: معصومه علیمحمدی
وزیر مهاجرت: ورود ۴۰ هزار مهاجر به
کانادا در ماه ژوئیه

هنر: هفته
آذر فرامرزی، سینماگر مقیم تورنتو در گفت و گو
با هفته:
«آغاز دوباره» راز رستگاری هنرمند مهاجر
است

خبر: گروه ترجمه
اولین گروه از همکاران افغان ارتش کانادا
به انتاریو رسیدند

جستار: دکتر فرشید سادات شریفی
بزرگ ترین اثر تحقیقی زبان فارسی چگونه
ماندگار شد؟

دهخدا: در بند نام نبودم
مروری بر لغت نامه نویسی در ایران: از آغاز
تا دهخدا

تازه های کتاب: یاسمن حسنی
واقع نگری، وسعت یا عمق؟ و رمان Sadie x

گفت و گو: شیمایا باقرپور طهرانی
هادی معصوم دوست نویسنده «عشق بازی»:
حالم با این داستان خوب است

شعر:
چند سروده از شیمایا باقرپور طهرانی

هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۴۶
پنجشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۰ / ۲۶ اوت ۲۰۲۱
بها: ۲/۵ دلار / درمونتال و اتاوا رایگان
ناشر: مجله هفته

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مردخام

■ هفته از همه علاقه مندان دعوت به همکاری می کند.
■ برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.
■ لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار وارد) نگاه دارید.
■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب های رسیده آزاد است.
■ نوشته های فرستاده شده پس فرستاده نمی شوند.
■ استفاده از طرح ها و آگهی های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
■ درباره مضمون آگهی های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.
حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار
دانشجویی: ۶۰ دلار

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
■ www.hafteh.ca
■ info@hafteh.ca
■ news@hafteh.ca
■ ad@hafteh.ca
■ ISSN1918-4379HafteH

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:
پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ
پنجشنبه ۸ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر



عارف محمد، نویسنده سینمایی
گفت و گو با رخشان بنی اعتماد:
«قصه‌ها» وصیت‌نامه من است

سیاست: احمد زیدآبادی
زنان افغان بزرگترین چالش طالبان
گزارش: سیمین افشار
تظاهرات مرکز زنان افغان در مونترال:
حکومت طالبان نباید به رسمیت شناخته شود

اقتصاد: آرمین آریان‌پور
اقتصاد طالبانی، چرخ این ماشین وحشت
چگونه می‌چرخد؟

گفت و گو: نرگس هاشمی
گفت و گو «هفته» یادخیزی از جنگجویان طالبان:
می‌ترسم پدرمان من و خواهرانم را بکشد
گزارش: نرگس هاشمی
افغان‌های مونترال درباره بازگشت طالبان
چه می‌گویند؟
گزارش: عبدالقدیر خموش
گزارش «هفته» از کابل پس از ورود طالبان به شهر
یک روزنامه‌نگار در کابل: کانادا بالای ما
ریشخند زده است

۵۶ جامعه

دیدگاه: علی چنگیزی
علل واقعی شکست آمریکا
سلامت روان: دکتر الهام گرامی
روان‌درمانی و مفاهیم اگزستانسیال در
زندگی انسان
حقوق: نیوشا ریاحی
نقش داور و هر یک از طرف‌ها در فرآیند
حل اختلاف

۶۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی: مهسا عباس‌پور
دمی باقالی
سرگرمی: خاطره تحویل‌داری یکتا
سخن ستارگان، برای تفنن
طنز و حکایت و سرگرمی

ادبیات: فرشید سادات شریفی و یاسمن حسنی
سلامت: دکتر فائقه ابراهیمی و الهام گرامی
حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریان‌پور
بخش دانشجویی: عباس محرابیان
گروه ترجمه: فیروزه مسیح، شاهین شهسواری
وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور

سرمدبیر: خسرو شمیرانی
ویراستار: تیم ویراستاری هفته
طراح و صفحه‌آرا: نیکروز سلطان‌آبادی
کاریکاتورست: سیروس یحیی‌آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته
اخبار باهمستان: سیمین افشارمقدم
آریانا: نرگس هاشمی، حبیب عثمان و عبدالهادی تپاند
مهاجرت: معصومه علی‌محمدی و نوید احمدی

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: علی چنگیزی، نادیه فضل، نریا سالاری، شیما طهرانی، و عبدالقدیر خموش



شکست آمریکا و ویرانی افغانستان، حالا چه کنیم؟

آقای جوزف فکل جانب آمریکا را در این جنگ خانمان برانداز بررسی کرده و بی‌تردید بسیاری دیگر نیز در غرب و در شرق و در خاورمیانه چنین کرده و خواهند کرد، اما آنچه به افغانستان و به منطقه برمی‌گردد چطور؟ آیا ما هم سوی خود را و علل تکرار مکرر جنگ‌ها و تنش‌های بی‌پایان مان را بررسی می‌کنیم؟ آیا حاضر هستیم اشتباهات خودمان را ریشه‌یابی کنیم؟

آیا ما می‌توانیم ریشه جنگ‌ها و تنش‌ها را علاوه بر «زیاده‌خواهی غرب»، «استکبار جهانی»، «امپریالیسم جهانی» و نظایر آن، در خودمان هم جستجو کنیم؟

در منطقه‌ای که مبنای روابط بر عدم اعتماد گذاشته شده و به جای منافع درازمدت کشور، جامعه و منطقه، منافع حقیر و کوتاه مدت یک قبیله، سیاستمدار یا آخوند در نظر گرفته می‌شود، آیا می‌توان در برابر دسیسه‌ها و زیادخواهی‌های دیگران سیاستی اصولی در پیش گرفت و تسلیم خواست دیگران نشد؟

به هر سو حرکت کنیم در نهایت راهی نداریم به جز بازگشت به گفت‌وگو. گفت‌وگویی که باید روش آن را یاد بگیریم تا نه در دام خودزنی بیافتیم و نه در دام تنش با معامله‌گرانی که از آن سوی دنیا برای معامله و بیزنس نزد ما می‌آیند و ما هم اگر هوشمند باشیم می‌توانیم با آنها «بیزنس» کنیم تا روزی که جامعه بشری به رشدی برسد که می‌توان علاوه بر جنگ و بیزنس برای ایجاد دوستی هم به سوی دیگر دنیا سفر کرد.

شد؟ اگر طالبان خوب است چرا برای نابودی آن اینقدر خون‌ریزی شد و اگر بد است چرا برایش فرش قرمز پهن می‌شود؟

به نظر می‌آید آمریکا یکی از بدترین شکست‌های تاریخ نیم قرن اخیر را تجربه می‌کند. در مقاله‌ای که آقای جوزف فکل، سیاستمدار و روزنامه‌نگار کبکی در ژورنال دو مونریال منتشر کرده و به قلم آقای علی چنگیزی برای «هفته» ترجمه شده، این سیاستمدار که نه «چیگرا» است و نه «ضدامپریالیست»، ۵ دلیل برای شکست آمریکا مطرح می‌کند که چکیده آن به این شرح است؛

- (۱) عدم شناخت دولت آمریکای از مردم منطقه و اتکای صرف به اسلحه مدرن و پول،
- (۲) غیرقابل کاشت بودن دموکراسی در زمینی که برای آن آماده نیست،
- (۳) سربازانی که به جز حقوق ماهانه انگیزه‌ی دیگر برای جنگیدن ندارند،
- (۴) ناآگاهی سربازان از فرهنگ‌های مختلف موجود در جهان،

(۵) لابیگران آمریکایی که جنگ برایشان یک بیزنس سودآور است چه آمریکا برد و چه ببازد.

پیشنهاد می‌کنم این مطلب را در صفحه ۵۷ هفته بخوانید. گرچه در لایه‌ی زیرین این نوشته می‌توان نگاه تحقیرآمیز به مردم افغانستان و منطقه را دید اما آنچه درباره دلایل شکست آمریکا گفته می‌شود بسیار منطقی به نظر می‌رسد.



دو هفته به بیستمین سالگرد آن روز وحشت مانده است. روزی که گروهی جنایتکار در حرکتی به دقت سازمان‌یافته نزدیک به سه هزار انسان را در برج‌های دوقلوی نیویورک به قتل رساندند.

این جنایت برای مثلث رامسفلد - چینی - بوش بهانه‌ای شد تا عصر جدیدی را در جهان اعلام کنند: دوران جنگ علیه تروریسم War on Terrorism. و چهره جهان تغییر کرد. فرودگاه‌ها آشکارترین نمونه‌های این تغییر برای مردم جهان شدند، اما طبیعتاً این تغییر به هفت‌خوان ایجاد شده در فرودگاه‌ها محدود نشد.

پیکان «جنگ علیه تروریسم» افغانستان را هدف گرفت که مردمش تا آن تاریخ بیش از دو دهه در جنگی خونین به سر برده بودند؛ جنگی که اتفاقاً دست‌اندرکاران آن نیز همین بانیان «جنگ علیه تروریسم» بودند.

امروز طالبان، که حمله به آن آغاز جنگ رامسفلد و دیک چینی «علیه تروریسم» بود، با اتکابه‌نفس به صحنه قدرت افغانستان بازگشته و مردم افغانستان، منطقه و جهان انگشت به دهان هستند که چه

اخبار گزارش‌ها



جاستین ترودو: حکومت طالبان را به رسمیت نخواهیم شناخت

غیرنظامیان وحشتزده و مستاصل افغان برای فرار از دست رژیم طالبان در شبکه‌های اجتماعی و تلویزیونی جهان پخش شده، افکار عمومی جهان را به شدت متأثر کرده و انتقادات شدیدی را متوجه قدرت‌های بزرگ و دموکراسی‌های غربی کرده است که اجازه دادند در مدتی بسیار کوتاه نتیجه بیست سال تلاش، مبارزه و سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در افغانستان از بین برود. نخست‌وزیر کانادا تأکید کرد: «اولویت اصلی ما در حال حاضر تخلیه افرادی است که جان خود را در افغانستان در خطر می‌بینند. طالبان باید دسترسی آزاد و امن ما را به فرودگاه کابل تضمین کنند. ما به همکاری با متحدان و شرکای بین‌المللی خود ادامه می‌دهیم و به طالبان فشار می‌آوریم تا شرایط تخلیه امن پناجویان را فراهم کنند.»

جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا، روز سه شنبه ۱۷ اوت در حاشیه خبری که درباره مهدکودک‌ها در انتاریو اعلام کرد، خاطر نشان ساخت دولت کانادا هیچ برنامه‌ای برای به رسمیت شناختن طالبان به عنوان دولت آتی افغانستان ندارد. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، آقای ترودو تأکید کرد: «بیست سال پیش نیز که طالبان قدرت را در افغانستان در دست داشتند، کانادا آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناخت. آن‌ها یک دولت منتخب مردمی را با توسل به زور سرنگون کردند و از نظر قوانین کانادا یک گروه تروریستی محسوب می‌شوند.» نخست‌وزیر لیبرال کانادا افزود در شرایط کنونی همه فکر و توجهش روی مسئله تخلیه پرسنل کانادایی و پناجویان افغان از افغانستان متمرکز است. تصاویری که طی ۴۸ ساعت گذشته از تلاش



طالبان که در یک عملیات گسترده و برق آسا طی حدوده روز تقریباً سرتاسر افغانستان را به سیطره خود درآوردند، قصد دارند حکومت جدیدی تشکیل دهند اما کانادا آن‌ها را به رسمیت نخواهد شناخت.

ورود نظامیان کانادایی به کابل، نگرانی‌ها اما به قوت خود باقی است

و تغییراتی در آنها ایجاد کرده‌ایم که بتوانند بیشتری تعداد ممکن مسافر را حمل کنند. خانم لامیراند تصریح کرد: «این هواپیماها پروازهای خود را به فرودگاه کابل آغاز کرده‌اند. نیروهای مسلح ما تلاش می‌کنند افراد آسیب‌پذیر را که شرایط پناهندگی کانادا را دارند، شناسایی و با این هواپیماها از افغانستان خارج کنند.» سخنگوی وزارت دفاع افزود: «ممکن است برخی اتباع خارجی و افغان‌هایی که پناهندگی دیگر کشورها را نیز گرفته‌اند، با این هواپیماها از افغانستان خارج شوند. در عوض دیگر کشورها نیز تعهد کرده‌اند که با پروازهای خود اتباع کانادایی یا غیرنظامیان افغان را که مشمول پناهندگی کانادا هستند، به خارج افغانستان منتقل کنند.»

ارتش کانادا به افغانستان نیز نگرانی‌ها را درباره نجات جان پناجویان افغان برطرف نکرده است چرا که به علت وجود موانع و ایست و بازرسی‌های طالبان، دسترسی پناجویان به فرودگاه کابل سخت است و مشکلات ناشی از کاغذبازی‌ها در اتاوا نیز کم نیست. جاستین ترودو روز پنج‌شنبه تأکید کرد بازگشت نیروهای مسلح کانادا به افغانستان به تسریع عملیات تخلیه پناجویان کمک خواهد کرد. به گفته ترودو قرار است شمار دیگری از نظامیان کانادایی نیز در خاک افغانستان به این افراد ملحق شوند. جسیکا لامیراند، سخنگوی وزارت دفاع ملی کانادا، در رایانامه‌ای اعلام کرد دو هواپیمای نظامی ارتش را برای انتقال پناجویان افغان اختصاص داده‌ایم



پناجویان زیادی برای فرار از رژیم طالبان خود را به فرودگاه کابل رسانده‌اند

نخست وزیر کانادا، روز پنج‌شنبه ۱۹ اوت اعلام کرد نظامیان کانادایی به افغانستان بازگشته‌اند تا در عملیات تخلیه و انتقال پناجویان افغان شرکت کنند. به گزارش هفته به نقل از رادیو کانادا، بازگشت

رکورد ۱۰۵ ساله دمای هوا در مونترال شکسته شد؛ ادامه موج گرما در کبک

طبق گزارش محیط‌زیست کانادا، روز شنبه دمای هوا در مناطق مرکزی کلانشهر مونترال به ۳۵ درجه سانتیگراد و میزان رطوبت به ۴۲ رسید. رکورد پیشین گرمای هوا در مونترال ۳۳.۳ بود که در سال ۱۹۱۶ ثبت شده بود. در آن زمان نیز مونترال تحت تاثیر یک موج شدید گرما قرار گرفت که دست کم چهار روز ادامه داشت. موج گرما و میزان رطوبت بالا در شهر کبک نیز دست کم تا چند روز دیگر تعدیل نخواهد شد. طبق اعلام محیط‌زیست کانادا، از چند روز پیش نشانه‌های شکل‌گیری یک موج جدید گرما در مناطق جنوب غربی استان نیز مشاهده شده است.

در متئومدیا Météomédia اعلام کرد: «هیچ گاه ۲۱ اوت در مونترال این اندازه هوا گرم نبوده است. این روزها موج گرما کل استان کبک را تحت تاثیر قرار داده و رکوردهای قدیمی دمای هوا در چند شهر استان از جمله مونترال شکسته شده است.» آقای بیرون با اشاره به این که طبق پیش بینی‌ها موج گرما تا روز پنجشنبه ادامه خواهد یافت، تصریح کرد: «اگر دمای هوا روز یکشنبه نیز از ۳۰ درجه فراتر برود، رکورد دیگری در مونترال شکسته خواهد شد چرا که پس از سال ۱۹۷۰ اولین بار خواهد بود که دست کم دو موج گرما در ماه اوت در این شهر ثبت می‌شود.»



بعد از ظهر شنبه ۲۱ اوت دمای بالای هوا در مونترال یک رکورد قدیمی ۱۰۵ ساله را شکست

رکورد گرمای هوا در مونترال که مربوط به سال ۱۹۱۶ می‌شد، روز شنبه پس از ثبت گرمای ۳۵ درجه‌ای در این شهر، شکسته شد. به گزارش هفته، به نقل از ژورنال دو مونریال، فلیکس بیرون Félix Biron کارشناس هواشناسی

احتمال جلو افتادن واکسیناسیون کودکان ۱۱ ساله در کبک

خواهند داشت. وزارت بهداشت انتاریو تاکید کرد برای تصمیم گیری در این باره، اطلاعات و داده‌های مربوط به واکسیناسیون در آلبرتا و بریتیش کلمبیا را بررسی کرده است. این دو استان واکسن فایزر را به مدت چند ماه به کودکان متولد سال ۲۰۰۹ تزریق کرده‌اند بدون این که عوارض منفی ناشی از واکسیناسیون در این کودکان مشاهده کنند. بونوا باربو ویروس‌شناس و استاد دانشکده علوم بیولوژیک دانشگاه کبک مونترال تاکید کرد جلو انداختن واکسیناسیون کودکانی که چند ماه دیگر ۱۲ ساله می‌شوند، نمی‌تواند خطرناک باشد.

سال تحصیلی جدید، کریستیان دوبه وزیر بهداشت و خدمات اجتماعی کبک از آژانس سلامت عمومی خواسته است نظر خود را در این باره اعلام کند. در شرایطی که قرار است هفته آینده کودکان در کلاس‌های درس حاضر شوند، مقامات کبک در نظر دارند واکسیناسیون علیه کووید ۱۹ را به کودکانی که تا پایان سال ۱۲ ساله می‌شوند، بسط دهند. در حال حاضر واکسن فایزر به افراد ۱۲ سال به بالا تزریق می‌شود. انتاریو نیز سه شنبه گذشته اعلام کرد کلیه کودکانی که پیش از پایان سال ۲۰۲۱ دوازده ساله می‌شوند، شرایط دریافت دوز اول واکسن را



دولت فرانسوا لوگو قصد دارد واکسیناسیون آن دسته از کودکانی را که تا ۳۱ دسامبر آینده ۱۲ ساله می‌شوند، جلو بیندازد. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، در آستانه آغاز

بازداشت یک نفر در همیلتون به اتهام نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان

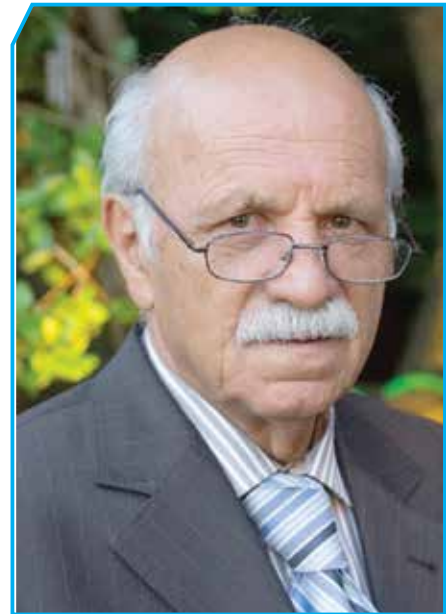
راننده یک کامیون تهدید شد. پلیس اعلام کرد: «جنایات نفرت محور در هیچ جا به هیچ وجه قابل تحمل نیست و اگر این پدیده مهار نشود، می‌تواند پیامدهای منفی عمیقی بر جوامع بگذارد.» همیلتون از جمله مناطقی است که نرخ جنایات نفرت محور در آن بالاست. اطلاعاتی که اداره آمار کانادا منتشر کرده حاکی از آن است که در سال‌های ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بالاترین نرخ سرانه جنایات ناشی از نفرت در این منطقه ثبت شده است. فعالان محلی و سران جوامع خواستار آن هستند که اداره آمار کانادا جزئیات بیشتری درباره جنایات نفرت محور منتشر کند.

لندن در ژوئن گذشته، به انتشار مطالب نفرت‌انگیز بر ضد مسلمانان در شبکه‌های اجتماعی اقدام کرده بود، دوشنبه این هفته بازداشت شد. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، پلیس همیلتون اعلام کرد برای اولین بار از دادستانی کل مجوز طرح چنین اتهاماتی را اخذ کرده و با دنبال کردن مطالب و پیام‌های توهین‌آمیزی که این مظنون جوان در اینستاگرام منتشر کرده بود، اقدام به بازداشت او کرده است. بازداشت این مظنون که جزئیات بیشتری درباره او و اتهاماتش منتشر نشده است پس از آن اتفاق افتاد که چند هفته پس از حمله مرگبار لندن، خانواده یک امام جماعت مسلمان نیز توسط



پلیس همیلتون از بازداشت یک مرد جوان به اتهام اشاعه نفرت و انزجار بر ضد مسلمانان در فضای مجازی خبر داد

پلیس همیلتون روز پنجشنبه ۱۹ اوت اعلام کرد مرد جوان ۲۶ ساله‌ای که پس از حادثه هولناک کشتار چهار عضو یک خانواده مسلمان ساکن شهر



دکتر ابوالقاسم رئیس سادات، درمانگر هزاران دردمند، در مونترال درگذشت

دکتر بهمن شفقی از لاهیجان نیز درباره ایشان چنین نوشته است: «زنده یاد دکتر ابوالقاسم رئیس سادات انسانی آزاده و پزشکی شرافتمند و به معنای حقیقی وفادار به سوگندی که خورده بود، بود. در سالهای دانشکده حلال مشکلات بسیاری از مسائل و مشکلات ما دانشجویان در زمینه های مختلف بود، به خصوص وقتی برنامه امتحانات دانشکده از سوی سردبیر دانشکده اعلام می شد، او نظر دانشجویان را می پرسید و بعد با انتقال نظر دانشجویان به سردبیر دانشکده سعی می کرد موافقت او را در مورد برنامه پیشنهادی دانشجویان جلب کند.»

دکتر غلامسحین امیری نیز پس از درگذشت این استاد پزشکی نوشته است: «به احترامش می ایستیم، به سیمای پر مهر و چشمان جست و جوگر و نگرانش یاد می سپاریم. به لبخند پر امیدش، به سخت کوشی و تلاش خستگی ناپذیرش در توضیح و تشریح نادرستی ها و مداومت و استواری اش، در مقابله با آنچه ناروا می دانست، دل می سپاریم و با هم به این استاد پر جوش و خروش، فرهیخته، ادیب، شاعر، هنردوست، خوش مشرب و خوش فکر و از همه بالاتر، یک دوست برای همه و یک پزشک فداکار، سر تعظیم فرود می آوریم.» مراسم بزرگداشت دکتر رئیس سادات روز شنبه ۲۱ اوت ۲۰۲۱ با حضور خانواده و دوستان ایشان در مونترال برگزار شد.

داشتن مادری مهربان و دوراندیش که پس از درگذشت پدر، در راه پیشرفت فرزندان خود از هیچ کوششی دریغ نکرد از سرمایه های بزرگ زندگی ام بوده است.»

به گفته محمدجعفر ناظم السادات «بسیاری به یاد می آورند که چگونه بیماری ناشناخته ای را ایشان با دانش کم نظیر خود، می شناخت و درمان می کرد. ادب و دوستی با لایه های گوناگون اجتماعی از دیگر ویژگی های ایشان بود. در این وانفسای کرونایی، جای ایشان برای کمک به مردم ایران بسیار خالی است. افسوس که ارزش این انسان های فداکار و فرزانه که موهای خود را در آموزش پزشکی و درمان مردم سپید کردند هرگز دانسته نشد و نمی شود.»

این استاد دانشگاه شیراز در ادامه نوشته است: «افسوس که جای این گونه انسان های ارزشمند بر مدیریت درمان و نظریه پردازی بیماری هایی همچون کرونا خالی است. هزینه نبود انسان هایی همانند ایشان برای مدیریت بیماری های واگیردار عفونی، جان مردم بی گناه و بی پناهی است که هر روز مظلومانه پرپر می شوند. اگر دیدگاه بزرگان چون ایشان به خوبی دیده می شد، هزینه کرونا برای مردم این همه سنگین نبود.»

به اعتقاد آقای ناظم السادات «دریغ از آن که سیاستمداران کوتاه اندیش، دیوارهای بلند چاپلوسی را از میان بردارند تا چهره زیبای خدمتگزاران راستینی همچون دکتر رئیس سادات به خوبی دیده شود.»

دکتر ابوالقاسم رئیس سادات هفته گذشته در مونترال درگذشت. او در مقام استاد پزشکی چندین نسل از ایمونولوژیست ها، پژوهشگران عرصه بیماری های عفونی و دانشجویان پزشکی را آموزش داد.

دکتر رئیس سادات پدر هنرمند نام آشنای موسیقی اصیل ایرانی، خانم سپیده رئیس سادات بود. او متولد ۱۵ اسفند ۱۳۱۸ در شهرستان ارسنجان بود. ایشان صبح روز یکشنبه ۱۵ اوت ۲۰۲۱ در ۸۱ سالگی در مونترال چشم از جهان فرو بست. چهره ای که خانواده، دوستان، همکاران و شاگردانش او را این چنین توصیف می کنند: «یک انسان خاص، متخصص بالینی برجسته با ذهنی خلاق، فردی از خود گذشته و همیشه در پی آموختن بود.»

دکتر رئیس سادات مقطع دبستان را در ارسنجان آغاز کرد و دوره های تخصصی و فوق تخصصی خود را در ایران و انگلستان به پایان رساند. به گفته نزدیکانش «طبابت برایش نه تنها یک حرفه بلکه روش زندگی بود. او به بازنشستگی باور نداشت. او خود را مسئول می دانست تا اندوخته ها، یافته ها و تجربیات بیش از ۵۰ ساله اش را برای پیشرفت حوزه تخصص بیماری های عفونی به کار گیرد.»

یک استاد دانشگاه شیراز درباره ایشان نوشته است: «در راه پر از سنگلاخ پیشرفت، بزرگترین سرمایه ایشان سخت کوشی، هوش سرشار، داشتن خانواده ای استوار در پیش و پس از ازدواج بود. خود ایشان چندین بار به من یادآور شدند که



کتابخانه‌ای برای همه، با هر وضعیت اقامتی

توجه به وضعیت اقامتی‌شان در کانادا خوش‌آمد می‌گوییم.»

خانم شاکری اضافه کرد: «البته برای بعضی از کلاس‌ها (ECC, ESL Cafe) به علت محدودیت‌هایی که داریم و مشتاقیم که سطح کیفی کلاس را بالا نگه داریم، اولویت ثبت‌نام با افراد دارای کارت اقامت است اما یک درصدی از تعداد شرکت‌کننده‌ها را هم به افراد با اقامت غیردائم اختصاص می‌دهیم اما به هر حال لازمه شرکت در این کلاس‌ها انجام ثبت‌نام است.»

او با بیان اینکه افراد با یک بار ثبت‌نام از طریق ایمیل از کلاس‌های بعدی سازمان مطلع می‌شوند، گفت: «با پاسخ دادن به همان ایمیل اسم افراد در لیست شرکت‌کننده‌ها قرار می‌گیرد و باز هم از طریق ایمیل، آیدی و پسوندد شرکت در کلاس‌های آنلاین ما را دریافت می‌کنند.»

او یادآور شد: «غیر از ایمیل، اطلاعات برنامه‌ها را در کانال تلگرامی با عنوان «خدمات رایگان مهاجران در کتابخانه‌های یورک ریجن» اطلاع‌رسانی می‌کنیم.»

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره برنامه‌های این سازمان می‌توانید به sshakeriaski@ccsy.org ایمیل بفرستید یا در تلگرام با شماره تلفن ۶۴۷۸۵۹۹۰۹۲ تماس بگیرید یا پیغام خصوصی بدهید.

به آنلاین تغییر پیدا کرده بنابراین به علت آنلاین بودن هیچ محدودیتی از نظر محل تشکیل کلاس‌های ما وجود ندارد و افراد از سراسر دنیا می‌توانند در کلاس‌های ما شرکت کنند.»

او با اشاره به جامعه مخاطب سازمان LSP توضیح داد: «ما برای برگزاری دوره‌ها و کلاس‌ها بر اساس نیازهای تازه‌واردان برنامه‌ریزی می‌کنیم. کلاس‌های ما به زبان‌های مختلف انگلیسی مندرین و فارسی اجرا می‌شوند. البته این کلاس‌ها قبل از شیوع بیماری کووید ۱۹، به صورت حضوری در کتابخانه‌های مختلف یورک ریجن برگزار می‌شد.» او برنامه اخیر این سازمان را کارگاهی با عنوان «آموزش مهارت‌های تحقیق برای تحصیلات دانشگاهی در کانادا» عنوان کرد و گفت: «در این جلسه شرکت‌کنندگان قدم به قدم با منابع ارزشمند بانک اطلاعاتی کتابخانه برای پروژه‌های تحقیقاتی کالج و دانشگاه‌شان آشنا شدند. اینکه تحقیق رکن اصلی تحصیلات عالی در کاناداست و چگونگی دسترسی به منابع معتبر و موثق برای تحقیق از دیگر محورهای این کارگاه آنلاین بود.» به گفته کارمند سازمان LSP «به علت این که در کتابخانه به روی همه افراد تازه‌وارد و غیر تازه‌وارد، اقامت دائم و غیردائم باز است، ما هم به همه علاقمندان به شرکت در کلاس‌ها بدون

کتابخانه LSP در منطقه «یورک ریجن» به تازه‌واردان تورنتو خدمات می‌دهد. به گفته کارمند بخش فارسی‌زبان این سازمان «جامعه مخاطب این مرکز افراد تازه‌وارد به کانادا هستند بنابراین جامعه ایرانی‌های کانادا هم با بهره‌مندی از برنامه‌ها و کلاس‌های رایگان و گروهی LSP می‌توانند سریع‌تر با جامعه میزبان تطبیق پیدا کنند.»

کتابخانه LSP یا همان Library Settlement Partnership سازمانی است که به عنوان زیرمجموعه Catholic Community Services of York Region فعالیت می‌کند.

شهلا شاکری در گفت‌وگو با هفته افزود: «این مرکز با بودجه دولتی و به‌صورت غیرانتفاعی اداره می‌شود. همان‌طور که از اسم این سازمان مشخص است حوزه فعالیت فیزیکی ما در منطقه York Region است اما متأسفانه یا خوشبختانه به خاطر همه‌گیری ویروس کرونا فعالیت‌های ما از حضوری

وبینار تخصصی تجارت با دولت کانادا

هفتم شهریور ۱۴۰۰ ساعت ۱۳ به وقت شرق و ساعت ۱۰ به وقت غرب کانادا و ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه به وقت ایران برگزار می‌شود و اولویت با ثبت‌نام‌کنندگان است.

برای کسب اطلاعات بیشتر به کانال تلگرام هفته به نشانی [@haftehmontreal](https://t.me/haftehmontreal) مراجعه کنید.

انجمن بازرگانی ایران و کانادا موسسه‌ای غیردولتی و غیرانتفاعی است که با استناد به قوانین بازرگانی کانادا و ایران فعالیت می‌کند. این انجمن از سال ۲۰۱۶ به‌ویژه در حوزه‌های تجاری، بازرگانی، صنایع، کشاورزی و گردشگری با هدف ایجاد و گسترش بستر مناسب کاری فعال است. همکاری متقابل بازرگانان و شرکت‌های تجاری ایران و کانادا و همچنین تبادل سرمایه‌گذاری از جمله اهداف راه‌اندازی این مرکز است.

دولت شرکت کنید و عضوی فعال باشید. همچنین شما می‌توانید نوآوری‌های خود را به دولت کانادا بفروشید.»

طبق این اعلام «با استراتژی ارائه کالاها و خدمات خود به بومیان کانادا وارد قرارداد با دولت کانادا شوید. از طریق همکاری با دولت کانادا محصولات و خدمات خود را به دیگر دولت‌های استانی و یا در سطح بین‌المللی به دیگر دولت‌های طرف قرارداد با کشور کانادا بفروشید. از دولت کانادا بخرید؛ با شرکت در مزایده‌های املاک مازاد، کالاها و مستغلات وارد قرارداد شوید. همچنین با دستورالعمل‌ها و استانداردهای تجارت با دولت فدرال کانادا آشنا شوید. به همه این موارد در این وبینار پرداخته خواهد شد.»

این وبینار روز یکشنبه ۲۹ اوت ۲۰۲۱ برابر با



انجمن بازرگانی ایران و کانادا از برگزاری وبینار تخصصی تجارت با دولت کانادا خبر داده است در اطلاعیه این انجمن آمده است: «کالاها و سرویس‌های خود را به دولت کانادا بفروشید. طرح‌ها و نوآوری خود را برای بهبود کار دولت ارائه دهید و به عنوان پیمانکار هزینه‌های اجرای آن را دریافت کنید. در مناقصات و فرصت‌های قراردادی

کمک به مردم سیستان و بلوچستان در بحران کرونا

دو راه اقدام کنید.
۱. واریز credit-card یا Paypal از هر جای دنیا از طریق این لینک:
www.baharcharity.com/donate-online
(link in bio: GeneralDonation)
۲. واریز e-transfer از کانادا از طریق ایمیل bahargroupuoft@gmail.com
انجمن ایرانیان در دانشگاه تورنتو (UTIRAN) یک سازمان فرهنگی، دانشگاهی و اجتماعی مستقل است که به دنبال ترویج فعالیت‌های مربوط به ایرانی‌تبارها و ایرانی‌کانادایی‌ها در دانشگاه تورنتو و فراتر از آن است.

سیستان و بلوچستان همچنان ادامه دارد. در مرحله اول این طرح پنج هزار دلار جمع‌آوری شد و هفت خانه بهداشت مجهز به دستگاه اکسیژن‌ساز و ماسک شده‌اند.
طبق این اعلام «با توجه به ادامه کمک‌های شما عزیزان، در مرحله دوم این طرح تلاش می‌کنیم تا با جمع‌آوری ۲ هزار دلار برای سه خانه بهداشت دیگر دستگاه اکسیژن‌ساز و ماسک تامین کنیم. کمک‌های جمع شده از طریق خیریه پردیس در تورنتو به خیریه همکار در ایران برای خرید تجهیزات ارسال می‌شود.»
برای مشارکت در این طرح می‌توانید از یکی از این



کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو (یوتیران) از اجرای مرحله دوم طرح «نفس هدیه دهیم» برای کمک به مردم سیستان و بلوچستان خبر داده است. در اطلاعیه این طرح آمده است: «با توجه به وخامت وضعیت کرونا در ایران، نیاز به دستگاه اکسیژن‌ساز برای خانه‌های بهداشت استان

نگاهی به اشعار نادرپور در شماره جدید پادکست سماک

برای دسترسی به لینک این پادکست و دیگر تولیدات صوتی سماک به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal@ مراجعه کنید.
مجله شنیداری سماک مجموعه‌ای با مدیریت آقای دکتر فرشید سادات‌شریفی است که پیش از این نیز دو اپیزود از جمال‌زاده و سیمین را در ماه‌های گذشته منتشر کرده و قرار است شماره‌های ۴۱ تا ۴۴ را تا پایان سال میلادی به بررسی اشعار دیگر شاعران همچون مهدی اخوان‌ثالث، فریدون مشیری، سهراب سپهری و منصور اوجی اختصاص دهد.

شماره جدید پادکست ادبی مجله شنیداری سماک با نگاهی به اشعار نادر نادرپور منتشر شد. در اطلاعیه گروه سماک آمده است: «با انتشار چهارمین قسمت، این پادکست پا به چهار سالگی گذاشت. شماره جدید حاصل برنامه‌ای مشترک با انجمن علمی دانشجویان دانشگاه مک‌گیل می‌باشد.»
طبق این اعلام «این شماره با صداهایی از جنس آدینه هاشم (خنیگر تاجیک)، نادر گلچین با همراهی وریا حواری‌نسب و پریچهر مافی و نادرپور خوانی جمعی از مخاطبان زینت یافته است.»



چگونه معنای زندگی و شادکامی را دریابیم؟

حربی، دکترای روان‌شناسی سلامت سخنرانی می‌کند.
برای اطلاع از چگونگی ثبت‌نام در این برنامه به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal@ مراجعه کنید.
سازمان زنان ایرانی انتاریو یکی از سازمان‌های ایرانی‌کانادایی است که خدمات و برنامه‌های متنوعی از مباحث روان‌شناسی تا مسائل حقوقی را در اختیار اعضا و جامعه فارسی‌زبان قرار می‌دهد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این سازمان اینجا را کلیک کنید.

سازمان زنان ایرانی انتاریو با برگزاری یک وبینار به این پرسش پاسخ می‌دهد که «معنای زندگی و شادکامی را چگونه دریابیم؟»
در اطلاعیه این برنامه آمده است: «در این جلسه از سری برنامه‌های سلامت روان، به تکنیک‌های شاد بودن در عصر جدید می‌پردازیم. اگر علاقه‌مند هستید با شادکامی و احساسات درونی خود بیشتر آشنا شوید به ما بپیوندید.»
این وبینار رایگان روز پنج‌شنبه ۲۶ اوت ۲۰۲۱ ساعت ۱۸ تا ۱۹ و ۳۰ دقیقه به وقت شرق کانادا در پلتفرم زوم برگزار می‌شود و در آن دکتر انسیه



Ali Samadian

Real Estate Broker



438.504.5922

مشاور املاک مسکونی و تجاری در مونترال بزرگ



- متخصص در خرید و فروش واحد های آپارتمانی و منازل ویلایی
- برای مشورت با من تماس بگیرید، بدون تعهدی از سوی شما در خدمت تان هستم

علی صمدیان
مشاور املاک

لیسانس رشته شهرسازی

حامد ملکی

Hamed Maleki

- ✓ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ✓ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ✓ تهیه و کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ
- ✓ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف

همنترال جهت خرید
hamedmalekirealstate
(514) 5571929

مشاور رسمی مسکن در استان کبک



Vendirect.ca

بهار ایزدی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ
خرید، فروش و پیش فروش

MIMMOBILIER
BAHAR IZADI
REAL ESTATE ADVISOR

BUY
SALE
PRESALE



514 651 48 26

برای انتخاب هنرمندانه با من تماس بگیرید
bahari@mmontreal.com

سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آمدزا



Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Tel: 514.625.2525

de l'Agence
L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency

نرگس هاشمی
خسرو شمیرانی
شاهین شهسواری
ثریا سالاری

پیونده هفته



کانادا در صف بازندگان جنگ در افغانستان

نگاهی به طولانی‌ترین جنگ تاریخ کانادا



طرح جلد: نثار احمد تاجیک

نظامی کشته شدند. طبق اطلاعات رسمی دولت کانادا هم‌اکنون بسیاری از سربازان کانادایی شریک در جنگ افغانستان از اختلال استرس پس از سانحه PTSD رنج می‌برند.

جنگ علیه افغانستان به بهانه ترورهای ۹ سپتامبر

در اواخر سال ۲۰۰۱، ایالات متحده و نیروهای بین‌المللی به افغانستان حمله کردند. آنها با کمک شبه‌نظامیان مخالف، طالبان را سرنگون کردند. ائتلاف تحت رهبری آمریکا برخی شورشیان طالب و القاعده را در سراسر افغانستان، از جمله مخفیگاه‌های کوهستانی‌شان، شکار کردند. در یکی از این موارد، در جریان نبرد با اعضای القاعده، نیروهای آمریکایی عمر خضر ۱۵ ساله را که در کانادا متولد شده بود زخمی و دستگیر کردند.

اسامه بن لادن هم به پاکستان فرار کرد. آمریکایی‌ها تا سال ۲۰۱۱ نتوانستند او را بیابند اما روز اول ماه مه سال ۲۰۱۱ بن لادن در ایست‌آباد پاکستان طی یک عملیات «هالیوود» گونه به قتل رسید.

کانادا از غافله‌ی جنگی که ایالات متحده آغاز کرده بود عقب نماند. در فوریه ۲۰۰۲ تقریباً ۱۲۰۰ سرباز کانادایی شامل ده‌ها عضو نیروی ویژه در جنگ سهیم شدند. آنها در قالب یک گروه رزمی پیاده، به عنوان بخشی از نیروی کار ارتش ایالات متحده که در جستجوی شورشیان بود، به قندهار در جنوب افغانستان اعزام شدند. کانادایی‌ها با نیروهای القاعده و طالبان جنگیدند و از «عملیات‌های بشردوستانه» و دولت موقت جدید افغانستان محافظت کردند. اما جنگ جنگ است و نتایج زشت آن فقط دامنگیر «دشمن» نمی‌شود. یک خلبان آمریکایی در ماه آوریل ۲۰۰۲ چهار سرباز پیاده‌نظام کانادایی پرنس پاتریشیا را به اشتباه هدف گرفت و کشت. تعداد کشته‌های کانادا به ۱۶۵ نفر رسید اما در سوی دیگر دست کم ۳۱ هزار غیرنظامی، بیش از ۶۰ هزار از نیروهای دولت افغانستان و ده‌ها هزار از نیروهای طالبان کشته شدند.

حضور نیروی دریایی کانادا در جنگ علیه افغانستان

کانادا ناوهای جنگی خود را به عنوان بخشی از عملیات دریایی ضد تروریسم به رهبری ایالات متحده از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ به جنوب غربی آسیا فرستاد. افغانستان مرز اقیانوسی ندارد، بنابراین نیروی دریایی به طور مستقیم بر وضعیت نظامی آنجا

ماجرای ۱۱ حملات ۱۱ سپتامبر آغاز شد

تروریست‌های القاعده چهار هواپیمای مسافربری را رها کرده و از آنها برای حمله به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ استفاده کردند. تقریباً ۳۰۰۰ نفر و از جمله ۲۴ کانادایی در این حملات کشته شدند. حمله به ایالات متحده در آن وسعت و با چنان پیامدی جهان را در شوکی عظیم فروبرد. مرکزیت و رهبر القاعده، اسامه بن لادن در افغانستان مستقر بودند، جایی که طالبان پناهگاهی امن به آنان داده بود.

روز بعد از حملات، ژان کرتین، نخست‌وزیر کانادا با جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده تماس گرفت و قول «حمایت کامل کانادا» به آمریکایی‌ها را داد. ماهیت دقیق این تعهد در اکتبر همان سال مشخص شد: کانادا در کارزاری چندملیتی به رهبری آمریکا برای حمله به افغانستان به منظور دستگیری اعضای القاعده، برچیدن اردوهای آموزشی آنها و سرنگونی دولت طالبان شرکت کرد. نقش کانادا نقشی چندوجهی بود که از مشارکت نیروهای زمینی، هوایی و دریایی گرفته تا منابع دیپلماتیک و اطلاعاتی غیر نظامی را شامل می‌شد.

یازده سپتامبر ۲۰۰۱ که نقطه‌ی عطفی را در جهان رقم زده بود برای سیاست خارجی کانادا نیز به عنوان یک نقطه تحول بنیادین عمل کرد: کشوری که طی نیم قرن پس از جنگ جهانی دوم نامش با صلح و نیروهای حافظ صلح گره خورده بود وارد عملیات جنگی شد که طولانی‌ترین جنگ تاریخ کانادا است و کشور را از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴، به مدت ۱۲ سال درگیر نگاه داشت. این جنگ نخستین درگیری مهم کانادا از زمان جنگ کره در آغاز دهه ۱۹۵۰ میلادی بود. پس از حملات تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده، کانادا به ائتلاف جهانی برای از بین بردن شبکه‌ی تروریستی القاعده و رژیم طالبان که به القاعده در افغانستان پناه داده بود پیوست. پس از حمله ائتلاف به افغانستان، طالبان از قدرت کنار گذاشته و شبکه‌ی القاعده نیز تا حد زیادی مختل شد اما کانادا و متحدانش نه توانستند این دو گروه را از بین ببرند و نه موفق شدند افغانستان را ایمن کنند. در این پیکار ۱۲ ساله بیش از ۴۰ هزار نفر از نیروهای مسلح کانادا درگیر شدند و از آنها ۱۵۸ سرباز و ۷ غیر

تأثیرگذار نیست. با این حال، نیروی دریایی کانادا در گشت‌زنی در دریای عرب تا دریای عمان شرکت کرد.

عظیم‌ترین اعزام نیروی دریایی در عملیات اپولو از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ رخ داد که طی آن ۱۵ کشتی جنگی کانادایی از پایگاه‌های هالیفاکس و اسکیمالت به منطقه فرستاده شدند. این عملیات بزرگترین عملیات دریایی کانادا از زمان جنگ جهانی دوم بود. در ژانویه ۲۰۰۲، ۶ کشتی کانادایی، با ۱۵۰۰ خدمه به صورت همزمان در این منطقه مشغول به فعالیت بودند.

کانادا در سال ۲۰۰۴ رهبری عملیات نظامی را به عهده گرفت

قندهار محل اصلی حضور کانادا در عملیات جنگی شد. نیروهای نظامی کانادا شامل یک گروه رزمی با حدود ۲۰۰۰ سرباز پیاده، خودروهای زرهی، تانک، توپخانه و دیگر واحدهای پشتیبانی مانند بیمارستان صحرایی در قندهار مستقر شدند. نیروی هوایی کانادا در این منطقه هلیکوپترهای تاکتیکی و ترابری، هواپیماهای حمل‌ونقل دوربرد و هواپیماهای شناسایی بدون سرنشین را در اختیار داشت.

مردان و زنان جنگنده از سه تیپ حرفه‌ای و منظم کانادا، که با نیروهای ذخیره‌ی نیمه‌وقت پشتیبانی می‌شدند، انتخاب شدند. در سال ۲۰۰۴ ژنرال کانادایی ریک هیلر Rick Hiller فرماندهی نیروهای آیساف ISAF را به عهده گرفت و به این ترتیب به تمامی جنگجویان ارتش‌های غربی حاضر در افغانستان فرمان راند.

تیم‌های کوچک‌تری از سربازان و داوطلبان نیروهای پلیس در سراسر کانادا نیز برای راهنمایی و آموزش ارتش ملی و پلیس ملی افغانستان اعزام شدند. محل دیگری که نیروهای کانادایی در حضور گسترده داشتند کابل بود. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، مأموریت گروه جنگی کانادا در کابل، پایتخت افغانستان بود. مأموریت این نیروها کمک به خلع سلاح واحدهای شبه‌نظامی افغان را در برمی‌گرفت. در آنجا، علیرغم حملات گه‌گاهی بمب‌گذاران انتحاری، کانادایی‌ها بیشتر در گشت‌زنی و تثبیت دولت پساتالبانی افغانستان نقش داشتند.

از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ دوران خطرناکی برای کانادایی‌ها آغاز شد. گروه نبرد به شهر قندهار در جنوب افغانستان منتقل شد. در آن زمان، وضعیت در بیشتر افغانستان به یک مبارزه کامل ضد چریکی تبدیل شده بود. مأموریت تأمین امنیت در سراسر ولایت قندهار و «ریشه‌کن کردن شورشیان طالب» در شهر و روستاهای اطراف بر عهده کانادایی‌ها بود. کانادا همچنین مسئولیت تیم بازسازی استانی در قندهار را بر عهده داشت: واحدی که وظیفه آن جلب «قلوب و اذهان» غیر نظامیان افغان در منطقه و حمایت از رهبران دولت محلی بود.

در قندهار، نیروهای کانادایی در جنگ چریکی با جنگجویان طالب شرکت کردند. کانادایی‌ها با مهارت‌های حرفه‌ای و قدرت شلیک برتر خود در چندین نبرد پیروز شدند و از قندهار در برابر طالبان دفاع کردند. با این حال، این پیروزی‌های تاکتیکی در جنگی همه‌گیر معنایی ندارد، چون هر بار که طالبان در نبرد شکست می‌خورند، عقب‌نشینی می‌کردند، گروه‌بندی می‌شدند و با شماری بیشتر برمی‌گشتند. در این میان، هر سال، فرماندهان نظامی کانادا ادعاهای گمراه‌کننده‌ی مبنی بر کشته شدن یا فراری شدن صدها جنگجوی طالب صادر کردند و شورشیان قندهار را در آستانه‌ی شکست جلوه دادند، ولی در واقع، شورش افزایش یافت و امنیت در این ناحیه از سال ۲۰۰۶ تا زمان خروج کانادایی‌ها از قندهار در سال ۲۰۱۱ به طور مداوم بدتر شد.

در طی همین دوره، کانادایی‌ها شاهد انبوهی از مراسم خاکسپاری نظامیانشان

بودند؛ چرا که بقایای سربازان در تابوت‌های پرچم‌دار به خانه‌هایشان بازگردانده می‌شدند. اکثر کانادایی‌های کشته شده در افغانستان در جریان عملیات قندهار کشته شدند، بسیاری از آنها با بمب‌های کنار جاده‌ای طالبان که رسماً به عنوان بمب‌های دست‌ساز شناخته می‌شوند و کاروان‌های نظامی کانادا را هدف قرار می‌دادند، کشته شدند. در میان کشته‌شدگان نیکولای گودارد، سروان ۲۶ ساله‌ی ارتش بود که در اثر پرتاب ارپی‌جی در جریان درگیری با شورشیان در ماه مه ۲۰۰۶ کشته شد. او اولین سرباز زن کانادایی بود که در این جنگ کشته شد.

در آن روزها بزرگترین مانع برای شکست طالبان حمایتی بود که این نیروها از پاکستان دریافت می‌کرد. برای چندین دهه، رهبری نظامی پاکستان از طالبان به عنوان روشی برای اعمال کنترل نیابتی بر افغانستان استفاده می‌کرد. ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان در حال استخدام، آموزش، تأمین مالی و ایجاد پناهگاه امن برای شورشیان طالب (و همچنین مخفی کردن سایر رهبران القاعده) بودند. تا زمانی که ایالات متحده، کانادا و ناتو تمایلی نداشتند که نبرد را از مرز پاکستان - که متحد فرض می‌شود - انجام دهند یا حمایت پاکستان از طالبان را متوقف کنند، نمی‌توانستند از شورش در قندهار هم جلوگیری کنند.

کانادا در کارزار بازسازی افغانستان

علاوه بر تلاش نظامی، کانادا و دیگر کشورهای ائتلاف برای بازسازی افغانستان تلاش‌هایی کردند. برای آنان چالش‌های افغانستان سرسام‌آور بود. این کشور که از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ محل درگیری‌های خشونت‌آمیز است، یکی از فقیرترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. اکثر کودکان به مدرسه نمی‌روند و نرخ بیسوادی بالاست. بسیاری از مقامات محلی نیز فاسدند. فرماندهان جنگی و رهبران قبیله‌ای در مناطق وسیعی از کشور اعمال قدرت می‌کنند. کشت و تولید تریاک پول لازم را برای جنگ‌سالاران و طالبان تأمین می‌کند. به گزارش نیویورک تایمز، تا سال ۲۰۰۱، تا زمان حمله، بیشتر افغانستان ویرانه‌ای بود و افغان‌ها بدون زیرساخت‌های لازم مانند آسفالت جاده‌ها و برق زندگی می‌کردند.

گرچه کانادا همچون سایر کشورهای ائتلاف سعی می‌کند مبالغ پرداختی برای «بازسازی افغانستان» را به رخ بکشد اما آمار رسمی کانادا نشان می‌دهد که این کشور از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ مبلغ ۲.۲ میلیارد دلار برای «بازسازی و توسعه» در افغانستان هزینه کرده درحالی که در همین مدت هزینه‌های جنگی کانادا در افغانستان تقریباً هشت برابر مبلغ بالا، نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار بوده است. طبق اطلاعات رسمی دولت کانادا بخشی از این کمک‌ها توسط سازمان‌های غیر دولتی که غذا، آموزش و خدمات اولیه به جوامع ارائه می‌دهند، توزیع شد.

خروج نیروهای کانادایی از افغانستان

افکار عمومی کانادا تحت تأثیر تبلیغات گسترده‌ی رسانه‌های اصلی بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، با جنگ در افغانستان کم و بیش همراه بود. اما در پاییز ۲۰۰۶، با افزایش تلفات کانادایی‌ها در قندهار، از این حمایت کاسته شد. تا آن جا که تا سال ۲۰۰۷ بیش از نیمی از کانادایی‌های مورد بررسی گفتند که معتقدند عملیات نظامی شکست خواهد خورد.

مأموریت جنگی کانادا که توسط دولت لیبرال ژان کرتیین آغاز و توسط پل مارتین ادامه یافته بود، پس از تغییر دولت و بالا آمدن محافظه‌کاران تمدید شد. استفان هارپر، نخست‌وزیر دولت محافظه‌کار در سال ۲۰۰۶ حضور جنگی کانادا در افغانستان را تأیید و آن را حمایت کرد. لیبرال‌هایی که در ماه مه

گاه‌شمار حضور کانادا در جنگ افغانستان

- هشتم اکتبر ۲۰۰۱، یک‌روز پس از ورود نیروهای امریکایی به افغانستان، کانادا نیروی زمینی، هوایی و دریایی خود را در جنگ افغانستان درگیر کرد.
- یک سال بعد، در اکتبر ۲۰۰۲، نیروهای کانادایی در پوشش عملیاتی به نام «آزادی پایدار» به بخش‌هایی از افغانستان اعزام شدند.
- در اوت ۲۰۰۳، به رهبری ناتو، نیروهای کانادایی به کابل و اطراف پایتخت فرستاده شدند و همچنین سفارت کانادا در کابل هم بازگشایی شد.
- در اوت ۲۰۰۵، کانادایی‌ها از کابل به قندهار منتقل شدند تا عملیات خود را در آن شهر پی‌گیرند.
- در ژانویه ۲۰۰۶، عملیات نظامی کانادا در قندهار با حدود ۳۰۰۰ سرباز آغاز شد.
- در اوت ۲۰۰۷، برخی بزرگراه‌های کانادا به نام کانادایی‌هایی کشته شده در افغانستان نامیده‌شد.
- در فوریه ۲۰۰۸، پارلمان کانادا مأموریت نظامی این کشور در قندهار را تا سال ۲۰۱۱ تمدید کرد.
- در ژوئن ۲۰۰۸، با فرار بیش از ۴۰۰ زندانی طالب از زندان قندهار، نیروهای کانادایی مأمور تعقیب و یافتن آن‌ها شدند.
- در مارس ۲۰۱۰، بر پایه اسناد، سازمان اطلاعات امنیتی کانادا از زندانیان طالب بازجویی کرد.
- در نوامبر ۲۰۱۰، دولت تصمیم گرفت به‌حضور نظامی کانادا در افغانستان تا ۲۰۱۴ پایان دهد.
- در مه ۲۰۱۱، نقش کانادا در آموزش و پشتیبانی از نیروهای امنیتی افغانستان چشمگیرتر شد و پس از امریکا در جایگاه دوم در این امر قرار گرفت.
- در ژوئیه ۲۰۱۱، کانادا به مأموریت سربازانش در قندهار پایان داد و کوشید تا نقشی دیگر، این‌بار در راستای پیشبرد امنیت کابل، مسائل حقوق بشر و کودکان و نوجوانان پیش بگیرد.
- در مه ۲۰۱۲، تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۱۴ را زمان خروج نیروهای کانادایی از افغانستان اعلام کردند.
- در ژوئن ۲۰۱۳، بخشی از نیروهای کانادایی، کوله‌بارشان را جمع کردند و به کانادا برگشتند.
- در مارس ۲۰۱۴، نیروهای آموزشی کانادایی نیز افغانستان را ترک کردند.



در سال ۲۰۰۴
ژنرال کانادایی
ریک هیلیر
Rick Hillier فرماندهی
نیروهای آیساف
ISAF را به عهده
گرفت

۲۰۰۶ از تمدید حضور جنگی کانادا در افغانستان حمایت کرده بودند چند ماه بعد و با روی کار آمدن محافظه‌کاران در کنار بلوک کبک‌وآ و نیو دموکرات‌های از دولت درخواست کردند که به مأموریت کانادا در افغانستان پایان دهد. البته دولت هارپر چنین نکرد و تا سال ۲۰۱۴ کانادا را درگیر جنگ نگاه داشت.

در سال ۲۰۰۷ رفتار خشونت‌بار نیروهای کانادایی با اسرای طالبان افشا شده و به یک رسوایی سیاسی منجر شد. بر اساس قوانین بین‌المللی، کانادا مسئول شکنجه‌ی زندانیان اسیر توسط سربازانش بود. رسوایی بازداشت‌شدگان در سال ۲۰۰۷ چندین ماه بر بحث‌های سیاسی کانادا حاکم بود و در سال ۲۰۰۹ دوباره مطرح شد و دولت اقلیت هارپر را تهدید به سرنگونی کرد - تا آن زمان که کانادا برنامه‌ای برای نظارت بر زندانیان طالب در زندان‌های افغانستان تدوین کرد.

در میان مسئله‌ی بازداشت‌شدگان، افزایش تلفات کانادایی‌ها و ادعاهای گمراه‌کننده‌ی ارتش درباره موفقیت در قندهار، کانادا مأموریت خود را تا سال ۲۰۱۱، زمانی که عملیات رزمی کانادا به پایان رسید، ادامه داد و مسئولیت امنیت در قندهار را به ایالات متحده سپرد.

بیشتر سربازان و تجهیزات سخت‌افزاری کانادا به خانه آورده شدند، اگرچه گروه کوچکی از سربازان در کابل مستقر بودند و نیروهای امنیتی افغان را آموزش و مشاوره می‌دادند. در مارس ۲۰۱۴، مأموریت در کابل هم پایان یافت و نقش نظامی ۱۲ ساله کانادا در افغانستان به پایان رسید.

میراث جنگ افغانستان برای کانادا: اختلالات روانی بیشتر سربازان و ۷۰ مورد خودکشی

برآورد می‌شود که کانادا ۱۸ میلیارد دلار در جنگ افغانستان و تلاش برای «بازسازی» این کشور هزینه کرده است. این جنگ جان ۱۵۸ سرباز کانادایی را گرفت و بیش از ۲۰۰۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند. هفت غیرنظامی کانادایی نیز کشته شدند: یک دیپلمات، چهار امدادگر، یک پیمانکار دولتی و یک روزنامه‌نگار.

از مارس ۲۰۲۰، تقریباً ۱۷ درصد از کارکنان نظامی کانادایی که در جنگ افغانستان شرکت کردند، به دلیل اختلال استرس پس از سانحه، پاداش بازنشستگی یا از کارافتادگی امور جانبازان کانادا را دریافت کردند. بر اساس تحقیقات گلوب اند میل، بیش از ۷۰ سرباز و جانباز کانادایی که به افغانستان اعزام شده بودند تا دسامبر ۲۰۱۷ خودکشی کردند. «سیاری از آنان اختلالات روانی پس از آسیب و مشکلاتی دیگر در کارشان پیدا کردند. همچنین مشکلات شخصی از جمله قطع رابطه و استرس مالی نیز در این بیماران وجود داشت.» بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰، بیش از ۱۷۵ تن از کارکنان نظامی کانادا خودکشی کردند.

تا هفته گذشته، قبل از ورود طالبان به کابل بر سر موفقیت یا عدم موفقیت کانادا در افغانستان بحث وجود داشت. فرماندهان نظامی که گروه نبرد کانادا را در کابل و قندهار رهبری می‌کردند، گفته‌اند که نیروهای کانادایی به مدت هشت سال در به دور نگه داشتن شورشیان طالب کمک کرد و برای نیروهای امنیتی افغان و نهادهای دولتی وقت خرید تا خود را بازسازی کنند. کانادا و متحدان ائتلافی آن موفق به فروانداختن القاعده شدند و کمک‌های بازسازی و حمایت نظامی‌شان نیز اندکی به بهبود سطح عمومی زندگی و خروج بخش‌هایی از کشور از فقر شدید کمک کرد.

اما برخی دیگر معتقد بودند که کانادا در مأموریت اصلی خود برای کمک به امنیت کابل و قندهار از خشونت طالبان شکست خورد. مجله پالیسی آپشنز در سال ۲۰۱۴ نوشت: «در نهایت، تلاش‌ها و فداکاری‌های کانادایی در قندهار نتوانست

حضور کانادا در جنگ افغانستان دفاع کرد. صدها کشته و مجروح و بیمار روحی، میلیاردها دلار پول مالیات‌دهندگان کانادایی در این سوی و صدها هزار کشته و میلیون‌ها آواره افغان در آن سوی نتیجه جنگی هستند که کانادا بخشی از آن بود بی‌هیچ نتیجه‌ی مثبتی برای هیچ یک از درگیرشدگان در این جنگ، البته به غیر از فروشندگان اسلحه که برنده دایمی جنگ هستند.

شرایط اساسی این درگیری را تغییر دهد.» وقتی کانادا در سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک کرد، طالبان و شورشیان القاعده دولت را بی‌ثبات کرده، مردم را تهدید می‌کردند. چندی بعد از خروج کانادایی‌ها، بر اساس گزارش عفو بین‌الملل، یک گروه ناظر حقوق بشر، طالبان در سال ۲۰۱۷ بیشتر از هر زمان دیگری از سال ۲۰۰۱ قلمرو افغانستان را تحت کنترل خود داشت.

امروز، در پایان ماه اوت ۲۰۲۱، پس از اینکه طالبان با قدرت تمام لگام کشور را دوباره به دست گرفته به سختی می‌توان از موفق بودن



نرگس هاشمی

بلقیس روشن عضو پارلمان

در گفت‌وگوی اختصاصی با «هفته»:

کانادا در جنایات این جنگ سهم دارد

حوصله این گفتگو بالا است. پس از سرنگونی دولت خلق و پرچم تنظیم‌های جهادی بخاطر گرفتن قدرت با حمایت آمریکا و پاکستان و ایران و عربستان سگ‌جنگی را آغاز کردند که تنها در کابل هفتاد هزار انسان بی‌گناه را قتل‌عام کردند، دارایی عامه را چور و چپاول نمودند و افغانستان را به ویرانه تبدیل ساختند. آمریکا دید که در وجود اینان نمی‌توانند برنامه‌های ستراتیژیک خود را عملی کند به جای اینان طالبان را بوجود آوردند تا فرزندان جهادی خود را از قدرت ساقط کنند و پروژه «یونیکال» را به خیال راحت عملی کنند. ولی این خواست آمریکا باز هم برآورده نشد چون فرانسه از احمد شاه مسعود حمایت کرد و جنگ داخلی دیگر ادامه یافت تا اینکه حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داد و مناسبات آمریکا و طالب بر سر تحویل دادن اسامه بن لادن به هم خورد و آمریکا با حملات هوایی در ظرف یکماه گلیم طالب را از افغانستان جمع و به نام «مبارزه با تروریسم»، «حقوق زن» و «دموکراسی» افغانستان را اشغال کرد و در ظرف بیست سال با پمپ کردن و حمایت جهادیان سابق و طالب بدترین نوع جنایات را در حق زنان افغانستان انجام داد، افغانستان بزرگترین کشور تولیدکننده و صادرکننده مواد مخدر و فاسدترین کشور جهان شد. بخاطر چند دسته‌گی در دولت کززی و غنی، آمریکا بار دیگر به طالب قدرت داد، سران جانی این گروه را از لیست سیاه اخراج و به آنان مشروعیت جهانی داد تا اینکه طی معامله‌ای که در قطر توسط نماینده آمریکا زلمی خلیلزاد انجام شد افغانستان دست بسته به طالبان تحویل داده شد. پس از آن آمریکا مردم را در جهنمی به نام افغانستان رها کرد.

طالبان ملیت خارجی ندارند، قسمیکه در کلیپ‌ها دیدیم آنها هم افغان هستند. دولت‌های بیگانه از چه نقطه ضعفی استفاده کردند و چطور افغان‌ها را بر علیه افغان‌ها بلند کردند؟

من مخالف این هستم که در صفوف طالبان خارجی‌ها وجود ندارند. تعداد بیشماری از جنرال‌های پاکستانی در صفوف طالبان هستند، گروه طاهر یولداش که در شمال افغانستان فعالیت دارد مربوط از پاکستان است و به همین سان اتباع دیگر کشورها هم در صفوف طالبان هستند. ولی چیزیکه مهم است اینست که ولو طالب خارجی باشد یا افغان، ایدیولوژی آنان ایدیولوژی بیگانه است و آنان بر

بلقیس روشن نماینده ولایت فراه در مجلس سنای افغانستان، یکی از وکلای فعال و شجاعی است که همواره در جلسات پارلمان از بیان حقیقت نمی‌هراسید. در این روزهای سردرگمی و حیرت مردمان افغانستان، درحالی که ترس بر کابل و افغانستان سایه انداخته «هفته» موفق شد یک گفت‌وگوی تلفنی با خانم بلقیس روشن ترتیب دهد.

محترمه خانم بلقیس روشن نقش دولت‌های بیگانه، در ایجاد وضعیت فعلی افغانستان چیست؟ چگونه حمایت‌های آمریکا و دیگر دولت‌ها موجب سلطه امروز طالبان بر افغانستان شد؟

پس از آنکه شاه امان‌الله در سال ۱۹۱۹ استقلال افغانستان را از انگلیس گرفت، آن کشور در صدد گرفتن انتقام و سرنگونی حکومت مترقی شاه امان‌الله شد. انگلیس ملای لنگ و حبیب‌الله کلکانی مشهور به بچه سقو را حمایه کرد تا در گوشه و کنار افغانستان اغتشاش به راه اندازد. این اغتشاش‌ها سبب سقوط حکومت ملی و مترقی امانی شد و فصل سیاه و تاریک کشور ما آغاز شد. پس از آن انگلیس از نادر غدار حمایت خود را اعلام کرد و دوره استبداد او آغاز شد که تعدادی زیادی مبارزین و روشنفکران مانند غلام نبی خان چرخ، عبدالرحمن لودین، سید کمال خان، عبدالخالق... شکنجه و اعدام شدند. در زمان حاکمیت ظاهر شاه نیز که کاکاهایش قدرت به دست داشتند قتل و کشتار و تبعید و زندانی کردن مبارزان واقعی و شخصیت‌های ملی ادامه داشت.

مداخلات کشورهای بیگانه در زمان صدارت داوود خان اوج گرفت و با حاکمیت حزب خلق و حزب پرچم، شوروی بر افغانستان تجاوز مستقیم کرد و کشور ما را اشغال نمود. آمریکا بخاطر انتقام شکست ویتنام از شوروی، تعدادی از بنیادگرایانی مثل گلبدین، ربانی، سیاف، مسعود... که در زمان حکومت داوودخان به پاکستان فرار کرده بودند، به کمک پاکستان آموزش داد و آنان را بخاطر «جهاد» به افغانستان ارسال کرد. این بنیادگرایان که در وحشت و جنایت بدتر از طالب و داعش امروز بودند و هستند در مناطق تحت حاکمیت شان بیشمار جنایت از قبیل تجاوز بر دختران، به زور بردن دختران به سنگرها، معاینه بکارت دختران... را انجام دادن که گفتن همه از

چهل سال کشور ما را ویران، مردم ما را قتل عام و آواره کردند. من از آنان هیچ خواست و یا هیچ پیام با آنان ندارم چون آنان بار دیگر با کسانیکه بیست سال قبل آنان را جنایتکار و وحشی خطاب می کردند دور یک میز جمع شده اند تا برای ده یا بیست سال آینده برای افغانستان نقشه و طرح بسازند. من از مردم خود می خواهم تا فریب این بازی های کثیف آمریکا و انگلیس و خلیف زاد و ملا برادر و عباس ستانکزی و کرزی و عبدالله و... را نخورند و متحدانه و یک صدا علیه این جانیان به پا خیزند.

اینکه دولت کانادا اعلان کرده که ۲۰ هزار مهاجر افغان را می پذیرد آیا شما فکر می کنید که به مردم کمک خواهد کرد؟ در زمینه چی نظر دارید.

دولت کانادا خود در بیست سال گذشته در چوکات ناتو جنایات ضد بشری علیه مردم افغانستان انجام داده. اگر واقعا دولت کانادا با مردم افغانستان همدردی می داشت به رسم اعتراض سازمان ناتو را ترک می کرد. حالا هم می خواهد ۲۰ هزار بهترین و با تجربه ترین کادر افغانستان را به کشور خود ببرد تا در آنجا از نیروی کار ارزان آنان استفاده کند. این بردن به خارج هیچ درد مردم رنج دیده ما را دوا نمی کند بلکه با این کار می خواهند مردم را بار دیگر بکه و تنها به وحوش طالبی و جهادی بسپارند تا آنان را بکشد.

آیا طالبانی که قبلا دیده بودید با طالبان امروز فرق کرده اند؟ و چه امیدواری های وجود دارد؟

بلی طالبان امروز با طالبان بیست سال گذشت فرق کرده و فرق شان اینست که امروز هارتر، وحشی تر و جانورتر شده اند. اینان در نخستین روز ورود شان به قندهار نظر محمد خاشه، کمیدین مشهور قندهار را به شکل فجیعانه تیرباران کردند. عبدالله عاطفی، شاعر و نویسنده ارزگان را از خانه بیرون کردند و تیرباران کردند. رخشانه را سنگسار کردند و هزاران جنایت دیگری را مرتکب شدند که مو بر بدن انسان راست می کند. ماهیت اینان با داعش و جهادی ها هیچ فرق ندارد چون پیرو همان ایدئولوژی هستند. خانم بلقیس روشن از شما سپاسگزاریم.

اساس همان ایدئولوژی مردم را می کشند، کشور را ویران می کنند، زنان را اسیر می کنند، داشته های ملی را غارت می کنند، سر می برند، تجاوز می کنند و همه ی این جنایات را بر اساس همین ایدئولوژی بیگانه توجیه می کنند. در سال های اخیر حکومت ظاهر شاه ایدئولوژی اخوان المسلمین وارد افغانستان شد که در بین مردم به نام «خوان الشیاطین» شهرت دارد. بر اساس همین فکر اخوانی بود که احزاب بنیادگرایی مثل حزب اسلامی، جمعیت اسلامی، اتحاد اسلامی، محاذ اسلامی، وحدت اسلامی... بوجود آمدند و ویرانی کشور ما از همان روز آغاز شد. حال هم آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیست با استفاده از همین ایدئولوژی بنیادگرایی تعدادی از جوانان را مغزشویی می کنند و به مثابه نیروی ارزان بخاطر رسیدن به اهداف شان از آنان استفاده می کنند.

نقش مردم در شرایط فعلی چیست؟ و چطور می توانند کشور را از شرایط فعلی خارج کنند؟ آیا افزایش آگاهی و بیداری می تواند سرنوشت افغانستان را تغییر دهد؟ تغییر که پایدار و باثبات باشد.

در شرایط فعلی یگانه راه نجات اتحاد، آگاهی و مبارزه مردم ما است که با بازوان پرتوان خود می توانند این گروه چهل و جنایت را شکست عبرتناک دهد طوریکه زنان کوبانی توانستند با اتکا به نیرو خود گروه جانی و درنده داعش را شکست داد. مردم ما هم باید دور یک تشکل پیشرو و انقلابی جمع شوند اول مغزهای خود را مسلح کنند بعد دستان خود را؛ تا پیروز شوند و پیروزی شان دومدار و پایدار باشد. اگر با مغز خالی دست مسلح شود جنایت می آفریند مثل داعش و طالب و جهادی و اخوانی. به این لحاظ دادن آگاهی انقلابی و پیشرو به مردم امر حتمی و ضروری است که این وظیفه هم به دوش افراد و سازمان ها و تشکل های انقلابی است که در این شرایط دشورا باید دست به دست هم دهند تا یکجا با مردم، افغانستان را از این بدبختی و مصیبت نجات دهند.

در حال حاضر دولت های بیگانه با طالبان بر سر میز مذاکره نشسته اند. پیام شما برای آن دولت ها چیست؟

دولت های که با طالبان دور میز مذاکره نشسته اند همان های هستند که طی

ثریا سالاری

روایت کاربران دنیای مجازی از

قدرت گیری دوباره طالبان؛

شبکه های اجتماعی

«محو» سرعت تحولات افغانستان



به آخر رویایی رسید که ۲۰ سال پیش و با سرنگونی همین طالبان، به کتاب، برنامه و سیاست انتخاباتی تبدیل شده بود.

سال ۱۹۹۶ که طالبان روی کار آمد؛ نه توییتری بود و نه اینستاگرامی؛ ماهیت طالبان، برای بسیاری از مردم دنیا آنچنان که امروز روشن است، شناخته نشده بود. اما این بار و بعد از این پیشینه طولانی نزاع طالبان با دنیا، نگرانی و اضطراب، گسترده ترین واکنش مردم، فعالان سیاسی، روزنامه نگاران و هنرمندان در شبکه های اجتماعی بوده است.

تنهادر عرض یک هفته، ۱۵ ولایت افغانستان سقوط کرد؛ سرعت این دگرگونی، بسیار فراتر از تصور کاربران شبکه های اجتماعی بود؛ هنوز جوهر پست های کاربران درباره سقوط قندهار، مزار شریف و هرات خشک نشده بود که آن ها، طالبان را پشت دروازه های کابل دیدند؛ هنوز سقوط پایتخت افغانستان را باور نداشتند که خبر فرار اشرف غنی را شنیدند؛ هنوز گوش شان با این خبر پر نشده بود که محو شدن عکس های زنان را از در و دیوار پایتخت افغانستان دیدند و هنوز محو آن بودند و برایش هشتک می زدند که ویدیوی فرار مردم بر چرخ های هواپیمای آمریکایی را دریافت کردند و... افغانستان خیلی سریع،



زنان افغان در سیطره طالبان

دغدغه زنان و تکرار سرنوشت مادران شان، برجسته‌ترین واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی است. «ملاله یوسف‌زی»، برنده نوبل صلح که ۹ سال پیش هدف گروه طالبان قرار گرفت در تویییتی تاکید می‌کند: «ما در شوک کامل، شاهد قدرت گرفتن طالبان در افغانستان هستیم. من عمیقاً نگران زنان، اقلیت‌ها و مدافعان حقوق بشر هستم. قدرت‌های جهانی، منطقه‌ای و محلی باید خواستار آتش‌بس فوری شوند و کمک‌های فوری بشردوستانه و محافظت از پناهندگان و غیرنظامیان ارائه شود.»

هدیه کیمیایی، روزنامه‌نگار، با انتشار تصویری از برخورد خشونت‌بار گشت ارشاد با زنان ایران می‌نویسد: «سخنگوی طالبان: ما به حقوق زنان احترام می‌گذاریم.»

کاربری افغان نیز از هدف قرارگرفته شدن دختران جوان توسط طالبان خبر می‌دهد و می‌نویسد: «طالبان در برخی مناطق از مردم خواسته‌اند به نشانه اینکه دختر جوانی در خانه دارند، روی در خانه خود علامت گذارند.» این کاربر به نام ژینو، با ترسناک خواندن این شرایط نوشته‌است: «باید زن باشی تا حتی فرسنگ‌ها دور از این خاک، از تصور این وحشت، لرزه را بر انگشتانت، خفگی را در گلویت و مرگ را در قلبت احساس کنی.»

مقایسه دو حکومت همسایه

بسیاری از کاربران ایرانی در توییتر، با مقایسه طالبان و جمهوری اسلامی نسبت به تحولات در حال وقوع در کشور همسایه، واکنش نشان دادند. تصویر دیدار ظریف، وزیر امور خارجه دولت روحانی با نماینده طالبان در تهران، یکی از تصاویری است که بارها در شبکه‌های اجتماعی به‌اشتراک گذاشته شده‌است. این عکس در بهمن ۱۳۹۹ و در جریان سفر ملاعبدالغنی برادر، یکی از بنیانگذاران طالبان، از دوحه به تهران و ملاقات او با سران حکومتی جمهوری اسلامی ثبت شده‌است.

سیامک رحمانی، روزنامه‌نگار هم از «توصیه» وزارت ارشاد به مدیران رسانه‌ها پرده‌برداری کرده‌است. در این توصیه به روزنامه‌نگاران دستور داده شده از «به کار بردن عباراتی چون وحشی‌گری، جنایت و کلمات مشابه در مورد طالبان» بپرهیزند.

در این میان، برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی از هر دوجهه اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، موضعی حتی طرفدارانه نسبت به طالبان گرفته‌اند و آن را خواست مردم این کشور توصیف کرده‌اند. علی سیستانی، با موضعی متمایل به اصولگرایان می‌نویسد: «اگر موقع سقوط موصل و شهرهای عراق و سوریه، ما ترمز داعش را نمی‌کشیدیم، احتمالاً خبرهای بعدی سقوط شهرهای خودمان بود. حالا همان‌هایی که معترض این حرکت بودند، می‌گویند چرا نمی‌رویم به

افغانستان کمک کنیم.

سید عطاءالله مهاجرانی نیز در تویییتی «شکست امریکا در افغانستان» را به «شکست امریکا در ویتنام» تشبیه کرده و با لحنی حماسی «بیش از ۵۰ هزار شهید» طالبان را در راه شکست دادن «قوی‌ترین ارتش دنیا» ستوده‌است. مصطفی نجفی، دانش‌آموخته روابط بین‌الملل، با طرح این سوال کنایه‌آمیز که «چه انتظاری از جمهوری اسلامی دارید؟»، می‌نویسد: «آمریکا و غرب بعد از ۲۰ سال تهاجم بی‌نتیجه، افغانستان را رها کردند و به دامان طالبان هل دادند. روسیه و چین نیز طالبان را پذیرفته‌اند. عربستان و کشورهای عربی نیز سکوت محض از سر رضایت.»

فرار به قیمت سقوط و مرگ

مهاجرت و گریز افغان‌ها از ترس طالبان و پناه بردن‌شان به کشورهای همسایه، از دیگر نگرانی‌های این روزهای ایرانی‌ها، افغان‌ها و حتی اروپایی‌ها است. مارگاریتیس شیناس، کمیسر امور مهاجرت اتحادیه اروپا در تویییتی با استناد به گفت‌وگوی خود با یک رسانه ایتالیایی می‌نویسد: «زمان، در حال سپری شدن است و ما چقدر می‌توانیم منتظر بمانیم تا بازنگری کاملی درباره قوانین مهاجرت و پناهندگی اروپا که مورد نیاز است، داشته باشیم.»

انتشار تصاویر تکان‌دهنده هجوم شهروندان افغانستان به فرودگاه کابل برای فرار از افغانستان و سقوط دلخراش چند تن از آنان از هواپیمای در حال پرواز، موجب واکنش‌های گسترده کاربران شده‌است.

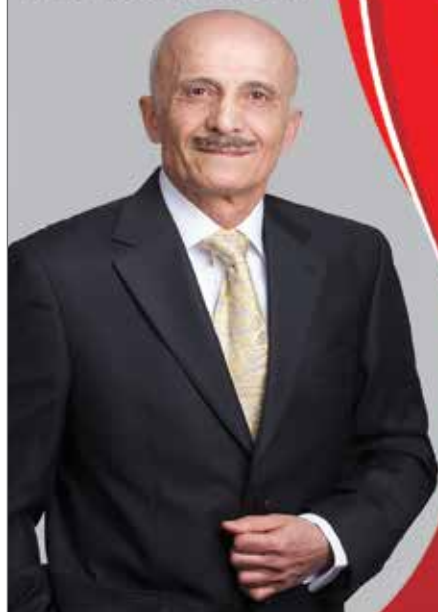
جمشید محمودی، کارگردان ایرانی-افغان، در حساب توییتر خود در همین رابطه تاکید می‌کند: «یقین دارم این آدم‌ها می‌دانسته‌اند که به مقصد نخواهند رسید اما تصور کنید چه ترسی باید در وجود یک آدم باشد که حاضر باشد برای رودرو نشدن با آن، به چرخ‌های یک هواپیما چنگ بزند و بی‌دفاع و بدون پشتوانه بزند به دل آسمان.»

بسیاری از کاربران ایرانی، با ابراز همدردی با شهروندان افغان، از مقامات جمهوری اسلامی خواسته‌اند به خیل عظیم مردم گریزان و ترسیده افغانستان، پناه داده‌شود. آزاده مختاری، در این‌باره می‌نویسد: «مردم خاورمیانه جدا از سیاستمداران‌شان، تنها همدیگر را دارند و دیگر هیچ.»

با خالی‌ماندن صحنه حمایت از شهروندان افغان از سوی اکثر دولت‌های جهان و همچنین استقبال برخی از دولت‌ها از حاکمیت طالبان در افغانستان، تا این لحظه، آفتاب آزادی مردم افغانستان و به‌ویژه زنان این کشور، در پشت سایه‌ای تاریک در حال جان دادن است؛ سایه‌ای که به‌سرعت بر تمام کشور افغانستان گسترده‌شد و با همان سرعت در سکوت اکثر دولت‌های جهان، پذیرفته‌شد.

Sutton

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker



کاظم تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

هزینه محضر، ۱۵۰۰ دلار هدیه ما، برای خریدار ملک

■ پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

■ مشاوره برای املاک در آمدزا

■ ارزیابی رایگان منزل شما

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

به همراه یک تیم حرفه ای

514 - 971-7407

اهل کتاب هستید؟

این دو اثر مهم تاریخ و ادبیات معاصر را از دست ندهید



محل سفارش کتاب:

www.MilaniBooks.com

در تورنتو از بنیاد پریا ۰۲۰۲-۷۶۴-۹۰۵

در مونترال از دفتر هفته: ۷۲۷۵-۸۳۴-۵۱۴

مهاجرت مقاله مصاحبه



معصومه علیمحمدی - مشاور رسمی مهاجرت

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق: سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کارآفرینی، خویشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.



WWW.ICPIMMIGRATION.COM

icpimmigrationtocanada
@ICPimmigrationTOCANADA



Montreal:

Office:

514-289-9011/514-289-9044

WhatsApp: 514-778-9011

Direct from Iran:

021-2878-8531

Email: info@icpimmigration.com

Address: 1117 Ste. Catherine West,

#511, Montreal, Qc. H3B 1H9

Tehran:

Office: 021-2288-1684

Mobile: 0937-489-6676

وزیر مهاجرت: ورود ۴۰ هزار مهاجر به کانادا در ماه جولای



حدود ۹۰ درصدشان در کانادا زندگی می کنند، در اولویت قرار گرفته اند. اداره مهاجرت باید لندینگ تعداد قابل توجهی از این متقاضیان را نیز تا پایان سال ۲۰۲۱ به پایان برسد. اما این احتمال وجود دارد که با تمام برنامه هایی که اداره مهاجرت برای سرعت بخشیدن و تسهیل ورود مهاجران انجام داده، ماهیت بیماری همه گیر کرونا، ممکن است طرح های اداره مهاجرت را تحت تاثیر قرار دهد. این احتمال وجود دارد که دولت، نتواند سهمیه تعیین شده را تا پایان سال تامین کند؛ ولی قطعاً افزایش شتاب، در پردازش درخواست های اقامت دائم، می تواند تامین سهمیه گزینش را تا میزان قابل توجهی پشتیبانی کرده و دولت را به هدف ۴۰۱ هزار گزینش نزدیک کند. حتی اگر IRCC حدود ۴۰ هزار لندینگ ماهیانه را تا پایان سال ۲۰۲۱ بتواند مدیریت کند، با استقبال از مجموع ۳۸۵ هزار مهاجر روبرو خواهد بود. گرچه شاید به هدف خود نرسد؛ ولی پس از رکود گزینش سال ۱۹۱۳ به تعداد ۴۰۱ هزار مهاجر، امسال رتبه دوم را در آمار پذیرش مهاجرین کانادا به خود اختصاص خواهد داد.

تماس با نویسنده: معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت، با او می توانید از طریق ایمیل - info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com و gration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.

تعیین کرده، می بایست به طور میانگین ماهانه تعداد ۴۳ هزار و ۴۰۰ مهاجر جدید را در پنج ماه باقیمانده سال ۲۰۲۱ به کشور راه دهد. هرچند پذیرش این تعداد مهاجر به صورت ماهانه تا پایان سال ۲۰۲۱، کاری بسیار دشوار به نظر می رسد، اما با سرعت گرفتن تعداد مهاجران پذیرش شده در ماه جولای، به نظر می رسد شانس تحقق این هدف وجود دارد. پیش از شیوع کووید، کانادا همراه از میانگین ۲۵ هزار تا ۳۵ هزار نفر مهاجر جدید استقبال می کرد. تحلیل وضعیت موجود نشان می دهد، اداره مهاجرت می تواند تا پایان سال به هدف خود برسد و یا حداقل به آن نزدیک شود. چراکه ۲۳ هزار نفر از دارندگان تاییدیه اقامت دائم (COPR)، به دنبال تسهیل محدودیت های سفر، اکنون می توانند به کانادا نقل مکان کنند. علاوه بر این، هر مهاجر دیگری که به تازگی تاییدیه اقامت دائم خود را گرفته باشد، اکنون بدون محدودیت می تواند به کانادا وارد شود. از سوی دیگر، شش برنامه اقامت دائم جدید در ماه می، برای حدود ۹۰ هزار نفر شامل فارغ التحصیلان بین المللی و کارگران ضروری که در کانادا زندگی می کنند، راه اندازی شده است. اداره مهاجرت، امیدوار است تا پایان سال جاری، ۴۰ هزار مورد از این پرونده ها را پردازش کند. این درحالی است که اداره مهاجرت، اقدام دیگری را نیز برای سرعت گرفتن ورود مهاجران انجام داده و ورودی اصلی اکسپرس را در کل سال ۲۰۲۰ و در سال جاری، به طور موقت متوقف کرده است. بنابراین متقاضیان کلاس تجربه کانادایی، که

براساس اظهارات وزیر مهاجرت، کانادا در ادامه سال ۲۰۲۱ همچنان به دنبال هدف تعیین شده خود، مبنی بر استقبال از ۴۰۱ هزار مهاجر جدید است و در این راستا، در ماه جولای حدود ۴۰ هزار مهاجر را پذیرش کرده است. دولت فدرال در یک مصاحبه جدید با رویترز، اعلام کرد کانادا، از حدود ۳۹ هزار و ۵۰۰ مهاجر جدید در ماه جولای استقبال کرده است. مقایسه تعداد مهاجران پذیرفته شده در کانادا در ماه جون و جولای، نشان دهنده سرعت گرفتن روند پذیرش مهاجران در این کشور است. در ماه جون، ۳۵ هزار و ۷۰۰ مهاجر زندگی جدید خود را در کانادا آغاز کردند. مطابق با برنامه اعلام شده، دولت کانادا برای سال های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ سالانه نسبت به گزینش ۴۰۱ هزار مهاجر اقدام خواهد کرد. البته پیش از شیوع کووید، این هدف سالانه ۳۴۱ هزار نفر تعیین شده بود. اداره مهاجرت کانادا، بزرگ ترین طرح مهاجرتی در تاریخ کانادا را مدیریت می کند؛ چراکه برای تحقق هدف بازبایی اقتصادی خود پس از شیوع بیماری همه گیر کووید در جهان، به ورود تازه واردین بیش از گذشته وابسته است. آنطور که آمارها نشان می دهد، از آغاز سال جاری تاکنون، ۱۸۴ هزار مهاجر جدید به کانادا وارد شده اند. تعداد مهاجرین تازه وارد به کانادا، در ماه های جون و جولای بیشتر از همیشه در تاریخ کانادا بوده است. به منظور تکمیل سهمیه، این روند می بایست تا پایان سال همچنان ادامه یابد. آنطور که آمارها نشان می دهد، کانادا برای تحقق هدف

آذر فرامرزی، سینماگر مقیم تورنتو در گفت‌وگو با هفته: «آغاز دوباره» راز رستگاری هنرمند مهاجر است

هفته

در سالیان گذشته تعداد زیادی از فعالان سینمای ایران به کانادا مهاجرت کرده‌اند و آینده کاری و شخصی خود را در این کشور جستجو می‌کنند. البته مسیر هم، چندان برای آن‌ها هموار نیست و شاید برای بسیاری، به معنای آغاز کار از نقطه صفر باشد. آذر فرامرزی، بازیگر و فیلمساز جوان ایرانی و داور جشنواره‌های بین‌المللی نیز حدود دوسالی است که مقیم کانادا شده و تلاش می‌کند در این کشور آرزوهای خود را دنبال کند. در این شماره مجله هفته، درباره نگاه این هنرمند به حوزه سینما و هنر و سختی‌های ماندن در این مسیر در کانادا گفت‌وگو کرده‌ایم. فرامرزی در این گفت‌وگو تاکید می‌کند که سینما، به او مقاومت در برابر سختی را آموخته اما به‌صراحت می‌گوید که هنرمند مهاجر، باید در سختی غربت پوست‌اندازی کند تا در سرزمین جدیدی که به آن پا گذاشته، رستگار شود.

خانم آذر فرامرزی چطورری وارد دنیای سینما شدید و چه دورنمایی در این کار برای خودتان در نظر گرفته بودید؟

من به عنوان یک بازیگر وارد عرصه سینما و فیلم شدم و دورنمای من از ورود به سینما، پیشرفت به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای و در نهایت کارگردانی و فیلمسازی در عرصه جهانی بود. اینکه من چطور به بازیگری علاقمند شدم قصه طولانی و خنده‌داری دارد. من از دوران دبیرستان، علاقمند به شرکت و اجرای تئاترهای مدرسه‌ای بودم و زیاد فیلم می‌دیدم. پس از پایان دبیرستان، یک دوره بازیگری را در یکی از موسسات بازیگری در تهران گذراندم و در همان دوران، خواهر بزرگترم هم تأثیر زیادی روی من گذاشت. او معلم دبیرستان و در عین حال یک فیلم‌باز افراطی بود و عاشق بالیوود و هالیوود. البته آن زمان به‌راحتی نمی‌شد فیلم خوب پیدا کرد و دید؛ اما خواهرم مدام جدیدترین فیلم‌ها را پیدا می‌کرد و باهم به تماشای این فیلم‌ها می‌نشستیم؛ تازه بعد از

دیدن آن‌ها، به نقد و بررسی فیلم‌ها و هنرپیشه‌ها می‌پرداختیم. خلاصه این کار همیشگی ما بود که از شب تا صبح خروس‌خوان طول می‌کشید و پس از گذشت چند روز، خواهرم دوباره فیلم جدید پیدا می‌کرد و این قصه‌ی شب بیداری ما ادامه داشت. خلاصه همین مقدمات باعث شد که من برای دوره بازیگری به هند سفر کنم. یک دوره کوتاه‌مدت بازیگری را گذراندم و اتفاقاً در هند پیشنهاد بازی زیاد گرفتم اما به‌خاطر خانواده‌ام که ایران بودند و از ترس ممنوع‌الخروج شدن، آنجا نماندم و به تهران برگشتم. همان زمان برای نقش اصلی یک سریال ۳۰ قسمتی تست بازیگری دادم که از قضا انتخاب شدم و اولین کار تصویر من، با سریالی به نام «با اجازه بزرگترها» برای شبکه سوم شروع شد که سریالی کاملاً آموزنده بود و هر لحظه آن پروژه، برای من خاطره‌انگیز و دوست داشتنی است. در نهایت، پس از این سریال نقش‌های متفاوت دیگری به من پیشنهاد شد و مسیرم برای ورود به دنیای بازیگری و سینما هموار شد.

از نظر شما سینما بیشتر صنعت است یا هنر و شما را باید بیشتر صنعتی شناخت یا هنری؟

خب به نظر من، سینما تلفیقی از هنر و صنعت است که در ابتدای ورود، به جنبه‌های هنری آن بیشتر توجه می‌شود؛ ولی به تدریج، جنبه صنعتی و در واقع موضوع بازار نیز اهمیت پیدا می‌کند؛ و این جنبه بازار است که موجب بقای جنبه‌های هنری سینما می‌شود. با توجه به اینکه من سال‌های متمادی در این عرصه فعالیت دارم، به هر دو جنبه آن توجه می‌کنم. زمانی که تازه وارد عرصه سینما شدم، اصلاً به بخش صنعتی سینما اعتقادی نداشتم؛ ولی رفته‌رفته متوجه اهمیت بخش صنعتی آن نیز شدم. به قول معروف، که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها.

سخت‌ترین تجربه‌های شما در کار سینما چه بود؟

تمام فعالیت‌های فرهنگی و هنری که در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف انجام داده‌ام، برایم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند؛ فیلم‌هایی که در آن‌ها با گروه‌های مختلف، در نقش‌های متفاوت و لوکیشن‌های متفاوت بازی کرده‌ام. دلایل هم این است که برای هر کدام‌شان از جان مایه گذاشتم. برای مثال در آخرین دوری‌ام در جشنواره سولاپور هند، پس از اینکه به بمبی هند رسیدم، تازه باید چهار ساعت هم با ماشین تا محل جشنواره می‌رفتم اما متأسفانه راننده مسیر را اشتباه رفت و به جاده‌ای فرعی و عجیب و غریب هدایت شدیم؛ جاده، کاملاً تاریک و وحشتناک بود؛ اوضاع آن‌قدر خراب بود که حتی خود راننده و بچه‌های جشنواره که ساکن بمبی بودند؛ وحشت‌زده شده بودند. خلاصه با مکافات و نزدیکی‌های صبح به محل جشنواره رسیدیم و جان سالم به‌در بردیم. هر کسی در حرفه خودش سختی‌هایی دارد؛ اما می‌خواهم بگویم سینما آن‌طور که برخی تصور می‌کنند هنر و صنعت بچه‌های نازک‌نارنجی نیست.

به نظر خودتان کدام کارتان به‌طور ویژه، شما را از بقیه یا دیگر سینماگران متمایز می‌کند؟

نقش‌ها و رول‌هایی که در پروژه‌های مختلف بازی کرده‌ام، کاملاً متفاوت بوده و می‌توانم بگویم حرفی برای گفتن داشته‌است. فیلم‌هایی که به‌عنوان نویسنده و کارگردان ساخته‌ام، از سوژه‌ها و داستان‌های یونیک و بکری برخوردار بوده که تقلیدی نبوده‌است و توانسته جوایز و تقدیرهای متعددی از جشنواره‌های مختلف فیلم کسب کند. همچنین دوری‌هایی که بطور کاملاً حرفه‌ای و به حق انجام داده‌ام را نقطه روشنی در کانامه خودم می‌دانم.

چطور به کانادا آمدید و این روزها مشغول چه کاری هستید؟

من اواخر سال ۲۰۱۸ و اوایل ۲۰۱۹ برای ادامه فعالیت‌های هنری به کانادا مهاجرت کردم و با توجه به وضعیت بازار و شرایط جامعه ایرانیان کانادا و البته خود جامعه کانادا که یک اقتصاد رو

درباره آذر فرامرزی



آذر فرامرزی، نویسنده، کارگردان، بازیگر و عضو هیئت داوران چند جشنواره فیلم است. او همچنین در برگزاری جشنواره‌های فیلم نیز فعال بوده است. او فارغ‌التحصیل دانشگاه هنر، انجمن سینمای جوان تهران و همچنین دانشگاه سیمبایوسیز هند در رشته فیلم‌سازی و بازیگری است.

این هنرمند، ساخت چندین فیلم کوتاه و مستند به نام‌های تنهایی، هدیه، لباس نارنجی، تقدیر، ناشناس، یادگاری، راه برفی، مقدس و برلین غربی را در کارنامه هنری خود دارد. این آثار توانسته‌اند جوایزی را از جشنواره‌های ملی و بین‌المللی فیلم کسب کنند.

فرامرزی در کارنامه هنری خود، داوری جشنواره‌های مختلف فیلم را برعهده داشته‌است. جشنواره فیلم‌های آسیایی «چشم سوم» در بمبئی هند، جشنواره بین‌المللی فیلم

«تیلوفر آبی» در بمبئی هند، جشنواره بین‌المللی فیلم «پی‌ام پی‌سف» در سولاپور هند، جشنواره فیلم کوتاه و مستقل داکا و جشنواره فیلم «دبلیو اف‌اف» سانفرانسیسکو از جشنواره‌هایی است که فرامرزی در هیئت داوران آن حضور داشته‌است.

این هنرمند، همچنین سفیری فیلم‌های ایرانی در جشنواره بین‌المللی فیلم «بالا» در نپال را در کارنامه خود دارد. فیلم‌های او در بسیاری از جشنواره‌های بین‌المللی از جمله در آلمان، آمریکا، ایتالیا، فرانسه، ویتنام، برزیل، هند و... انتخاب و نمایش داده شده‌است.

آذر فرامرزی، به‌عنوان بازیگر هم در چندین پروژه فیلم‌های سینمایی، سریال و فیلم کوتاه ایفای نقش کرده‌است. او بازیگر فیلم‌های «راسگولا» و «ریل آن ریل Real Un Real» در کشور هند بوده و در ایران نیز در فیلم‌های «خواب‌های دنباله دار، بعدازظهر سگی، برخورد بسیار نزدیک، در امتداد شهر، سیزده ۵۹، شیر تو شیر، اسرار پدری، سال تحویل، آتش زیر خاکستر و زخم ایفای نقش کرده‌است. مخاطبان ایرانی سریال‌های تلویزیونی نیز بازی او را در سریال‌های «با اجازه بزرگترها» و «قشنگتر از ستاره» به‌خاطر می‌آورند.

فرامرزی همچنین در حوزه تئاتر نیز فعالیت کرده و به عنوان کارگردان، نویسنده و بازیگر در تئاترهایی به نام «آدم برفی» و «جنگل سبز» حضور داشته‌است. فعالیت هنری فرامرزی، بعد از مهاجرت او به کشور کانادا، با بازی در یک پروژه فیلم ایرانی-کانادایی ادامه پیدا کرده‌است.

فرامرزی بنیانگذار شرکت فیلم‌سازی و تبلیغاتی AWWBFILM در تورنتو است که خدماتی چون تهیه و تولید انواع فیلم‌های سینمایی، مستند، کوتاه و تیزرهای تبلیغاتی داستانی، مستند، پادکست، موشن گرافیک، طرح‌های گرافیکی، عکاسی و فیلم‌برداری خانوادگی، صنعتی و مارکتینگ را در این شرکت ارائه می‌کند.

فعالیت هنری‌شان دور کند.
آیا امکان دارد با توجه به همین فشارها کار هنری را کنار بگذارید؟
من می‌دانم که برای یک هنرمند ایرانی در کانادا، هیچ لقمه حاضر و آماده‌ای وجود ندارد. دوست دارم تمام تلاشم را بکنم که از مسیر هنر و سینما خارج نشوم و در برابر سختی‌ها مقاومت کنم. در واقع هنر سینما، به من این را آموخته‌است. واقعا نمی‌دانم که در آینده چه می‌شود. شما به عنوان یک هنرمند مهاجر، آن‌هم در حوزه سینما، راهی به مراتب سخت‌تر پیش‌رو دارید تا با شرایط جدید پس از مهاجرت تطبیق پیدا کنید؛ از نظر من، چیزی شبیه ساختن دوباره و از نو آغاز کردن برای رستگاری است؛ آن‌هم در غربت و البته چاره‌ای هم نیست. در واقع، راز موفقیت هنرمند مهاجر هم، این پوست‌اندازی است. به هر حال سعی می‌کنم مسیر هنر و سینما را ادامه دهم؛ چراکه تحصیلات، تجربیات و قسمت اعظم عمرم را در این راه صرف کرده‌ام و هنر، جزئی از وجود من شده‌است. پس به راحتی نمی‌توانم آن را نادیده بگیرم و امیدوارم خداوند مرا در این راه یاری کند. خانم آذر فرامرزی گرامی از شما سپاسگزاریم.

گرافیکی، عکاسی و فیلم‌برداری خانوادگی، صنعتی و مارکتینگ را با بهترین کیفیت و با اتکا به همین شیوه تبلیغات داستانی ارائه می‌کنیم.

شما به‌عنوان یک هنرمند ایرانی در کانادا، چالش‌های مهاجرت برای یک هنرمند را چطور می‌بینید؟

برای من هم مثل اغلب هنرمندان ایرانی در کانادا، چالش‌های زیادی وجود داشته‌است. در وهله اول، با توجه به اینکه زبان انگلیسی، زبان مادری ما نیست؛ تسلط به زبان انگلیسی، برای برقراری ارتباط با افراد مختلف در عرصه هنر و در حوزه کاری‌مان ضروری و زمان‌بر است.

دوم، عدم آشنایی و شناخت فرهنگ ارتباطی، کاری و هنری در اینجا است. به‌طوری‌که حتی نوع ارتباط برقرارکردن با افراد در اینجا کاملا متفاوت از کشور ایران است. متأسفانه مهاجران قدیمی کانادا، با تازه‌واردان به کانادا همکاری و مساعدت نمی‌کنند. همچنین هزینه‌های زندگی و انجام کارهای هنری در کانادا بسیار بالا است و هنرمندان مجبور می‌شوند، برای گذران زندگی خود، به کارهای دیگری غیر از کارهای هنری روی بیاورند. این مسئله می‌تواند آن‌ها را از انجام

به رشد دارد؛ یک شرکت تبلیغاتی و تولید فیلم به نام AWWBFILM که مخفف Art without border است را راه اندازی کرده‌ام. واقعیتش تصور می‌کنم جامعه ایرانیان کانادا برای رشد و دیده‌شدن در متن جامعه اصلی، نیاز به ارتقاء خودش در تبلیغات در تمام بخش‌ها دارد و من سعی دارم در این بخش، با اتکا به تجربه فیلم‌سازی خودم و استفاده از سبکی به نام داستان‌گویی در تبلیغات، در این بخش موثر واقع شوم. اساسا اگر ما در معرفی خودمان به هموطن‌هایمان -حالا چه اجتماعی و چه اقتصادی- موفق‌تر عمل کنیم، جامعه متحدتری را تشکیل خواهیم داد و همه از این جامعه متحد، منتفع خواهند شد. به جد معتقدم، جامعه ایرانیان در معرفی خودش به خودش و معرفی خودش به جامعه کانادایی، ضعف دارد و این یک مشکل ارتباطی و تبلیغاتی است. و من فکر می‌کنم که با شرکت خودم می‌توانم در حل این مشکل گام بردارم.

به هر حال بر همین اساس در شرکت خودم، تهیه و تولید انواع فیلم‌های سینمایی، مستند، کوتاه و تهیه و تولید انواع تیزرهای تبلیغاتی داستانی، مستند، پادکست، تولید موشن گرافیک، طرح‌های

اولین گروه از همکاران افغان ارتش کانادا به انتاریو رسیدند



مریم منصف، سیاستمدار کانادایی افغان تبار و وزیر مهاجرت، مارکو مندیچینو به اولین گروه از همکاران سابق ارتش کانادا در افغانستان، هنگام ورود به انتاریو خوش آمد می‌گویند.

نظامی دو دهه اخیر در افغانستان مشارکت داشته اند، از نظر اخلاقی وظیفه دارند مرزهای خود را به روی پناهجویان افغان باز کنند.

مگره نیز تاکید کرد: «آمریکا و کانادا بخش اصلی بار پناهجویان افغان را بر دوش نگرفته اند. درست نیست که کشورهای همجوار یا نزدیک افغانستان که در مناقشه و بی‌ثباتی این کشور به اصلا یا چندان دخالت نداشته اند، امروز مجبور شوند بار سنگین پناهجویان افغان را به دوش بکشند.»

از حدود ده سال پیش تا کنون دولت کانادا بیش از ۸۰۰ مترجم و نیروی تدارکاتی افغان را که با نظامیان کانادایی همکاری کرده اند، اسکان داده است. اتاوا هنوز شمار دقیق پناهجویان افغان را که طی دو سه روز اخیر به کانادا منتقل شده اند، اعلام نکرده است.

در پی دو روز هرج و مرج و آشفتگی مطلق و فاجعه بار در فرودگاه کابل، از روز دوشنبه با برقراری نسبی نظم و آرامش در این فرودگاه، پروازها از افغانستان به کانادا از سر گرفته شد. امنیت اکنون در فرودگاه کابل برقرار شده و پروازهای نظامی کانادا قرار است روز چهارشنبه نیز ادامه یابد.

با این حال اوضاع هنوز هم خالی از تنش نیست زیرا شمار بسیار زیادی از افغان‌ها تلاش می‌کنند هر جور که شده از کشورشان فرار کنند اما به گفته آقای مگره مهم این است که فعالیت فرودگاه کابل که تنها راه خروج افغان‌ها از کشورشان محسوب می‌شود، ادامه داشته باشد.

مگره افزود: «هنوز نمی‌توان پیش بینی کرد که رژیم طالبان در قبال موج مهاجرت و فرار افغان‌ها چه رویکردی اتخاذ خواهد کرد اما بهترین حالت ممکن این است که چشم خود را به روی موضوع ببندد.»

فرانسوا اوده می‌گوید ادامه عملیات تخلیه و انتقال پناهجویان افغان به کانادا پیچیده خواهد بود. چرا که ارتش کانادا به رغم داشتن هواپیماهای نظامی یا غیرنظامی اجاره ای، ظرفیت‌های هوایی لازم برای ایجاد یک پل هوایی امن را ندارد.

اندریو راسک Andrew Rusk موسس گروه Not Left Behind می‌گوید دست کم دو هزار پناهجوی دیگر افغان همچنان چشم امید به حمایت‌های کانادا دارند. بسیاری از مخالفان دولت لیبرال کانادا و گروه‌های حامی حقوق پناهجویان، اتاوا را به تعلل و تاخیر در حمایت از پناهجویان افغان متهم کرده‌اند اما جاستین ترودو ضمن دفاع از عملکرد اتاوا تاکید کرده که دولت از بهار گذشته برای اجرای عملیات تخلیه پناهجویان افغان تلاش می‌کند.

از زمان سقوط کابل توسط طالبان، اولین گروه از افغان‌هایی که طی سال‌های گذشته با سفارت یا ارتش کانادا در افغانستان همکاری کرده‌اند، به کانادا منتقل شدند. سه هواپیمای حامل دیپلمات‌ها، نظامیان و پناهجویان افغان از دوشنبه شب وارد انتاریو شده اند.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، دو هواپیما که یکی حامل دیپلمات‌ها و نظامیان کانادایی و دیگری پناهجویان افغان بود، دوشنبه شب در اتاوا و تورنتو فرود آمدند. یک هواپیمای نیز با ۹۲ سرنشین شامل اتباع کانادایی و پناهجویان افغان به ویژه مترجمان پیشین و خانواده‌های آن‌ها سه شنبه در فرودگاه پیرسون تورنتو به زمین نشست. این هواپیما که از کابل به پرواز درآمده بود از طریق یک کشور ثالث به کانادا پرواز کرد.

طبق اعلام مقامات کانادا، کلیه سرنشینان این هواپیماها ابتدا قرنطینه می‌شوند. از آخر ژوئیه که دولت فدرال کانادا اعلام کرد به غیرنظامیان افغان در معرض خطر طالبان پناه می‌دهد، شش هواپیمای حامل پناهجویان از افغانستان به پرواز درآمده است.

درست است که دولت فدرال کانادا متعهد به پذیرش ۲۰ هزار پناهجوی افغان شده اما برخی شخصیت‌ها و گروه‌ها معتقدند که وظیفه اخلاقی و سیاسی اتاوا حکم می‌کند که حمایت بیشتری از افغان‌ها به عمل آورد.

فرانسوا اوده François Audet مدیر «دیده بان کانادایی بحران و کمک بشردوستانه» می‌گوید: «بخش بزرگی از افغان‌هایی که اتاوا متعهد به انتقال آن‌ها به کانادا شده است، از چندی پیش در خارج افغانستان به سر می‌برند در حالی که کانادا فعلا تلاش‌های خود را به تخلیه آن‌هایی که در افغانستان حضور دارند، متمرکز کرده است.»

فردریک مگره Frédéric Mégret استاد دانشکده حقوق دانشگاه مک گیل نیز می‌گوید: «بسیاری از افغان‌هایی که طی دو دهه گذشته در تلاش‌های جامعه مدنی کشورشان مشارکت داشته اند، اعضای اقلیت‌های مذهبی و نژادی، اعضای جامعه دگرباشان و خیلی‌ها دیگر روی آرامش و امنیت را در رژیم طالبان نخواهند دید.»

این دو کارشناس امور بشردوستانه معتقدند که دولت کانادا باید بیشترین حمایت ممکن را از این گروه‌ها به عمل آورد صرفنظر از این که آن‌ها با مأموریت نظامی کانادا طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ همکاری کرده یا نکرده باشند.

فرانسوا اوده می‌گوید: «همه کشورهایی که به طور مستقیم در عملیات



مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743



ELHAM JAMI

Courtier Immobilier Résidentiel

514-966-9681

eniamami@sutton.com

خرید و فروش املاک مسکونی
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال
همکاری با تیم با تجربه در
تهیه وام مسکن و با کمترین نرخ سود بانکی

تسهیلات ویژه برای تازه واردین به کانادا



Agence immobilière
RE/MAX Haute Performance

شاهین سجادی

کارشناس و مشاور رسمی
املاک مسکونی



SHAHIN SAJADI

• Courtier immobilier
résidentiel

514-464-8220



f shahinsajadi

© shahin.sajadi@remax-quebec.com

@ shahinsajadi.realtor

- ارزیابی ملک و مشاوره رایگان
- خدمات رایگان برای خریداران و مستأجران
- مشاوره تخصصی به سرمایه گذاران در املاک در آمدزا
- همراهی در تهیه وام با بهترین شرایط
- هزینه محضر هدیه ما به خریداران گرامی

شهره شهریان

مشاور رسمی املاک مسکونی

طراح و ناظر پایه یک شهرداری در ایران
با بیش از ۱۵ سال سابقه



514 290 2210

Immobilier CasaBella
www.CasaBellaQuebec.com
4103, boul. Lévesque O.Laval,
J0C 1H7W 2P4



ShahrianRealtor@gmail.com

ادبیات ہند
فرہنگ

علاء الدین خاں



بزرگ‌ترین اثر تحقیقی زبان فارسی چگونه ماندگار شد؟

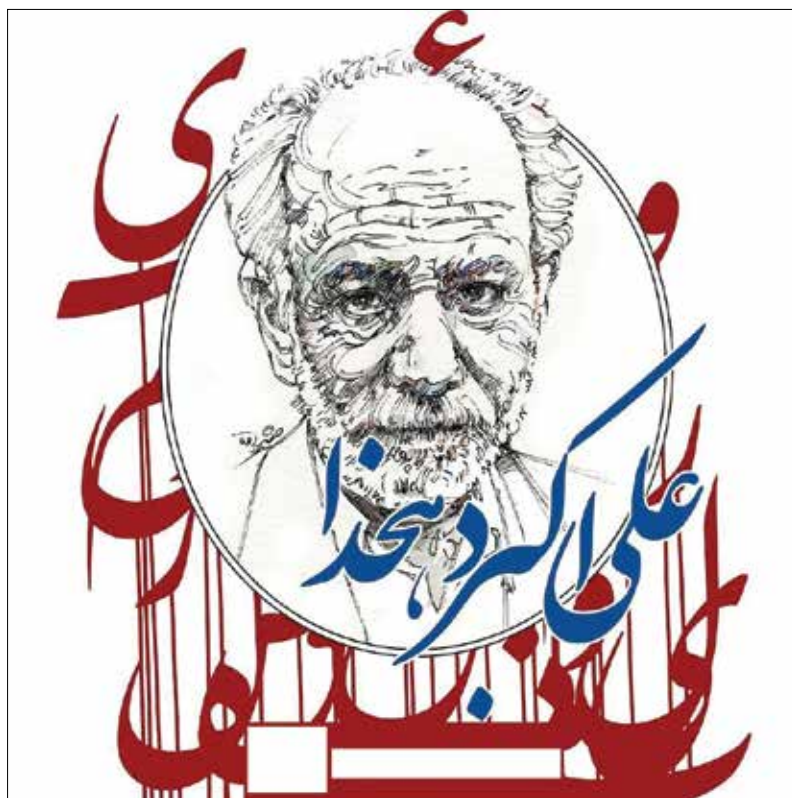
دهخدا: در بند نام نبودم

مروری بر لغت‌نامه‌نویسی در ایران؛ از آغاز تا دهخدا

دهخدا، بی‌هیچ خودبزرگ‌بینی، بزرگ‌ترین اثر تحقیقی زبان فارسی را خلق کرد. چنانچه خود می‌گوید او در بند نام نبود؛ بزرگ‌منشی دهخدا چنان بود که ماندگاری اثرش، بر ماندگاری نامش برای او ارجح بود. دهخدا، برای تألیف جامع‌ترین لغت‌نامه فارسی، از یاری اساتید برجسته‌ای بهره‌گرفت و پیش از مرگ نیز، در دو نامه‌ی جداگانه، جاودانگی‌اش اثرش را تضمین کرد. این دو نامه مهم دهخدا، شصت‌وشش سال پیش، یعنی در سال ۱۳۳۴ انتشار یافت. نخست، وصیت دهخدا به دکتر محمد معین برای ادامه انتشار لغت‌نامه پس از مرگ او بود و نامه‌ی دوم، خطاب به رئیس مجلس شورای ملی، در خصوص بخشش حق‌التألیف لغت‌نامه به «ملت ایران» بود. دهخدا، حق‌التألیف این اثر را پیش از تصویب قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ به ملت ایران بخشید. اگرچه قانون حق تکثیر، هیچگاه در ایران به‌درستی اجرا نشد؛ اما گویی دهخدا به‌عنوان کسی که به‌دنبال ماندگار کردن نام خود نبود، به پیشواز نقض قانونی رفت که سال‌ها بعد تصویب شد. در این مقاله، به «لغت‌نامه دهخدا» که بی‌شک در زمره‌ی مهم‌ترین آثاری است که تا به امروز در زبان فارسی تألیف شده، می‌پردازیم. اما برای سخن گفتن از ویژگی‌ها و اهمیت لغت‌نامه‌ی دهخدا، ضروری‌است بحثی مختصر و گذرا در باب تألیف لغت‌نامه‌های فارسی در ایران، داشته باشیم. چراکه تبیین صحیح ارزش و اهمیت کار عظیم دهخدا، جز در سایه‌ی تأمل در تاریخچه و ویژگی‌های فرهنگ‌های پیشین، میسر نتواند بود.

لغت‌نامه نویسی قبل و در دوران اسلام

محققین و پژوهشگران، دو فرهنگ «اویم» و «مناختای» «فرهنگ پهلویک» را قدیمی‌ترین فرهنگ‌های موجود در زبان‌های باستانی ایران دانسته‌اند که احتمالاً هردوی آن‌ها در دوره‌ی ساسانی یا عصری نزدیک به آن، تألیف شده‌اند. پیشینه‌ی فرهنگ‌نویسی در زبان پارسی دری، تقریباً معاصر با فرهنگ‌نویسی برای زبان تازی است. به اعتقاد مرحوم سعید نفیسی، گسترش و انتشار زبان فارسی دری، در قلمرو گویش‌وران زبان پهلوی، ایشان را محتاج کتاب‌هایی کرده که سخن‌گفتن دری را به آنان بیاموزد و این خود، مقدمه‌ی فرهنگ‌نویسی در زبان فارسی کنونی است. در باب نخستین فرهنگ فارسی دری، برخی به استناد گفته‌ی حاج خلیفه، مؤلف کتاب «کشف‌الظنون»، رودکی سمرقندی را پدیدآورنده‌ی اثری به نام «تاج‌المصادر فی اللغة» می‌شمارند و وی را اولین فرهنگ‌نویس ایران پس از اسلام می‌دانند. البته، اکثر پژوهشگران معتقدند که کتاب مذکور



در سال ۵۴۴ قمری به وسیله ی ابوجعفر احمد بن علی بیهقی، تألیف شده است و به این ترتیب، نباید آن را قدیمی ترین فرهنگ فارسی قلمداد کرد. از سوی دیگر، عده ای «رساله ی ابوحفص سغدی» را نیز در زمره ی کهن ترین لغت نامه های فارسی دانسته اند.

ولی تحقیقات تاریخی نشان می دهد که مؤلف این اثر در اواسط قرن پنجم هجری قمری می زیسته و نباید وی را با حکیم «ابوحفص حکیم بن احوض سغدی» که در اوایل قرن چهارم می زیسته، اشتباه گرفت.

به این ترتیب، قابل اعتمادترین سخن در این زمینه، مبنی بر آن است که کتاب «لغت نامه»، تألیف علی بن احمد اسدی الطوسی، معروف به «لغت فرس اسدی»، نخستین فرهنگ فارسی «دری» است.

این فرهنگ به احتمال قریب به یقین، در میانه ی سال های ۴۵۸ تا ۴۶۵ قمری نوشته شده و اساس و مبنای تمامی لغت نامه های پس از خود است. با این وجود، بعد از تألیف «لغت فرس»، تا مدت های مدید، دیگر در ایران هیچ کتابی نظیر آن پدید نیامد و همچنان به عنوان مرجعی یگانه، مورد استفاده ی همگان بود.

لغت نامه های هندیان به زبان فارسی

ادامه ی روند فرهنگ نویسی در ایران، با یک وقفه ی بسیار طولانی همراه است؛ اما در مقابل، هندیان لغت نامه های متعددی به زبان فارسی تألیف نمودند. علی الخصوص در قرن نهم هجری، اهتمام به فرهنگ نویسی در هند به نحو بارزی مشاهده می شود.

شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن عصر، مهم ترین دلیل این اهتمام هندیان به لغت نامه نویسی به زبان فارسی است؛ چراکه در آن دوران، هر روز بر تعداد سلسله های پادشاهان مسلمان و پارسی زبان هند افزوده می شد و اهالی دربار و نیز حکام، خویشان را نیازمند یادگیری زبان فارسی می دیده اند.

«اداء الفضا» از قاضی بدرخان محمد دهلوی، ملقب به «دهاروال» که در حدود سال های ۸۲۲ قمری تألیف شده، و همچنین «شرف نامه» از احمد منیری و «فرهنگ ابراهیمی»، تألیف ابراهیم قوام الدین حسن، هر دو در قرن نهم، نمونه های لغت نامه فارسی منتشر شده در آن مقطع زمانی است.

مهم ترین فرهنگ های فارسی از ابتدا تا پیش از دهخدا

همان طور که اشاره شد، فرهنگ نویسی در ایران تا مدت ها بی رونق بود و برعکس در هند، لغت نامه های متعددی پدید آمد. استاد سعید نفیسی در مقدمه ای که بر لغت نامه ی دهخدا نگاشته، فهرستی مشتمل بر حدود ۱۸۸ فرهنگ و کتاب لغت فارسی را از آغاز تا روزگار خویشتن بر شمرده است. تأملی در آن فهرست نیز، کثرت تألیفات هندیان، و در مقابل، تعداد انگشت شمار فرهنگ های تألیف شده توسط ایرانیان را به خوبی نشان می دهد.

در ادامه با مروری گذرا بر همین تعداد انگشت شمار، ویژگی ها، مزایا و معایب هر یک را بر شمرده، تا امکان مقایسه صحیح و دقیق کار و روش فرهنگ نویسان پیشین با لغت نامه ی دهخدا فراهم شود.

لغت نامه «فرس اسدی» که در سال های بین ۴۵۸-۴۶۵ قمری تألیف شده، از لحاظ تقدم

مهم ترین ویژگی روش دهخدا در تدوین لغت نامه، «نپرداختن» به رونویسی مطالب فرهنگ های پیشین است. دهخدا در این باره می نویسد: «نخست، دانسته های خویش را از لغت گرد کردم و شواهدی را که از برداشتم بدان ملحق ساختم و آن زمان که گمان بردم محفوظات من به پایان آمده است، به خواندن کتب نظم و نثر فارسی و عربی از ادب و علم پرداختم، بی هیچ فصل و قطعی، حتی نوروز و عیدین و عاشورا».

به این ترتیب، امروز داوری درباره ی لغات آن و منشاء اصلی آن ها مشکل است و به جرات نمی توان گفت که کدام یک از مطالب این کتاب، متعلق به اسدی و کدامیک افزوده ی پسینیان او است.

«صاح الفرس» تألیف محمد بن فخرالدین، هندوشاه نخبوانی است که در ۲۵ باب و ۴۳۰ فصل فراهم آمده و مشتمل بر ۲۳۰۰ لغت است. در این فرهنگ بیشتر لغات ضبط شده، بسیط هستند و کمتر می توان از کلمات مشتق، مرکب و یا کنایات نشانی یافت. یک عیب بزرگ این لغت نامه آن است که در آن تنها سه حرف آغازین کلمه ضبط شده است و چنانچه کلمه ای بیش از سه حرف داشته باشد، باعث ایجاد شک و ابهام می گردد.

و اما از محاسن این فرهنگ، که علامه ی فقید، دهخدا، در حاشیه ی آن بر شمرده، می توان به «ضبط دقیق، صحیح و بسیار منقح ابیات پیشینیان» و همچنین وجود ابیات و شواهد متعدد از شعر شعرای دوره ی سامانی و پس از آن اشاره کرد؛ چنین ابیات و شواهدی، در هیچ یک از فرهنگ های دیگر، چه در «لغت فرس» و چه در فرهنگ های بعد از آن، اصلاً دیده نمی شود.

«معیار جمالی» تألیف شمس فخری اصفهانی در سال های ۷۴۴-۷۴۵ قمری، یکی دیگر از محدود لغات نامه های منتشر شده، پیش از انتشار لغت نامه دهخدا است. «معیار جمالی و مفتاح ابواسحاق» کتابی است در چهار فن عروض، قوافی، بدایع الصنایع و لغات، که شمس فخری آن را به نام جمال الدین ابواسحاق، پسر محمد شاه اینجو، پادشاه فارس «و ممدوح حافظ» تألیف کرده است. او در واژه نامه ی خود، شیوه ی لغت فرس اسدی را پی گرفته و تبویب و تقسیم بندی واژه ها را بر اساس حروف انجمن هر کلمه انجام داده است. او با این کار، کلماتی را که می توان در قافیه ی یک غزل، قصیده، قطعه و جز آن آورد؛ در یک باب و در کنار هم آورده ست و از این رو، لغت نامه ی او صورت تازه و ویژه ای دارد.

اما ایراداتی نیز هم بر این فرهنگ گرفته شده است؛ از آن جمله می توان به نادرستی صورت ضبط برخی واژه ها، مثلاً استفاده از واژه «بشتر» به جای «تشت» یا «بد پدر» به جای «بد ندر» اشاره کرد. همچنین غلط بودن بعضی از معانی به دست داده شده، مانند «آمار» به معنی «استقصا» که به غلط در این فرهنگ، به معنی «استسقا» آورده شده است. علاوه بر این موارد، اشتباهاتی در این فرهنگ به چشم می خورد که در لغت فرس،

زمانی، به نسبت سایر آثار همنوع، از اهمیت فراوانی برخوردار است. البته این فرهنگ، در طول سالیان متمادی توسط افراد گوناگون اعم از «کاتبان و عالمان» دستخوش تغییر شده است. به عبارت دقیق تر، در زمان های مختلف، افرادی به قصد تکمیل مطالب، چیزی بدان افزوده اند و

دهخدا برای تهیه مصالح و مواد لغت‌نامه‌ی خویش، به مطالعه‌ی دقیق کتب نظم و نثر فارسی در همه‌ی رشته‌ها پرداخت و با صرف حوصله و وقت بسیار در طول چهل سال، این مطالب را در برگه‌های کوچک، درست مشابه فیش‌های امروزی ضبط کرد. این راه و روش، اثر او را به کلی از دیگر کتاب‌های هم‌نوع ممتاز ساخت و دقتی بی‌مانند به آن بخشید.

نسخ مربوط به فرهنگ‌های پیشین و تصحیف و تحریف آن‌ها؛ ضبط نادرست حرکت‌های واژه‌ها و ثبت و ضبط عقاید خرافی و افسانه‌های مردم عامی هم در برهان قاطع دیده می‌شود. ایراد ثبت و ضبط عقاید خرافی و افسانه‌های مردم عادی از آن رو به برهان قاطع وارد می‌شود که هرچند ضبط این موارد، از لحاظ کمک به شناخت اعتقادات اهل زمانه مفید به نظر می‌رسد، اما از نظر علم لغت، قیمت و ارزشی ندارد.

از دیگر ایرادات وارده به برهان قاطع، حذف نمونه‌ها و ابیات شعری است که معمولاً در فرهنگ‌های لغت ذیل هر مدخل ذکر می‌شوند. با همه‌ی این عیب‌ها، نباید برهان قاطع را کم‌اهمیت شمرد؛ چراکه محققین بازم آن را از جامع‌ترین فرهنگ‌های فارسی می‌دانند.

دیگر موردی که می‌توان به‌عنوان یکی از لغت‌نامه‌های منتشر شده پیش از لغت‌نامه دهخدا به آن اشاره کرد؛ «انجمن آرا» است. این اثر توسط رضاقلی‌خان هدایت، در عصر قاجار و در ۱۲ بخش تدوین شده‌است. اطلاعات بیشتری درباره این اثر توسط دکتر معین در «ر. ک. لغت‌نامه، جلد مقدمه، صفحات ۲۱۹-۲۲۰» ارائه شده‌است.

آخرین اثر قابل ذکر، «فرهنگ ناظم‌الاطباء» است که توسط ناظم‌الاطباء «متوفی ۱۳۰۳ ه. ش» پدید آمده و مهم‌ترین ویژگی آن، اشتغال بر لغات رایج زبان‌های اروپایی مانند روسی و ترکی و نیز زبان عربی است که در فارسی متداول شده‌اند. ناظم‌الاطباء، از تمام فرهنگ‌های موجود در زبان‌های

۱۰۱۷ هجری شمسی است و به‌تصریح خود مؤلف، در سال ۱۰۲۳ تجدیدنظری در متن آن به‌عمل آمده و او نسخه‌ی نوینی را به پادشاه عرضه داشته‌است.

از ویژگی‌های مهم این کتاب، پرداختن به واژگان فارسی‌الاصل و همچنین ذکرکردن شواهد شعری متنوع و متعدد، برای هر لغت است. درمجموع این فرهنگ را جزء بهترین، دقیق‌ترین و جامع‌ترین فرهنگ‌های زبان فارسی دانسته‌اند. مؤلف، در مقدمه‌ی اثرش متذکر شده که از ۴۴ فرهنگ فارسی پیش از خود بهره برده‌است که این تنوع و تعدد منابع نیز از دیگر محاسن این فرهنگ است. این اثر بالارزش، همواره موردتوجه و تقلید فرهنگ‌نویسان بعدی بوده و تأثیر آن علی‌الخصوص در «برهان قاطع» به‌خوبی مشهود است.

«برهان قاطع»، نوشته‌ی حسین بن خلف تبریزی، متخلص به «برهان» در قرن یازدهم هجری قمری، از جهتی با فرهنگ جهانگیری همسان است؛ چراکه هردوی این آثار به دست ایرانیان، اما در سرزمین هندوستان پدید آمده‌اند.

به‌جز اطلاعاتی که از موقعیت سکونت او در کشور هندوستان، در تاریخ درج شده، از زندگی مؤلف برهان قاطع، اطلاع چندانی در دست نیست و تذکره‌نویسان شرح‌حال مفصلی از او ننوشته‌اند. اما مؤلف این اثر، خود در ماده‌تاریخی، سال تألیف آن را به دست داده است: «چو برهان از ره توفیق یزدان مر این مجموعه را گردید جامع پی تاریخ اتمامش چنین گفت».

در باب منابع اصلی مؤلف نیز، می‌توان از چهار کتاب «فرهنگ جهانگیری»، «مجمع الفرس اسدی»، «سرمایه‌ی سلیمانی» و «صاح‌الادویه» نام برد. البته این فرهنگ، خالی از اشتباه نیست و به‌دلیل جمع‌آوری اقوال فرهنگ‌نویسان قبل از خود - که البته سیره‌ی عمومی فرهنگ‌نویسان کهن است - اشتباهات آن‌ها را در کتاب خود نقل کرده و متوجه نادرستی برخی از آن‌ها نبوده‌است. به‌عنوان مثال، برخی از صورت‌ها و معانی نادرست فرهنگ «معیار جمالی» در آن نقل شده‌است.

البته ایرادات «برهان قاطع» به همین مورد محدود نمی‌شود و می‌توان کاستی‌های دیگری را نیز در آن یافت. در مواردی دیده می‌شود که ریشه‌ی لغات فارسی و عربی با یکدیگر دچار اختلاط شده و یا سهویاتی، در به‌دست دادن معنی واژگان دیگر زبان‌ها روی داده که ناشی از ناآشنایی مؤلف با فقه‌اللغه و زبان‌های مذکور است. همچنین ارتکاب اشتباهات متعدد در ذکر اعلام تاریخی؛ بدخوانی

«منبع اصلی تدوین معیار جمالی» نبوده‌است. این اشتباهات عمدتاً ناشی از سه عامل است: «بدنویسی یا ناخوانایی نسخه‌های لغت فرس و دیگر فرهنگ‌هایی که مؤلف کتاب در اختیار داشته‌است؛ به‌کارنرفتن برخی از واژه‌های موجود در منابع پیش از معیار جمالی که باعث شده آن واژه‌ها برای شمس فخری نامفهوم و غریب باشند و به‌این‌ترتیب او به خاطر بدفهمی نتوانسته آن‌ها را به‌صورت صحیح ضبط کند؛ و همچنین کم‌دقتی مؤلف که در پاره‌ای از موارد مشهود است».

البته تمام این اشتباهات از اهمیت معیار جمالی نمی‌کاهد و این اثر، همچنان در زمره‌ی مهم‌ترین کتاب‌های لغت تألیف شده توسط ایرانیان قرار می‌گیرد.

از دیگر لغت‌نامه‌های برجای مانده می‌توان به «فرهنگ جهانگیری» از میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجوی شیرازی، در قرن یازدهم هجری اشاره کرد. این فرهنگ، توسط یک ایرانی تألیف شده اما مؤلف در سرزمین هند ساکن بوده و کتابش را به پادشاه هند تقدیم کرده‌است. تاریخ تدوین فرهنگ جهانگیری، ۱۰۰۵ لغایت



فارسی و عربی و حتی پاره‌ای از فرهنگ‌های تألیف شده توسط مستشرقین، برای تألیف این فرهنگ لغت استفاده کرده و همین موضوع، بر اهمیت این کتاب می‌افزاید.

این اثر در برگیرنده‌ی ۹۹۵۲۲ لغت تازی و ۵۸۸۷۹ لغت پارسی است و در ضمن بسیاری از کلمات آن خلاصه‌ای از علوم مربوطه و یا اعلام جغرافیایی و تاریخی ایران و جهان اسلام است.

بزرگ‌ترین اثر تحقیقی زبان فارسی

لغت‌نامه‌ی گران‌سنگ دهخدا، محصول مطالعات مداوم و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر او در طول

دهخدا در طول ۴۵ سال،

حدود بیش از سه میلیون فیش، از روی متون معتبر نظم و نثر و کتاب‌های خطی و چاپی در رشته‌های گوناگون علمی فراهم کرد. پس از فوت دهخدا نیز، کار تدوین لغت‌نامه ادامه یافت و حدود چهار میلیون فیش نیز توسط دیگران تهیه و به فیش‌های قبلی افزوده شد. دهخدا با این حرکت، پایه‌گذار مفصل‌ترین لغت‌نامه‌ی زبان فارسی شد.

حدود چهل‌وپنج سال است. مهم‌ترین ویژگی روش دهخدا در تدوین لغت‌نامه، «نپرداختن» به رونویسی مطالب فرهنگ‌های پیشین است. او خود در این باره می‌نویسد: «نخست دانسته‌های خویش را از لغت، گرد کردم و شواهدی را که از برداشتم بدان ملحق ساختم و آن زمان که گمان بردم محفوظات من به پایان آمده‌است، به خواندن کتب نظم و نثر فارسی و عربی، از ادب و علم پرداختم؛ بی‌هیچ فصل و قطعی، حتی نوروز و عیدین و عاشورا.»

همان‌طور که مولف اذعان می‌کند؛ او برای تهیه مصالح و مواد لغت‌نامه‌ی خویش، اعم از لغت، معنی، ترکیب، استعاره، کنایه و شواهد شعر و

نثر، به مطالعه‌ی دقیق کتب نظم و نثر فارسی در همه‌ی رشته‌ها پرداخته و با صرف حوصله و وقت بسیار در طول چهل سال، این مطالب را در برگه‌های کوچک، درست مشابه فیش‌های امروزی ضبط کرده‌است. این راه و روش، اثر او را به کلی از دیگر کتاب‌های هم‌نوع ممتاز ساخت و دقتی بی‌مانند به آن بخشید.

دهخدا در طول حیات خویش، بیش از سه میلیون فیش از روی متون معتبر نظم و نثر و کتاب‌های خطی و چاپی در رشته‌های گوناگون علمی، اعم از تاریخ، جغرافیا، طب، نجوم، هیئت، منطق، حکمت، کلام، فقه و ادبیات، فراهم آمده‌است. پس از فوت دهخدا نیز کار تدوین لغت‌نامه ادامه یافت و حدود ۴ میلیون فیش نیز توسط دیگران تهیه و به فیش‌های قبلی افزوده شد. به این ترتیب، دهخدا، با این حرکت، پایه‌گذار مفصل‌ترین لغت‌نامه‌ی زبان فارسی شد.

همچنین «دقت» دهخدا در فرهنگ‌های فارسی، به او کمک کرد تا متوجه خطاهای موجود در فرهنگ‌های فارسی پیشین شود؛ خطاهایی که، از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل شده و غلط‌خوانی و غلط‌نویسی کاتبان نیز مقداری بر غلط‌ها افزوده‌است.

تلاش‌های بی‌عیب و نقص دهخدا موجب شد، س از مدتی نیز عده‌ای از فضلا و دانشمندان بزرگ به او یاری دادند و حتی پس از مرگش نیز به همت عده‌ای از همین اساتید، کار تألیف و چاپ لغت‌نامه ادامه یافت؛ تا اینکه سرانجام در دی‌ماه ۱۳۵۹ هجری شمسی، کار تدوین و چاپ آن به‌طور کامل به پایان رسید.

پانزده استادی که بیش‌از دیگران به دهخدا در تهیه این اثر کمک کردند به ترتیب حرف الفبا، در ادامه نام برده شده‌اند. البته استادان مذکور، تنها عده‌ای از همکاران مؤسسه لغت‌نامه‌ی دهخدا بوده‌اند و حدود یک‌صدتن از استادان و دانشجویان دیگر، در کار تدوین و نشر این مجموعه‌ی عظیم همکاری داشته‌اند که ذکر نام همه‌ی آن‌ها در این مقاله ممکن نیست:

۱. محمد استعلامی

۲. عبدالله انوار

۳. احمد بهمن‌یار

۴. محمد پروین گنابادی

۵. محمد دبیر سیاقی

۶. عبدالحسین زرین‌کوب

۷. جعفر شعار

۸. جعفر شهیدی

۹. ذبیح‌الله صفا

۱۰. غلامحسین صدیقی

۱۱. ژیلبر لازار فرانسوی

۱۲. مدرس رضوی

۱۳. منوچهر مرتضوی

۱۴. محمد معین

۱۵. جلال‌الدین همایی

به این ترتیب لغت‌نامه‌ی دهخدا که چاپ آن از ۱۳۲۵ خورشیدی در چاپخانه‌ی مجلس آغاز شد، پس از سی‌وچهار سال و در سال ۱۳۵۹ به پایان رسید.

این اثر در ۲۶۵۷۵ صفحه به قطع رحلی «نیم ورقی» سه ستونی با حروف ۱۲ به چاپ رسیده و حاوی تقریباً ششصد هزار ترکیب و نزدیک به هشتاد هزار اعلام شخصی و جغرافیایی و چهارصد تا پانصد هزار شاهد منظوم و منثور برای معنی واژه‌ها و ترکیب‌ها است.

در حقیقت دهخدا، با مجاهده‌ی عظیم خویش توانست یکی از کمبودهای بزرگ موجود در زبان و ادب ایران را پر کند و خرده‌گیری‌های دیگر ملت‌ها را پاسخی قاطع گوید.

به‌راستی باید معترف بود که مواد این کتاب، باحوصله و دقت، نظم و ترتیب گرفته؛ با هوشیاری و تأمل، تألیف یافته؛ با عشق، علاقه و همت، کتابی گرهِ‌گشا و راهنمای همگان شده و به‌نمونه‌ی کار اصولی و بنیادین برای محققان تبدیل شده‌است.

«اگر قائل و باعث من، نام‌وان بود و اگر این کتاب برای پول و کسب شهرت نوشته می‌شود، این نبود. مرا هیچ چیز از نام‌وان، به تحمل این تعب طولی، جز مظلومیت مشرق در مقابل ظالمین و ستمکاران مغربی و انداخت. چه، برای نان، همه‌ی طرق زمین، به‌روی من باز بود و با ابدیت زمان، نام را نیز چون جاودانی نمی‌دیدم، در بند آن نیز نبودم.» این کلام دهخدا، ماندگاری اثر بی‌بدیل او را به روشنی توضیح می‌دهد.

فهرست منابع:

۱. «بزرگ‌ترین اثر تحقیقی زبان فارسی»، دکتر شهیدی، کیهان، ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ ش.
۲. «چهل سال رنج و سخت‌کوشی»، نشر دانش، سال ۱، شماره ۲، صفحات ۳۷-۴۰.
۳. «دخوی نابغه» مجموعه مقالات درباره‌ی دهخدا، به‌کوشش ولی‌الله درودیان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۴. لغت‌نامه‌ی دهخدا «جلد مقدمه»، تهران، ۱۳۲۷ ش.
۵. مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، دکتر غلامرضا ستوده، تهران، سمت، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ ش.

یاسمن حسنی

معلوم باشد. خیلی‌ها شانس‌شان را جاهای مختلف امتحان کرده‌بودند و بارها از این شاخه به آن شاخه پریده‌بودند؛ مثل راجر فدرر که خیلی‌ها او را بزرگترین تنیسور تاریخ می‌دانند. او در کودکی اصلاً نمی‌خواست تنیسور حرفه‌ای شود و فوتبال را بیشتر دوست داشت. حتی مادرش که مربی تنیس هم بود، استعدادی در او نمی‌دید. نمونه‌ی دیگر مریم میرزاخانی است که در نوجوانی، بیشتر از اینکه دلش بخواهد ریاضیدان شود، دوست داشت رمان نویس شود.

اپستین، هرچه جلوتر می‌رفت، می‌دید در میان موفق‌ها نمونه‌هایی مثل راجر فدرر و مریم میرزاخانی بیشتر از موزارت هستند. اینجا بود که تصمیم گرفت کتابی بنویسد و داستان دیگری درباره‌ی راه و رسم موفقیت بگوید. داستانی که از شاخه‌ای به شاخه‌ی دیگر پریدن را ستایش می‌کرد نه تقبیح. کتاب «وسعت یا عمق؟» حاصل این کار بود. درواقع، نویسنده‌ی این کتاب، سعی دارد با بیان مثال‌های بسیار کاربردی در انواع حوزه‌ها و رشته‌ها، به ما بگوید در جهان تخصص‌گرای امروز، بسط و گسترش دانش و تخصص‌مان در حوزه‌های دیگر، راز موفقیت در دنیای امروز است.

این کتاب مناسب کسانی است که دائم در حال تغییر شغل هستند و به‌خاطر همین، عذاب وجدان دارند. این کتاب می‌گوید راهی که در پیش گرفته‌اید نه تنها نامناسب نیست؛ بلکه نیاز امروز شرکت‌ها و سازمان‌ها و نیز خود شما است.

کتاب «وسعت یا عمق؟» روی فیدیبو موجود است و می‌توانید به مبلغ ۲۶۶۰۰ تومان آن را دانلود کنید. همچنین نسخه‌ی چاپی این کتاب با تخفیف به مبلغ ۵۲۰۰۰ تومان، توسط نشر ترجمان ارائه می‌شود.

و یودیم UdeM در مونترال است. همچنین او، عضو هیئت تحریریه‌ی مجله‌ی Moebius نیز هست. در زمستان سال ۲۰۱۸ اولین رمان او به نام Mère d'invention منتشر شد. این رمان، همانطور که از او انتظار می‌رفت، تحت‌تأثیر سبک نوشتاری پروست نوشته‌شده‌است و دارای پیچیدگی‌ها و ظرایف ادبی قابل توجهی است.

کتاب‌های او همگی در دسته‌ی ادبیات کبکی و کانادایی قرار دارند. این نویسنده، در سال ۲۰۲۰ روی یوتیوب در برنامه‌ی زنده ویژه‌ی ادبیات فرانسوی زبان دعوت شد؛ درباره‌ی سابقه‌ی ادبی خود صحبت کرد و بخشی از کتاب خود Mère d'invention را خواند. این برنامه، هنوز روی یوتیوب موجود است. نشر Editions Heliotrope خبر انتشار رمان Sadie x را روی اینستاگرام خود قرار داده‌است.

شخصیت اصلی این کتاب Sadie نام دارد و از مونترال به مارسی در فرانسه مهاجرت کرده‌است. او از آن شخصیت‌هایی است که می‌تواند همه‌چیز را به راحتی رها و ازشان عبور کند. او در آزمایشگاهی مشغول به کار می‌شود و از طریق استادش، که او را علاقمند به دنیای موجودات میکروسکوپی کرده، وارد تجربه‌های جدیدی در زندگی می‌شود که برای او خطرات بسیاری در بر دارد.

رمان Sadie x در سپتامبر ۲۰۲۱ منتشر می‌شود و با مبلغ ۲۴۰۹۵ دلار در کتابفروشی‌ها در دسترس علاقمندان قرار می‌گیرد.

تازه‌های کتاب ایران:



چاپ دوم کتاب «وسعت یا عمق؟» نوشته‌ی «دیوید اپستین» با ترجمه‌ی «عرفانه محبی جهرمی» توسط نشر ترجمان منتشر شده‌است. این کتاب، با نام کامل «وسعت یا عمق؟ چرا در جهانی تخصص‌گرا از شاخه‌ای به شاخه‌ی دیگر پریدن بهتر است؟» در سال ۲۰۱۹ در فهرست پر فروش‌های نیویورک تایمز قرار گرفت. «دیوید اپستین» نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی است که علاقه‌ی فراوانی به خواندن داستان زندگی فوق موفق‌ها داشت. اما در طول مطالعات خود متوجه مسئله‌ای عجیب شد؛ تصویری که اغلب ما از حرفه‌ای‌ها و فوق ستاره‌ها داریم این است که همه‌ی عمر تکلیف‌شان با زندگی روشن بوده‌است. آدم‌هایی که از همان بچگی، استعداد وافر در زمینه‌ای دارند و هدف‌شان مشخص است و با هوشی سرشار، به سمت قله‌های موفقیت می‌روند. مثل موزارت که در چهارسالگی با مهارتی خیره‌کننده پیانو می‌نواخت و در هفت سالگی، اولین سمفونی‌اش را نوشت.

نکته‌ای که دیوید اپستین متوجه‌اش شد این بود که برای همه‌ی موفق‌ها، این‌طور نبوده که از همان بدو تولد استعدادشان را بشناسند و راه زندگی‌شان

تازه‌های کتاب کانادا:



کتاب تازه‌ی «کلارا دوپویی مورنسی» Clara Dupuis-Morency از ابتدای سپتامبر وارد بازار کتاب کانادا می‌شود. رمان Sadie x دومین رمان این نویسنده‌ی اهل کبک است. کلارا دوپویی مورنسی، در سال ۲۰۱۶ موفق به کسب دکترا در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی در شاخه‌ی مطالعات ادبی و بین رسانه‌ای از دانشگاه مونترال شد. پایان‌نامه‌ی دکترای او درباره‌ی مقایسه و بررسی شکستگی و به هم ریختگی زمان، در آثار مارسل پروست و دلیو سبلد است.

کلارا دوپویی مورنسی، در حال حاضر استاد ادبیات در دو دانشگاه یوکم UQAM

شیمای باقرپور طهرانی

هادی معصوم دوست نویسنده «عشق بازی»: حالم با این داستان خوب است

آقای هادی معصوم دوست عزیز قبل از هر چیز، بابت قبول مصاحبه تشکر می‌کنم؛ همچنین جای دارد بابت اقدام جسورانه شما در رابطه با انتشار رایگان کتاب عشق بازی، آن هم در فضای متشنج نثر فارسی، قدردانی کرده و صمیمانه تبریک بگویم.

ممنون از شما، با «فضای متشنج نثر فارسی» تا حدی موافقم. ولی بیشتر از تشنج، بی‌رمقی می‌بینم؛ نبضی که کند شده و کمتر می‌تپد. این را در خصوص ادبیات تألیفی مان می‌گویم.

در شرایطی که هر نویسنده‌ای به آسانی از وسوسه چاپ کاغذی نمی‌گذرد، شما کتاب «عشق بازی» را در وبسایت خود در فضای مجازی منتشر کردید و در یادداشتی آن را برای اهالی ادبیات، حلال تر از شیر مادر دانستید؛ اگر امکان دارد دلایل این اقدام را برای خوانندگان ما توضیح دهید.

بازار نشر رمان تألیفی، کوچک است؛ در وضعیت کنونی ایران، اگر رمانی به چاپ دهم برسد -که برای کمتر رمانی این اتفاق می‌افتد- با تیراژ ۵۰۰ تایی، یعنی پنج هزار نسخه. این، سقف موفقیت رمان‌های تألیفی ما است که بیشتر به یک شوخی شباهت دارد. اگر ناشر، پشت کتاب بایستد، خوب تبلیغات کند، پخش خوبی داشته باشد و حداقل در کتابفروشی شهرهای بزرگ موجود باشد، تازه می‌توانیم در مورد مخاطبی حدود پنج هزار نفر حرف بزنیم؛ وگرنه بیشتر رمان‌های تألیفی در چاپ اول، دوم و سوم می‌مانند. این بازار کوچک، چه دستاوردی برای نویسنده دارد؟ این پروسه طولانی انتشار کاغذی، چه معنایی برای من خواهد داشت؟ برای این تیراژ؟ آیا تیراژ کتاب‌ها، به معنای تعداد واقعی مخاطب بالقوه ادبیات تألیفی است؟ جواب منفی است. تعداد این مخاطبان خیلی بیشتر است، گواه این ادعا تعداد بالای دانلود همین کتاب است؛ در کمتر از یک هفته از انتشار مجازی، بیش از ۳۵۰۰ دانلود انجام شده و تعداد بسیاری نظر و واکنش، از طریق صفحه شخصی‌ام با من درمیان گذاشته شده است. این نشان می‌دهد شرایط نشر به گونه‌ای است که کتاب‌ها خوب معرفی نشده و به دست اهلیش نمی‌رسند. البته قیمت بالای کتاب، بحران کاغذ و مسائل دیگری هم می‌توانند دخیل باشند. این روش قدیمی، دوره‌اش تمام شده است؛ بازار و شرایط نشر ادبیات تألیفی، به وضوح از مرگ این دوران حرف می‌زنند.

نگران نشدید کتاب عشق بازی، لایه‌لای صفحات مجازی



«رمان تازه‌ام که تمام شد، تصمیم سختی بود. نشر کاغذی یا انتشار مجازی؟ پیش از این، سه رمان به صورت کاغذی با سه ناشر محترم چشمه، ققنوس و نیلوفر منتشر کرده‌ام. برای من همیشه ادبیات، بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی‌ام بوده با این حال، هیچ‌گاه حیات اقتصادی و اجتماعی‌ام به آن وابسته نبود. نوشتن این رمان‌ها، وقت و توان زیادی از من گرفت، ولی هیچ‌گاه از آن‌ها نه توقع معروفیت داشته‌ام و نه حتی بخشی از امورات زندگی‌ام را با درآمد آن گذرانده‌ام.» این مطلب را هادی معصوم دوست، نویسنده و مستندساز ایرانی ساکن تهران درباره تصمیم انتشار رایگان جدیدترین کتابش به نام «عشق بازی» در فضای مجازی می‌گوید. او که انتشار چند کتاب داستان، با نام‌های «عیار ناتمام»، «نه مرگ» و «چین خوردگی» را در کارنامه ادبی خود؛ و چند مستند تقدیر شده را در جشنواره‌های مختلف در کارنامه سینمایی‌اش دارد؛ پس از به اتمام رساندن رمان تازه خود به نام «عشق بازی»، در سال ۱۴۰۰، تصمیم گرفت کتاب تازه‌اش را در وبسایت رسمی خود منتشر کند و به همگان اجازه دانلود و خواندن رایگان بدهد.

هادی معصوم دوست که در سال ۱۳۶۴ در شهر مشهد متولد شده و تحصیلات خود را در رشته‌های گرافیک و ادبیات نمایی، تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داده است؛ از خوانندگان خود می‌خواهد که رمان «عشق بازی» را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند؛ صدای آن باشند و نظرات و نقدهایشان را هم به او برسانند. ما نیز در این شماره مجله هفته، به بهانه نشر الکترونیک کتاب و ارزش ادبی آن، برآن شدیم تا گفت‌وگویی داشته باشیم با این هنرمند معاصر.



بهروز و جرقه آن، نقطه مسکوت طرح داستان است. آیا دلیل خاصی وجود دارد؟

اول بگویم که بهروز در داستان فقط یک مستندساز نیست. او در سینمای داستانی هم فیلم‌های موفقی ساخته که جوایز زیادی گرفته‌اند. ولی شاید به واسطه شهاب که ورودش به داستان، با یکی از مستندهای بهروز اتفاق می‌افتد، جنبه مستندسازی، کمی پررنگ‌تر شده‌است. از سوی دیگر، ما نازی را می‌بینیم؛ شخصیتی که از فیلم داستانی او سر از زندگی‌اش در آورده‌است. به علاقه بهروز به سینما، در گوشه و کنار داستان و در بخش‌های مربوط به زندگی‌اش با رؤیا اشاره شده؛ ولی اینکه دقیقاً نحوه ورودش به سینما مشخص باشد، از نظر من، موضوع مهمی از نظر داستانی نبود.

این کتاب در بی‌تاریخی محض نوشته شده، فضا، فضای ایران و سینما و مستند است؛ اما معلوم نیست در کدام نقطه تاریخی، در چه زمینه‌ای؟ آیا عمدی در بی‌تاریخ بودن «عشق‌بازی» داشته‌اید؟ فکر نمی‌کنید روایت زمان و تاریخ می‌توانست گره‌های بیشتری اضافه کند، یا آن را جذاب‌تر کند؟

حالا که فکر می‌کنم شاید این بی‌زمانی برای من، ناخودآگاه تبدیل شده به یک جهان فکری. این اتفاقی است که در سایر رمان‌هایم هم افتاده. البته هیچ‌کدام این داستان‌ها بی‌زمان نیستند؛ یعنی مخاطب از نشانه‌های روشنی می‌تواند به زمان رویداد حوادث پی‌برد. ولی این‌طور نیست که بخواهد دقیقاً تاریخ بدهد و دوره معرفی کند. چون این آدم‌ها را من، متعلق به دوره‌ای خاص نمی‌بینم؛ هرچند تأثیرات دوره‌ای که در آن زندگی می‌کنند، در شخصیتشان پیدا است. به همین دلیل، در این رمان هم معتقد به بی‌زمانی محض نیستم.

به نظر می‌رسد شما پایان باز را انتخاب کرده‌اید؛ آن‌هم در فضایی که هیجان بیشتری می‌توانست وارد داستان شود. اگر امکان دارد، بدون فاش کردن انتهای داستان، در مورد پایان و چرایی آن صحبت کنید.

من پایان این رمان را باز نمی‌دانم. شخصیت‌ها همگی به سرانجام می‌رسند؛ تکلیف شهاب روشن می‌شود؛ آرش هم همین‌طور. حتی تکلیف بهروز هم روشن می‌شود؛ زنده یا مرده‌اش اهمیتی ندارد. ولی بهروز دیگر آن آدم سابق نیست. در انتهاب داستان، هیچ‌کدام از شخصیت‌ها، در موقعیت قبلی نیستند. پایان کتاب، ورود آن‌ها به دوره جدیدی از زندگی است. این دقیقاً موقعیتی است که هر داستانی می‌تواند کارش را با کلمات تمام کند.

و سوال پایانی؛ نقاط ضعف و قوت «عشق‌بازی» را در چه می‌بینید؟

من این رمان را دوست دارم. صحنه‌های زیادی از آن را دوست دارم که هنگام نوشتن و بازنویسی، حالم را عمیقاً منقلب کرده. چند سال، درگیر این آدم‌ها بوده‌ام و واقعاً هر کدام از آن‌ها برایم به موجودات زنده‌ای تبدیل شده‌اند که اثرشان همیشه با من خواهد بود. هر نویسنده‌ای با گذر زمان، شاید زمانی با خود فکر کند که کتابش تغییری لازم دارد. من هنوز از این رمان فاصله زیادی نگرفته‌ام. شاید به چند سال زمان نیاز داشته‌باشم؛ ولی در وضعیت فعلی حالم با این داستان خوب است. آقای هادی معصوم دوست گرامی سپاسگزارم بابت وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

فراموش شود؟ دنیا وارد عصر نویی از انتشارات شده، اما دست‌کم برای اهالی ادبیات فارسی، هنوز انتشار مجازی معمول نیست و ممکن بود کتاب شما را در میان سنت‌گرایان دانشگاهی از لیست مراجع معتبر دور کند. آیا از انتشار مجازی کتاب پشیمان نشده، یا تصمیمی برای ثبت یا نشر آن در یک انتشارات رسمی داخل یا خارج از ایران ندارید؟ راستش همان‌طور که توضیح داده‌ام، تصمیم آسانی نبود. یکی از نکات مهم همین بود. دوستان نویسندگان هم، به همین موضوع اشاره می‌کردند. هر رسانه‌ای، مزایا و معایب خودش را دارد؛ اما چندان مطمئن نیستم. هر داستانی در طول زمان، می‌تواند مشمول فراموشی شود، وقتی به دست مخاطبش نرسد؛ چاپی یا الکترونیکی فرقی ندارد. نشر کاغذی بعضی از کتاب‌ها، با منتشر نشدن تفاوتی ندارد؛ چون ناشر برای نشر آن برنامه‌ای ندارد؛ یعنی کتاب را چاپ می‌کند که جنسش جور باشد و فروش نرفتن رمان، خیلی مهم نیست. من رمان چین‌خوردگی را پیش از این با عنوان «به‌شیوه کیان فتوحی» به‌صورت مجازی منتشر کرده‌بودم. سال ۱۳۹۰ که ناشر، کتاب را به اداره ارشاد فرستاد، به هیچ شکلی مجوز نگرفت و من هم مجبور به انتشار مجازی‌اش شدم. الان نزدیک به یک دهه پس از آن، هنوز بسیاری از مخاطبانم من را با نام رمان «به‌شیوه کیان فتوحی» می‌شناسند. چون تعداد زیادی آن را خواندند و استقبال خوبی شد؛ در حالی که هنوز خیلی‌ها نمی‌دانند که من رمان‌های دیگری به نام «نه‌مرگ» یا «عیارنا تمام» هم دارم و اگر می‌دانند، تعدادشان خیلی کم است. بنابراین، مطمئن نیستم که انتشار رمان در فضای مجازی باعث فراموشی آن شود. ولی آیا این، به معنای آن است که بستر ایده‌آلی است برای نشر کتاب؟ نه، به هیچ وجه. ولی در شرایط فعلی می‌دانم که مخاطب بیشتری از نشر کاغذی دارد. پس من این راه را انتخاب می‌کنم. هرچند که بعدها «به‌شیوه کیان فتوحی» را با نشر ققنوس به صورت کاغذی با نام «چین‌خوردگی» هم منتشر کردم. شاید برای «عشق‌بازی» هم روزی این اتفاق بیفتد.

با توجه به حرفه و سابقه شما در مستندسازی، به نظر می‌آید میان شخصیت اول داستان و شخص خود شما، ارتباط عمیقی برقرار است. چقدر از شخصیت بهروز ریاحی در کتاب عشق‌بازی، با شخصیت واقعی شما در واقعیت هم‌پوشانی دارد؟ چقدر از مانیفست‌ها و اظهارات بهروز، از عمق وجودتان بر خاسته است؟

شاید این سؤال برای مخاطب طبیعی باشد، ولی به همان اندازه برای من غیرطبیعی است. واقعیتش این است که هر نویسنده‌ای، وقتی داستانی را خلق می‌کند؛ شخصیت‌ها، الزاماً ربطی به او ندارند. گرچه بخشی از داستان، موقعیت‌ها و تفکرات را از اتمسفری که در آن زندگی کرده، الهام می‌گیرد؛ ولی لزوماً از شخصیت خود و جهان‌ش مستندنگاری نمی‌کند. فضای سینمای ایران، مستند و فیلم داستانی، فضایی است که من در آن نفس می‌کشم و حرفه من است. قطعاً بعضی مواجهه‌ها و مطالعه میدانی برخی روابط و مناسبات، بر شکل‌گیری ایده‌ی اصلی این رمان مؤثر بوده، ولی این، یک داستان است و فیلم مستند نیست.

در کتاب عشق‌بازی، نحوه ورود شخصیت بهروز به حرفه مستندسازی مجهول است. خواننده باید این آغاز روند را به کمک تخیل خود پیدا کند؛ اما نقطه آغاز مستندسازی

شیمای باقرپور طهرانی

چند سروده از
شیمای باقرپور طهرانی

شعله‌ها زبانه می‌کشد در اندوه زمستانی‌ام
بهار را به آرزو نشسته‌ام
در هوایی که پر از تردید سرب است
عشق را به ناگهان می‌خوانم
و باز آتشی بر آتش دگر
نمی‌دانم تمام آنچه را باید، شنیده‌ام یا نه
در توان خویش مغروقم
و بی‌خیال این گرگم به هوای آسمان و زمین
که سال‌هاست مرا متمایز کرده،
به ابرها می‌نگرم.
تنها امیدم، به خورشید روزهای آفتابی است...

گیسوئیم را به بوی گندم آغشته کرده‌ام
و دست‌هایم را به حس زیبایی
اندوهناک خواهش زمینم
زمانی که باد تو را می‌برد
و از نظاره دور شدن تو، من تمام می‌شدم...
شطحات امروز من، پیام پیامبرواره نیست
صدای شکستن قلبی است
که در صدای افق‌های خالی تردید خالی شد
و هزاران هزار زبان برای ترجمه‌اش ماندند...

در سراسیمگی زمان
در التقاط میان بودن و نبودن
شراره‌ای خانه‌مان را به آتش کشید
ما به خود لرزیدیم
و در سراب هستی خویش
پیوسته در تلاطم خاموش بودن و نبودن
چونان سنگ، خویش را به جگر بستیم
تا فراموش کنیم چه بودیم
تا فراموش کنیم که بودیم
اما رویای آن بودن‌ها
تا همیشه کابوس‌هایمان را تصاحب کرد
ما از خویش بریدیم
تا به خود برگردیم
اما حکایت‌هایمان
باز در همان نقطه همیشگی شروع میشد
ما اگرچه دیر
ما اگرچه زود
اگرچه خسته
اگرچه پر صدا،
انعکاس ترانه‌هایمان بودیم
ترانه‌هایی که سوزاندیم
تا نبینیم، نشنویم
و به خویش نگیریمشان!!!

نگاهش که به بالا بود
عاطفه زیر پایش را ندید
قله‌ها مجذوبش کرده بودند
و از فراخی وسیع دشت‌ها غافل شد
یک روز به قله رسید
اما جز دشت‌هایی که بر آن می‌زیست
هیچ ندید...

عبداله صفوی Abdollah Safavi

Financial Security Advisor
Investment Representative

مشاور امنیت مالی
نماینده سرمایه گذاری

۳۰ دقیقه مشاوره رایگان برای برنامه
بازنشستگی و سایر مسائل مالی!

Mobile: (514) 467 - 8491
Office: (514) 931 - 4242 ext. 2567
✉ abdollah.safavi@f155.com
🌐 mqsfc.ca 📱 mqsfc.ca
📧 mqsfc.ca 📺 mqsfc.ca

canada life

Freedom 55
Financial

QUADRUS
Quadrus Investment Services Ltd.



همین امروز نوبت خود را رزرو کنید
www.MQSF.ca

شرکت فیروزه
ساختمانی

CONSTRUCTION
TURQUOISE

طراحی • نظارت • اجرا



• طراحی سازگار با طبیعت برای خانه های نوساز
• طراحی مدرن مطابق با سلیقه ایرانی
• طراحی مجموعه مسکونی

- RENOVIATION طراحی خانه های نوساز
- DESIGN/BULD بهینه سازی فضا
- NEW CONSTRUCTION طراحی ویلا
- RESIDENTIAL/COTTAGE نوسازی خانه

بیش از ۲۰ سال تجربه در طراحی
و اجرای ساختمان های مسکونی

TEL. 514.808.5898

construction.turquoise@gmail.com

RBQ 01-9923-5798



داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

برای رفاه و سلامت شما در شرایط کرونا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان دارو

در مونترال و حومه

★ Terms and Conditions May Apply



دسترسى به پزشک

در اسرع وقت برای بیماران بدون
بیمه کبک

1111 Blvd. Dr. Frederik-Philips, suite 600, St-Laurent
Postal Code: H4M 2X6

514 519 3060 438 800 3695

www.riahipharma.com info@riahipharma.com



واکسیناسیون

انجام تمام واکسن ها



دریافت نسخه

از طریق وبسایت و تلفن



مشاوره رایگان

بعد از سفارش دارو
(تلفنی یا ویدئوچت)



دسترسى آنلاین

به پرونده های دارویی،
تجدید و یادآوری دارو



نوشتن نسخه

توسط دکتر داروساز و ارجاع
به پزشک در صورت لزوم



ملاقات حضوری

انجام تست های پزشکی در
داروخانه (با تعیین وقت قبلی)



انتقال پرونده

دارویی از دیگر داروخانه ها

Design By: Samira_Salimi

وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



نیوشا ریاحی
WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونتreal

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در
- ✓ دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

امیر ندیمی

Amir Nadimi
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های
متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial insurance
Dwelling insurance (Buildings, home, condo, apt)
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc.



514 - 600 - 2338

www.AmirNadimi.com

@AssurancesNadimi

1955 Ch. de la Cote-de-Liesse,
suite 201

Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6

info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن



با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما

- کش یک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه یا انتقال وام مسکن
- فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگیج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر و اخذ
- کمترین نرخ بهره
- هزینه محضر هدیه ما به شما برای انتقال مورگیج از
- موسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پتانلی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کش یک پنج درصدی بانک CIBC

Email: mehrdad.moradkhani@CIBC.com

Toll-free: +1-866-262-1037

Cell: 514-834-8053

mehrdad.cibc



Top 100 in Canada 2020

تفتوتو



عارف محمدی
نویسنده سینمایی



رخشان بنی‌اعتماد در گفت‌وگو
با عارف محمدی در تورنتو



گفت‌وگو با رخشان بنی‌اعتماد:

«قصه‌ها» وصیت‌نامه من است

گفت‌وگو با «رخشان بنی‌اعتماد» حدود شش سال پیش و به‌هنگام نمایش فیلم «قصه‌ها» در جشنواره جهانی فیلم تورنتو انجام شد؛ اما هیچگاه موقعیت مناسبی برای انتشار آن به‌وجود نیامد. برگزاری جشنواره جهانی تورنتو در ماه سپتامبر امسال، فرصت مغتنمی است برای انتشار این گفت‌وگو؛ که اگرچه در آن مقطع زمانی و به بهانه فیلم «قصه‌ها» انجام شد، اما سوالات متفاوتی در ارتباط با سینمای رخشان بنی‌اعتماد و دیدگاه او به فقر و طبقات اجتماعی، شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه را در خود جای داده‌است.

که مضامین اجتماعی مختلفی را مطرح می‌کند، اصل مهم برای من، آن جوهر مقاومت انسان است که در برابر فشار شرایط اجتماعی، سعی بر این دارد که خودش را حفظ کند؛ یعنی از دید من، آن بخش غالب وجود انسان که میل به پاکی و خیر دارد، تحت شرایط اجتماعی کوبیده می‌شود و امکان بروز پیدا نمی‌کند؛ بنابراین، آن بخش از توان باقیمانده انسان که در برابر این مشکلات می‌ایستد، برای من بسیار قابل احترام است. به همین دلیل در دل فقر، عشق را پیدا می‌کنم و در دل همه پدیده‌های آسیب‌زایی که کاراکترهای فیلم‌های من درگیرشان هستند، به دنبال عزت، مقاومت و شأن انسانی آن‌ها هستم. هیچ‌وقت نگاه توریستی و ترحم‌آمیز به این کاراکترها نداشته‌ام و ندارم و برای مبارزه و مقاومت‌شان احترام بسیار قائلم.

ایده فیلم قصه‌ها، با توجه به اپیزودیک بودنش و اینکه برخی از آن‌ها در برهه‌های تاریخی خاص اتفاق می‌افتد، از چه زمانی شکل گرفت و نوشتن آن چقدر طول کشید؟

بله دقیقاً می‌شود گفت یک دلیل اصلی آن مستندسازی است؛ یعنی جایی که من فعالیت در سینما را آغاز کردم و همچنان ادامه دادم و اینکه هرگز رابطه‌ام با سینمای مستند قطع نشده‌است. حتی می‌شود گفت، آن فضای مستندی که من چه به لحاظ تحقیق، چه به لحاظ ساخت فیلم، در بین کارهای سینمایی‌ام درگیر آن هستم، می‌تواند آن ارتباط مستحکم و مستقیم را با جامعه حفظ کند. فکر می‌کنم این یک حرف کاملاً ایدئالیستی است که آدم بگوید «زمانی که فقر وجود نداشته باشد!» ولی فکر می‌کنم صحبت کردن درباره هر پدیده‌ای که انسان را در تنگنا قرار می‌دهد، مثل فقر و آسیب‌های مختلف اجتماعی، هیچ‌وقت کهنه نمی‌شوند. تنها زمانی می‌شود این استنباط را کرد که دیگر این موضوعات وجود نداشته باشند. ولی وقتی که وجود دارند و ما متأسفانه در کل جهان می‌بینیم که این آسیب‌ها رو به رشد هستند، هیچ‌وقت کهنه نمی‌شوند و مهم این است که از چه زاویه‌ای به آن‌ها نگاه شود.

همین‌طور که اشاره کردید، در هر کدام از فیلم‌ها

خانم بنی‌اعتماد، پرداختن به فقر و طبقات محروم جامعه، از ویژگی‌های بارز سینمای شما است. موضوع فقر، من را یاد جمله‌ای از چزاره زاواتینی فیلم‌نامه‌نویس ایتالیایی می‌اندازد که وقتی از او می‌پرسند چرا آن‌قدر راجع به فقر می‌نویسی و این موضوعات دیگر کهنه شده، در پاسخ می‌گوید: «فقر چیزی نیست که کهنه شود، این نوع نگاه ما است که باید نسبت به فقر نو شود و درواقع از زوایای تازه‌تری به آن پرداخته شود.» من به‌شخصه این نکته را در همه آثار شما تجربه کرده‌ام؛ هر زمان فیلمی از شما دیدم، برایم تازگی دیگری داشت؛ با اینکه همه آن‌ها از لحاظ موضوع، وجوه مشترکی داشتند. سوال من از شما این است که این دغدغه از کجا نشئت می‌گیرد؟ آیا به مستندسازی‌های سابق شما برمی‌گردد؟

نوشتن فیلم‌نامه «قصه‌ها»، چیزی حدود شش‌ماه طول کشید. ولی اینکه ایده آن از کجا شکل گرفته، شاید این‌طور بوده‌است؛ طی دوره‌ای که من خودم را تحریم کردم و فیلم سینمایی نساختم، طبیعتاً موضوعات مختلف ذهنم را نسبت به خودشان درگیر می‌کردند و همین انرژی برای گفتن این موقعیت‌ها، اولین عامل تحریک‌پذیری من شد. از طرف دیگر، سینمای اجتماعی با مناسبات سیاست‌گذاری سینما در دوره هشت‌ساله ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، به‌نوبه‌ای کنار گذاشته شده بود و جایی برای کار بر روی آن وجود نداشت. به همین دلیل، برگشت من به کاراکترهای فیلم‌های قبلی که هرکدام در یک مقطع زمانی و موقعیت مشخص ساخته شده بودند، نشان از عشق

و توجه نسبت به سینمای اجتماعی داشت. ساختار فیلم قصه‌ها، فقط ساخته تکنیک فیلم‌نامه‌نویسی نبود. مجموعه همه عواملی که توضیح دادم، به‌اضافه پیوندی که بین این قصه‌ها از طریق کاراکترها ایجاد می‌شد، چیزی فرای یک فیلم‌نامه اپیزودیک بود. انگار مروری بر یک دوران از سینمای خودم بود و شاید بشود به‌نوعی اسم یک وصیت‌نامه را روی آن گذاشت.

در بیشتر آثار شما شخصیت‌های اصلی، تداوم و ارتباطی باهم دارند و کسانی که کارهای شما را دنبال می‌کنند، بهتر متوجه آن‌ها می‌شوند. مثلاً در فیلم قصه‌ها، همه شخصیت‌های مهم آثار قبلی شما

به‌صورت تمام و کمال کنارهم جمع شده‌اند. مثلاً عباس، راننده تاکسی، در قصه‌ها همان جوانی است که در «زیر پوست شهر» تمام داروندارش را در قاچاق مواد مخدر از دست داده؛ یا آن جوان کرد کارگر عاشق شکست‌خورده در «روسی آبی» که در این فیلم به وصال معشوق رسیده؛ یا خود «طوبا» که در تمام فیلم‌های شما نماد یک زن و مادر فداکار و زحمت‌کشی است که برای خانواده و احقاق حقوق خودش مبارزه می‌کند و شخصیت‌های دیگر. پی‌بردن یا پی‌نبردن تماشاگر به این تداوم و ارتباط شخصیت‌ها چقدر برای شما اهمیت دارد؟

ممنون و چقدر خوب که این سؤال را مطرح کردید. منتقدانی هم هستند که بعد از دیدن فیلم می‌پرسیدند: «اگر مخاطبین، فیلم‌های قبلی شما را ندیده باشند؛ این فیلم چطور برداشت می‌شود؟» اصلاً یکی از چالش‌های مهم نوشتن فیلم‌نامه «قصه‌ها» این بود که تلاش شد ضمن آمدن کاراکترها از فیلم‌های قبلی، و باتوجه به فاصله زمانی آن‌ها با زمان معاصر - که بر مبنای سال ساخت آن فیلم بوده - برای برقراری ارتباط با جریان فیلم، هیچ نیازی به دیدن آثار قبلی نباشد. یعنی اگر مثلاً از قصه‌ی «روسی آبی» و نوبر کردانی و رضا که سال ۷۲ ساخته شده، تاکنون نزدیک به ۲۱ سال گذشته، ما پس‌زمینه بچه‌دار شدن، ازدواج و همه داستان‌های این دو کاراکتر را در فیلم قصه‌ها ۲۱ سال فرض کردیم. ولی همه بیوگرافی این کاراکترها، به‌عنوان یک فیلم‌نامه‌نویس، فقط مربوط به ما (من و فرید مصطفوی) می‌شود.

همان‌طور که وقتی یک فیلم‌نامه نوشته می‌شود، به‌اندازه سه جلد کتاب، بیوگرافی پشت کاراکترها وجود دارد؛ ولی همه این‌ها قرار نیست در فیلم بیان شود و این دانش، فقط به درد نویسنده می‌خورد تا بداند درحال به تصویرکشیدن چه شخصیتی است. به همین دلیل، یکی از چالش‌های اساسی ما در زمان نوشتن فیلم‌نامه، همین بود که ضمن توجه به گذشت بیست سال، ۱۵ سال و یا ۲۵ سال از زمان خلق کاراکترها، ولی به‌هیچ‌عنوان دریافت هیچ موقعیتی در قصه‌ها، موقوف به دیدن فیلم‌های قبل نباشد؛ یعنی اصلاً احتیاجی نیست کسی آن فیلم‌ها را دیده‌باشد.

اتفاقاً باز خوردی که از تماشاگران این فیلم در ونیز



درباره رخشان بنی‌اعتماد



رخشان بنی‌اعتماد در ۱۴ فروردین ۱۳۳۳ در تهران زاده شد. او در رشته کارگردانی سینما در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران (دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر) تحصیل کرد و در سال ۱۳۵۹ از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد.

بنی‌اعتماد از سال ۱۳۵۲ با سمت منشی صحنه در تلویزیون مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۵۹ چند فیلم مستند کوتاه را کارگردانی کرد. فعالیت سینمایی خود را از سال ۱۳۶۰ به عنوان منشی صحنه فیلم «آفتاب‌نشین‌ها» و فیلم «گل‌های داوودی» آغاز کرد. با ساخت فیلم خارج از محدوده کارگردانی فیلم بلند داستانی را تجربه کرد. سپس فیلم‌نامه «زرد قناری» را بازنویسی کرد و کارگردانی آن را نیز خود انجام داد. با نوشتن فیلم‌نامه فیلم «نرگس» با همکاری فریدون جیرانی و کارگردانی آن، در سال ۱۳۷۰ به عنوان بهترین

کارگردان در دهمین جشنواره فیلم فجر برگزیده شد. پس از آن، فیلم‌های «روسی‌آبی»، «بانوی اردیبهشت»، «زیر پوست شهر» و «خون‌بازی» برای وی افتخارات و جایزه‌های بیشتری به ارمغان آورد. بنی‌اعتماد برای روسی‌آبی برنده جایزه فیپرشی سی و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم تسالونیک ۱۹۹۵، نامزد یوزپلنگ طلایی و برنده یوزپلنگ برنزی جشنواره فیلم لوکارنو شد. جایزه ویژه و جایزه فیپرشی جشنواره بین‌المللی فیلم مونترآل برای «بانوی اردیبهشت» در سال ۱۹۹۸ دیگر دستاورد او بعد از روسی‌آبی بود. زیرپوست شهر اثر جاودانه او جایزه بهترین فیلم خارجی زبان و جایزه تماشاگران جشنواره فیلم تورین را در سال ۲۰۰۱ برای او به ارمغان آورد و جایزه نتپک و جایزه ویژه جشنواره فیلم لوکارنو را برای روزگار ما در ۲۰۰۲ به دستاوردهای خود افزود. بنی‌اعتماد، پس از جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره «آسیا پاسیفیک»، اعلام کرد که برای کمک به ساخت سرپناهی برای زنان بی‌سرپناه تهرانی به نام خانه مهر، جایزه‌اش را به حراج می‌گذارد. / منبع: دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا

اولین فیلم من می‌آید. این فیلم، طنز تلخی بود که بیست و شش-هفت سال پیش که ساخته شد؛ ساختارش به‌همین صورت بود. وقتی قرار بود آن کاراکتر با قصه خودش بیاید، من هم همان ساختار را در فیلم آوردم. چیزی که شاید یک‌جور تجربه‌جویی پیران‌سری بود. من نمی‌خواستم حین موقعیت‌سازی در قصه‌ها، خودم را اسیر چیزی کنم. فکر کردم اینکه این اپیزودها در فیلم، ساختارهای متفاوتی داشته‌باشند، عین خود زندگی است؛ تلخی و شیرینی دارد؛ ناکامی و کامیابی دارد. بر اساس اینکه این کاراکتر من از ساختار «خارج از محدوده» آمده‌بود، می‌توانست در موقعیت یکی از قصه‌ها باشد؛ یا مثلاً یکی از کاراکترها، دقیقاً مثل قصه‌ی دوربین، حالت مستندگونه داشته‌باشد. برای خیلی‌ها این تصور که «آیا اصلاً این یک بداهه است» پیش می‌آید که البته ابداً هیچ کجای فیلم بداهه نبود. این تفاوت ساختارها در کنار هم، به نظرم باز مثل قصه‌هایی که می‌توانند تلخ، شیرین، خنده‌دار و غیره باشند کمی حالت کمیک دارد.

دوره‌ای از تاریخ سینمای بعد از انقلاب است که من اسم آن را عصر طلایی سینمای ایران می‌گذارم، یعنی نیمه دهه شصت تا نیمه دهه هفتاد هجری شمسی و فکر می‌کنم بهترین آثار سینمای ایران بعد از انقلاب در این دوره ساخته شده‌است، همان زمانی که شما هم فیلم‌های نرگس، روسری

مبارزه هستند؛ یعنی مثلاً طوبا در پایان زیر پوست شهر، وقتی همه زندگی‌اش به باد می‌رود، باز هم تریبونی پیدا می‌کند و حرفش را می‌زند. هیچ‌کدام منفعل نمی‌شوند و از بین نمی‌روند؛ یا به عبارت دیگر نمی‌میرند.

قصه‌ها، به عقیده خودم یکی از بازنویسی‌ها را دارد. درست است که به‌ظاهر مشخص نیست، ولی در مفهوم و معنا بیان‌کننده‌ی این است که چطور ممکن است عشق و آرمان با هم پیوند بخورند و می‌خواهد بگوید چطور می‌شود جهان را به این صورت دید و عشق را این‌گونه معنا کرد. من معتقدم پایان باز، در حد واقع‌گرایی است. اصلاً دوست ندارم پایان فیلم بسته باشد و نقطه پایان فیلم با حس ناامیدی کاراکترها بسته شود و حداقلش این است که در راه مبارزه و مقاومت‌شان، ادامه می‌دهند.

فیلم قصه‌ها سکانسی دارد که آقای حلیمی کارمند بازنشسته، برای پیگیری پرونده‌اش با کارمند مربوطه گفت‌وگو‌هایی برقرار می‌کند که برخی از مخاطبان این بخش را کم‌دلی و خنده‌دار می‌دانند؛ اما من اتفاقاً این قسمت از سکانس را یکی از تلخ‌ترین سکانس‌های سینمای ایران دیدم. قراردادن این سکانس، در کنار اپیزودهای تلخ‌تر با چه نیتی همراه بوده‌است؟

این هم یکی از لایه‌های پنهان فیلم است، یعنی کاراکتر حلیمی، از فیلم «خارج از محدوده»

گرفتم هم، به همین نکته اشاره داشت که هیچ نیازی به دیدن فیلم‌های قبلی احساس نشده‌بود، ولی اگر مخاطب، فیلم‌های قبلی را دیده باشد، برایش لذت مضاعفی ایجاد می‌شود. این بازخورد از تماشاگرانی گرفته‌شد که اکثراً غیر ایرانی بودند؛ عده‌ای از آن‌ها، فیلم‌هایم را در جشنواره‌های مختلف دیده بودند و عده‌ای نیز ندیده بودند.

اکثر شخصیت‌های فیلم‌های شما از طبقات آسیب‌پذیر و محرومی هستند که در عین استیصال و بی‌پناهی، خودشان برای احقاق حقوقشان بر می‌خیزند؛ اما در عین حال در بیشتر کارهای شما دیدم که اکثر این شخصیت‌ها در انتها به درهای بسته می‌خورند؛ یعنی درواقع تلاش می‌کنند اما به نتیجه نمی‌رسند؛ این پایان‌ها از یک واقع‌گرایی یا دوری‌گرفتن از پیش‌بینی‌های کاذب می‌آید، یا بستر دیگری دارد؟

حقیقتاً من جز فیلم «پول خارجی» که درواقع کاراکتر در پایان فیلم به یک عصیان و جنون می‌رسد، هیچ‌کدام از فیلم‌های دیگرم پایان بسته ندارد. البته من هم مطلقاً با پایان خوشی که نشان‌دهنده خوش‌باوری است مخالفم؛ چون به‌هرحال تلاش شده که فیلم، یک فیلم اجتماعی واقع‌گرا باشد. اگر دقت کنید کاراکترها ممکن است به پیروزی نرسند اما همه در مسیر مقاومت و

آبی و زیر پوست شهر را ساختید. ولی در دهه ۸۰ با تاریخی مواجه شدیم که فیلم‌های خوب و واقع‌گرا، تک‌توک پیدا می‌شدند و بعد از آن به یک افول رسیدیم؛ درواقع نوعی فطرت در سینمای واقع‌گرا و با محتوا. از آن دوره به این طرف خیلی‌ها فیلم نساختند؛ شما هم خیلی کم‌کار بودید. شما به‌عنوان فیلم‌سازی که دغدغه‌اش فیلم‌سازی است، آن‌هم در حوزه سینمای رئال و پرداختن به

فیلم‌ها را به حاشیه می‌برد؛ یعنی سیاست‌های سینما می‌تواند کاری کند که این فیلم‌ها دیده نشوند که طبیعتاً بر روی تولید آن‌هم اثر می‌گذارد. وقتی موقعیت خوب اکران به دست نمی‌آید و این فیلم‌ها دیده نمی‌شوند، طبیعتاً شما امکان سرمایه‌گذاری مجدد روی ساخت این فیلم‌ها را از دست می‌دهید. زمانی که سینماها تحت کنترل دولت قرار می‌گیرند و یک‌سری از فیلم‌ها می‌توانند به‌راحتی با هر سیاستی از دایره اکران خارج شوند، طبیعتاً همه این‌ها بروی هم جمع می‌شوند و یک عکس‌العمل را به‌وجود می‌آورند. اگر من در



رخشان بنی‌اعتماد در تورنتو در کنار عارف محمدی

معضلات و مشکلات طبقات محروم؛ و دوست ندارد به‌سمت سینمای صرفاً گیشه‌پسند برود، در این دوران تا زمانی که فیلم قصه‌ها ساخته شود، با چه چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اید؟

فکر می‌کنم پسماند همه این حس‌هایی که می‌گویید؛ یعنی فضایی که احساس می‌کنید آن سینمایی که ما با آن شروع کردیم و مردم با آن ارتباط خوبی برقرار می‌کردند، دارد از بین می‌رود، این‌است که فراموش نکنیم در دوره‌ای، پرفروش‌ترین فیلم‌های ما از همین جنس سینما بوده‌است؛ یعنی این فیلم‌ها، صرفاً فیلم‌های هنری و جشنواره‌ای نبوده‌اند، بلکه فیلم‌هایی بودند که هم موفقیت جشنواره‌ای و هنری داشتند و هم اینکه ارتباط خوبی با مخاطب برقرار می‌کردند. متأسفانه در یک مقطع زمانی، هرچقدر شما به‌عنوان فیلم‌ساز سعی می‌کردید در تولید و ساخت فیلم استقلال خودتان را حفظ کنید، زمان اکران فیلم که نتیجه کار شما باید به‌روی صحنه می‌رفت، سیاست‌گذاری‌های اشتباه سینما این‌گونه

دوره‌ای فیلم نساختم؛ ابداً به این معنا نیست که مثلاً می‌خواستیم استراحت کنم یا هرچیز دیگری؛ این کار من دقیقاً یک اعتراض بود؛ اعتراض به شرایطی که به‌خصوص در دوره ریاست جمهوری هشت‌ساله دولت نهم و دهم به‌وجود آمد و با سیاست‌گذاری‌های غلط، دیگر این‌گونه سینما به سمت حاشیه رفت و نوع دیگری از سینما وارد گیشه شد.

نتیجه چند سال کناره‌گیری از کار هم شد فیلم قصه‌ها؛ یعنی خلاصه راهی پیدا کردم تا آن فیلمی را که دوست دارم، بدون هیچ‌گونه وابستگی بسازم و حتی اگر چند سال از ساخت آن بگذرد، صبر می‌کنم تا در زمان مناسبی بتوانم آن را اکران کنم؛ بدون اینکه به‌هیچ‌وجه غالب فیلم زیرزمینی به خود بگیرد. چراکه من این فیلم را در وهله اول برای مخاطب ایرانی در داخل و طبیعتاً خارج از ایران ساختم. البته به خاطر مناسباتی که به‌وجود آمده‌بود، ترجیح دادم چند سالی فیلم نسازم، ولی این اصلاً به معنای بیکار نشستن نبود. طی آن دوره کناره‌گیری، مستند ساختم و کارهای دیگری نیز انجام دادم. به‌هر حال دوران خوبی نبود و

قرار هم نیست که دوباره به آن شرایط برگردیم. طبیعتاً اگر قرار است روبه‌جلو باشیم، باید شرایط بهتری حتی از قبل از این دوران به وجود بیاید که درست نمی‌دانم به چه میزان امکان‌پذیر است. و سؤال آخر، با توجه به جامعه‌ی سیاست‌زده‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، از دید من فیلم‌های رئالیستی یا واقع‌گرا، همیشه در مرز بین یک برچسب سینمای سیاسی قرار دارند. برای مثال همین فیلم «قصه‌ها» را تعدادی یک فیلم سیاسی قلمداد می‌کنند. شما مرز بین سینمای رئالیستی و آن برچسب‌های سیاسی را بر اساس تجربه‌هایی که داشتید چگونه مشخص می‌کنید؟

این برچسب‌ها که طبیعتاً وجود دارد؛ یعنی سینمای اجتماعی به دلیل طرح موقعیت‌های اجتماعی و ماهیت نقادانه‌ای که نسبت به شرایط اجتماعی دارد، همیشه در جایگاه برچسب سیاسی بودن قرار می‌گیرد. البته که بهای سنگینی هم دارد و به همین راحتی‌ها هم نیست. فیلم قصه‌ها نیز به‌همین صورت بود. در حالی که من فکر می‌کنم، فیلم‌ساز اجتماعی در هر دورانی نقد خود را دارد و در غیر این صورت، تبدیل به یک فیلم‌ساز تبلیغاتی می‌شود که در هر دوره‌ای سعی دارد همه‌چیز را از زاویه دیدگاه درست نشان دهد. دقیقاً مثل سیاستمداری که سعی می‌کند برای همه کم‌کاری‌ها و عدم موفقیتش در بسیاری از برنامه‌هایش، استدلال‌هایی را بیان‌داند. درصورتی که برای یک فیلم‌ساز اجتماعی، این‌طور نیست. یعنی مسئله فقر یا اعتیاد یا دیگر آسیب‌های اجتماعی، اگر مطرح شده، اصلاً به‌اینکه در آن دوره متصل به چه گروه و جناحی بوده ربطی ندارد، کم‌اینکه در ارتباط با همین مسائل، مستندهای دیگری در زمان قبل و بعد از انقلاب ساخته شده‌است.

به‌عقیده من، کسانی که برچسب سیاسی به این نوع کارها می‌زنند، تعریف درستی از نگاه سیاسی ندارند. در تصور آن‌ها، فیلم‌ساز پروپاگاندا است و از دید آن‌ها، می‌شود از هر مسئله‌ی اجتماعی، یک برداشت سیاسی طرح کرد. البته که به عقیده‌ی من، این هم متأسفانه یک وجه از فشار بازدارنده روی سینمای اجتماعی است و برای فیلم‌ساز اجتماعی، یک نوع مقاومت دائم می‌طلبد که بتواند این نوع سینما را زنده نگه دارد.

خانم رخشان بنی‌اعتماد عزیز از شما سپاسگزاریم.

صرافی رویال
با مدیریت فرخ سرشت

خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید

امکان استفاده از کارت های بانکی ایران
جهت فروش ارز

**ارسال ارز
به ایران و بالعکس**
در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

6162 SHERBROOKE W.
MONTREAL H4B 1L8
جنب فروشگاه اخوان

(514) 836-7090

هایک هارتونیان
Hayk Hartounian MBA
Residential Real Estate Broker

مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ

ارزیابی و مشاوره رایگان
تهیه وام مسکن با بهترین امکانات
هدیه ما به شما: هزینه محضر

فروش خرید اجاره

(514) 574 6162
Haykhartounian@yahoo.com
9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

دفتر ترجمه رسمی
فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد
بدون نیاز به
مراجعه حضوری

عضو رسمی انجمن مترجمان
کبک (OTTIAQ) و انترپرو (ATIO)

کارشناس ارشد ترجمه زبان
و دانشجوی دکتری زبان شناسی

ATIO

ترجمه و تهرید اسناد و مدارک
ترجمه شفاهی در جلسات رسمی اداری و دادگاهی
تایید امضا اشخاص و گواهی برابر اصل
تهیه و تنظیم صورت نامه و انگیزه نامه
ترجمه مهرهای گذرنامه جهت تمدید
کارت (PR) و درخواست شهروندی کانادا
تهیه و تنظیم مدارک جهت ارائه برای مدارک سازی (مهر کپی برابر اصل از دفترخانه رسمی)
الجام کلیه امور مربوط به دریافت و تکمیل نامه از دانشگاه

دفتر تهران: ضلع جنوب شرقی سید خندان
دارالترجمه رسمی مسیحا
+98 912 723 2544

+98 912 322 0524
438-920-9305
firoozehmasiha@yahoo.com

دارالترجمه رسمی فرهنگ
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE

2000, MCGILL COLLEGE
6TH FLOOR, MONTREAL
QUEBEC, CANADA, H3A 3H3

001 514 691 4383
R.DAVOUDI@FARHANG.CA

نهران: کاکر شمالی، تقاطع
بلوار کشاورز نبش کوچه گیتی
پلاک ۷۳، طبقه ۳، واحد ۷

شعبه
کانادا

شعبه
ایران

+98 21 6642 1511
6694 8154
H.DAVOUDI@FARHANG.CA

سياست اقتصاد جامعه



زنان افغان بزرگترین چالش طالبان

انکار و کتمان نیست.

حدود چهل سال پیش، رهبران کمونیست افغانستان کوشیدند تا فرهنگ سنتی این کشور را تغییر دهند. از همین رو، آموزش دختران در مدارس را اجباری کردند. در آن تاریخ، روستائیان افغانستان، تحصیل دختران را عملی خلاف غیرت خود می‌دانستند و از فرستادن آن‌ها به مدارس خودداری می‌کردند. به همین دلیل، رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان که کنترل دولت را در دست داشتند، سربازانی را به همراه معلمان به روستاها اعزام می‌کردند تا زنان و دختران افغان را به زور روانه مدارس کنند. اعمال زور اما نتیجه‌ی معکوس به بار آورد؛ بسیاری از روستائیان متعصب و سنت‌گرا، سر معلمان و سربازان همراه آنان را از تن جدا کردند و به عنوان علامت حمیت و غیرت خود، به مراکز گسیل آن‌ها فرستادند.

تکرار این نوع اتفاقات، نظم و ثبات جامعه‌ی افغانستان را برهم زد و زمینه‌ی دخالت ارتش سرخ در آن کشور را فراهم کرد؛ دخالتی که سرانجامی تلخ داشت و به سهم خود، در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقش بازی کرد.

طالبان شاید در آن زمان، نیرویی به نسبت هماهنگ با سنت‌های حاکم بر جوامع روستایی و بعضاً شهری افغانستان بودند؛ اما امروزه، به خصوص پس از گشودگی ۲۰ ساله‌ی افغانستان به روی دنیای بیرون و شکل‌گیری نسلی تازه، به خصوص در میان زنان افغان و آشنایی آنان با حقوق خود، طالبان فقط قشر محدودی از جامعه‌ی افغانستان را نمایندگی می‌کند.

از این رو طالبان، اگر بخواهد به شیوه‌ی گذشته‌ی خود بر افغانستان حکمرانی کند، بدون تردید دیر یا زود با واکنش شدید نیروهای مدرن‌تر جامعه، بالاخص زنان افغانستان روبرو خواهد شد و ثبات حکومتش، به‌مخاطره خواهد افتاد. تاریخ جوامع مذهبی، به خصوص در دنیای اسلام نشان می‌دهد که مساله‌ی حقوق زنان، قدرتمندترین ابزار برای عقب‌نشاندن نمایندگان سنت، از مواضع فقهی خود بوده‌است. تا همین صد سال اخیر فقیهان، مجوز هیچ نوع فعالیت اجتماعی را به زنان نمی‌دادند و آن‌ها را در پستوهای خانه برای فرزندزایی مفید می‌دانستند. زنان اما، گام‌به‌گام پیش آمدند؛ به‌طوری‌که به تدریج، حق کار و تحصیل و رأی را به دست آوردند.

اکنون کمتر فقیه‌ی در جهان اسلام یافت می‌شود که قدرت و جرأت انکار حق کار و تحصیل و رأی زنان را داشته باشد؛ درحالی‌که تا همین نیم‌قرن گذشته، این حقوق به مثابه‌ی بدعت و کفر، در نزد برخی از آنان تلقی می‌شد. طالبان پیش از این، با ادعای مبارزه با دخالت خارجی و فساد و هرج و مرج و ناامنی، توانسته‌بود خود را در پشت قرائتی سخت‌گیرانه از شریعت پنهان کند. اما امروز که نوبت به حکمرانی آنان رسیده، داستان به کلی در حال تغییر است؛ زیرا زنانی که بخشی از حقوق اجتماعی و سیاسی خود را به دست آورده‌اند، به راحتی آن‌را واگذار نمی‌کنند و در پشت روبنده پنهان نمی‌شوند.

با این حساب، آینده افغانستان را نه طالبان، که «زنان افغان» رقم خواهند زد؛ بدین صورت که طالبان، یا وادار به پذیرش مراتبی قابل قبول از حقوق آنان خواهند شد و نمونه‌ای از یک نوع زمام‌داری تازه را به نمایش خواهند گذاشت و یا اینکه اعتراض زنان، به سیطره‌ی آن‌ها بر افغانستان پایان خواهد داد.

طالبان پس از استیلاء بر افغانستان، هنوز برنامه‌ی خود را در مورد چگونگی اداره‌ی این کشور اعلام نکرده‌اند. آن‌ها از یک طرف، بر تشکیل دولتی فراگیر و همراه با تأمین حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی سخن می‌گویند و از طرف دیگر، همه‌ی قوانین آینده را در چارچوب شریعت مورد نظر خود می‌خواهند. مشکل اما، همان شریعت مورد نظر آنان است که در دوره‌ی حاکمیت کوتاهشان بر افغانستان در دو دهه پیش، در برداشتی ایستا، منجمد و فوق‌ارتدکسی از احکام فقهی اسلام خلاصه می‌شد.

طالبان عموماً حنفی مذهب هستند. به عبارت دیگر، پیشوای فقهی آنان «نعمان بن ثابت» معروف به ابوحنیفه، از فقیهان نامدار قرن اول و دوم هجری است. ابوحنیفه، ایرانی‌الاصل و گویا زاده‌ی کابل بوده‌است. در بین چهار امام اهل سنت و جماعت، بدون تردید ابوحنیفه از همه‌ی آنان آزاداندیش‌تر و عقل‌گراتر بوده‌است. او فقط احادیث مورد اتقان را می‌پذیرفت و در استنتاج احکام دینی، به رأی، استحسان و قیاس قائل بود. «توجه به رعایت آزادی‌های فردی» را از مشخصات فقه ابوحنیفه دانسته‌اند. او حتی خواندن نماز به زبان فارسی و دیگر زبان‌های غیرعربی را جایز می‌دانست و از همکاری با خلفای اموی و عباسی، به شدت پرهیز می‌کرد.

وابستگی به خلافت اموی، ابوحنیفه را برای پذیرش منصب قضا تحت فشار گذاشتند اما او نپذیرفت و برای حفظ جان خود، از کوفه به مکه گریخت. پس از سقوط خلافت امویان، ابوحنیفه به کوفه بازگشت؛ اما با ترفندی لفظی، از بیعت با خلفای عباسی شانه خالی کرد. در عین حال ابوحنیفه، از قیام «ابراهیم بن عبدالله» امام زیدیان در بصره، علیه «ابوجعفر منصور» خلیفه‌ی عباسی حمایت کرد و بعد از سرکوب قیام، به دلیل نفوذ علمی و اجتماعی‌اش، از تعرض مصون ماند. ابوحنیفه در اواخر عمر خود، بار دیگر برای پذیرش منصب قضا تحت فشار قرار گرفت که با سرسختی از پذیرش آن سر باز زد تا اینکه منصور او را از کوفه به بغداد فرا خواند و به‌دلیلی نامشخص، زندانی کرد. گفته می‌شود، او بر اثر زجر تازیانه و یا خوراندن زهر، در روزهای نخست زندانی شدنش در هفتاد سالگی درگذشت.

با این‌که «ابوحنیفه» در زمان حیات خود، فقهی آزاداندیش، عقل‌گرا و فراری از مناصب حکومتی بود، اما طالبان مدعی پیروی از فقه او، آرائش را از پویایی و دینامیسم درونی آن، تهی کرده و به‌صورتی منجمد و نامتناسب با شرایط زمان و مکان فهم می‌کنند.

مولوی عبدالحمید، از علمای برجسته‌ی حنفی ایران، بر این باور است که طالبان از افکار خام، سطحی و عقب‌مانده‌ی بیست سال پیش خود فاصله گرفته و در صددند تا تجربه‌ی تازه‌ای، از زمام‌داری را به نمایش بگذارند. با آنکه سخن مولوی عبدالحمید، فقط افراد بسیار معدودی را نسبت به تغییر فکر و مرام طالبان متقاعد کرده‌است، با این حال برخی از ناظران، منتظر آزمون این نوع سخنان در مقام عمل هستند.

به نظر من، طالبان حتی اگر هم بخواهند، به خلاف ۲۰ سال پیش، دیگر قادر به تحمیل شریعت موردنظر خود بر جامعه‌ی افغانستان نیستند. جامعه‌ی سنتی افغانستان، در ۲۰ سال اخیر -هر چند که به کلی تغییر ماهیت نداده- اما تغییرات فرهنگی دامنه‌داری را پشت‌سر گذاشته‌است که به راحتی قابل

گزارش: سمین افشار
عکس‌ها: مهناز زنجیرزنی



خانم مکی عارف، رئیس مرکز زنان افغان در مونترال
در سخنان خود درباره سرکوب دوباره زنان در دوران
طالبان صحبت کرد

تظاهرات مرکز زنان افغان در مونترال:

حکومت طالبان نباید به رسمیت شناخته شود

در مونترال در گفت‌وگو با هفته درباره این برنامه گفت: «این تظاهرات از سوی مرکز زنان افغان و برای احقاق حقوق زنان و تاکید بر اهمیت آزادی برای آنان شامل تحصیلات، موقعیت‌های شغلی و فعالیت‌های اجتماعی برگزار شد چراکه به‌طور حتم با حضور طالبان اندک آزادی‌های گذشته هم از بین خواهد رفت.»

به گفته لیلی خاقانی «اجرای نقشه شوم آمریکا و پاکستان و حمایت آنان از طالبان برای روی کار آمدن‌شان از دیگر مواردی بود که معترضان به آن تاکید دارند.»

اجرای برنامه جهانی در اعتراض به قدرت رسیدن طالبان

او با بیان اینکه این برنامه صرفاً از طرف انجمن زنان افغان در مونترال برای حقوق پایمال شده آنان برگزار شد از اجرای برنامه جهانی در اعتراض به قدرت رسیدن طالبان در روز شنبه ۲۸ اوت ۲۰۲۱ خبر داد که در مونترال هم برگزار می‌شود. خانم خاقانی با اشاره به حضور خوب رسانه‌های مختلف از جمله سی‌بی‌سی در برنامه جمعه گذشته افزود: «تظاهرات به شکل خوبی برگزار شد همگی نسبت به اتفاق رخ داده در افغانستان از احساس درونی و عمیق خود گفتند و نگرانی‌هایشان را بیان کردند.» او با اشاره به حضور پررنگ انجمن زنان ایرانی در مونترال یادآور شد: «ایرانی‌های زیادی با

برنامه بود. او در سخنان خود بر موج جدید سرکوب که در دوران طالبان بر زنان افغانستان می‌رود صحبت کرد و به خشونت‌های طالبان علیه زنان و دختران پرداخت.

در این برنامه، افراد با در دست داشتن پلاکاردهایی درصدد انعکاس پیام و خواسته خود از جامعه جهانی بودند. «کشتن افغان‌ها را متوقف کنید»، «پاکستان از تروریست‌ها در افغانستان حمایت می‌کند» و «من در کنار زنان افغانستان می‌مانم» از جمله شعارهایی بود که روی این تابلوها به چشم می‌خوردند.

یکی از حاضران در این برنامه به «هفته» گفت: «نقش اساسی کشورهای غربی و آمریکا در به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان و اهمیت به رسمیت نشناختن این گروه نظامی از سوی کانادا و سایر کشورها از جمله محورهای بود که سخنرانان در این برنامه بر آن تاکید داشتند.»

لیلی خاقانی، عضو هیات‌مدیره مرکز زنان افغان



ده‌ها تن از افغان‌ها و ایرانی‌های ساکن مونترال برای تظاهرات در حمایت از زنان افغان حوالی پارک میدان دورچستر در خیابان پیل دور هم جمع شده‌اند که برگزارکنندگان مراسم هم از راه می‌رسند. اندوه و غم فراوان در تک‌تک چهره‌هایشان موج می‌زند؛ آن‌ها نگران هموطنان و خویشان خود در افغانستان هستند. میکروفون را که به دست می‌گیرند اشک‌هایشان سرازیر می‌شود؛ این‌ها توصیف یک شهروند ایرانی حاضر در محل تظاهرات است.

در نتیجه تحولات هفته‌های اخیر و استیلا دوباره طالبان بر افغانستان مرکز زنان افغان در مونترال روز جمعه ۲۰ اوت ۲۰۲۱ ساعت ۱۷ تا ۱۸ در مونترال تظاهراتی در حمایت از دختران و زنان بی‌دفاع افغان برگزار کرد.

خانم مکی عارف، رئیس مرکز زنان افغان مونترال، ذبیح عنایت، هنرمند افغان ساکن مونترال، خانم دکتر نیما مشعوف-خدیر، فعال سیاسی ایرانی در کبک و کانادا، خانم نادیا جهش، فعال زنان و عضو مرکز زنان افغان مونترال، خانم الیه شکرایی، فعال زنان در کبک و بنیان‌گذار انجمن زنان ایرانی مونترال، لیلی خاقانی، عضو هیات‌مدیره انجمن زنان افغان در مونترال و مصطفی مفیدی، مترجم ایرانی ساکن مونترال سخنرانان این برنامه بودند. خانم مکی عارف یکی از اولین سخنرانان این



حضور در این برنامه با افغان‌ها اظهار همدردی کردند. جای سپاس و خوشحالی دارد که ایرانی‌ها انسان‌دوستانه برخورد کردند و با اینکه فاجعه در نقطه دیگری رقم خورده اما به دلیل هم‌مرز بودن همدردی خود را با مردم افغانستان نشان دادند به‌طوری که تعداد ایرانی‌های حاضر در تظاهرات حتی بیشتر از افغان‌ها بود.

نقشه شوم کشورهای غربی برای افغانستان او با اشاره به شعارهای مدنظر برای اجرای این تظاهرات، یادآور شد: «در این برنامه شعارهایی علیه آمریکا و پاکستان و کلا کشورهای غربی سر داده شد چراکه این کشورها همواره در تاریخ افغانستان نقشه‌های شومی را برای این سرزمین در سر پروراندند که الان هم به این شکل نمود پیدا کرده است.»

او تاکید کرد: «طالبان با ارتجاع دینی وارد شده‌اند و بیشترین قربانی چنین نگاهی، زنان افغان هستند. به‌طور حتم با حضور این گروه، حقوق زنان افغانستان به‌طور کلی نادیده گرفته شده و آزادی‌های محدود گذشته هم از دست خواهد رفت.»

به گفته عضو هیأت‌مدیره مرکز زنان افغان در مونترال «رفتار غارتگران غربی به سرکردگی آمریکا برای قدرت دادن به طالبان محکوم است چراکه آنان امتحان خود را در گذشته پس داده‌اند. از طرفی، صحبت‌های اخیر طالبان مبنی بر اینکه رویه ما درخصوص زنان عوض شده، اعتباری ندارد چون همه ما می‌دانیم که به هر حال نگاه آن‌ها در چارچوب شریعت و تحت فشارهای دینی خواهد بود بنابراین این زنان هستند که قربانی ارتجاع دینی می‌شوند.»

او با ابراز همدردی با مردم افغانستان، توضیح داد: «مردم این دیار همیشه تحت فشار بوده‌اند





و آزادی نداشته‌اند و این موضوعی است که من همیشه از آن رنج برده‌ام و می‌برم به ویژه اینکه افغانستان از سال‌های گذشته متأسفانه تبدیل به مزارع بزرگ کشت خشخاش و محل درآمد کلان مافیاهای مواد مخدر شده است.»

خانم خاقانی افزود: «این اقدام ضد محیط زیستی و ضد بشری منجر به نابودی کشاورزی و اعتیاد مردم افغانستان شده است.»

صدور بیانیه با ۹ خواسته از سازمان ملل و کانادا

در پایان این تظاهرات مرکز زنان افغان در مونترال بیانیه‌ای را با ذکر خواسته‌های خود از سازمان ملل متحد و دولت کانادا صادر کرد.

در متن این بیانیه آمده است: «بر همگان معلوم است که مردم افغانستان در مدت ۴۰ سال مشکلات فراوان روانی، مدنی، حقوقی و اقتصادی ناشی از جنگ داخلی در این کشور را متحمل شده‌اند. پس از تحول سال ۲۰۰۱ به بعد مردم به یک زندگی عاری از جنگ و مشکلات امیدوار شده بودند اما با سیاست‌های نادرست جامعه جهانی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا این امیدواری به یأس تبدیل شد.»

در ادامه نوشته شده است: «به دلیل ارتباط حوادث اخیر و کنترل افغانستان توسط گروه تروریستی طالبان مرکز زنان افغان در شهر مونترال از سازمان ملل متحد و دولت کانادا خواهان یکسری موارد است؛ نخست جلوگیری از بازداشت و شکنجه افراد ملکی توسط گروه طالبان که در دولت مشغول به کار بودند، دوم قائل شدن حق آزادی‌های مدنی، حقوقی و تحصیل برای تمام اقشار جامعه به‌ویژه زنان و اطفال با حفظ تمام دستاوردهای دو دهه اخیر، سوم عدم ممانعت برای هموطنان ما که می‌خواهند کشور را ترک کنند، چهارم به رسمیت نشناختن این گروه تروریستی منحصراً دولت افغانستان، پنجم ایجاد یک دولت مشارکت ملی و دموکراتیک با حضور تمام طبقه روشنفکر کشور در این دولت.»

دیگر خواسته‌های مطرح شده در این بیانیه شامل این موارد است: «احترام به قانون اساسی کنونی نافذ کشور، به‌عهده گرفتن مسئولیت عواقب ناگوار کشور توسط آمریکا و هم‌پیمانانش که منجر به سرنگونی دولت و منجر به فاجعه انسانی و مدنی یک ملت مظلوم شدند، کنترل این گروه تروریستی با تمام امکانات و فشار توسط سازمان ملل و نهادهای جامعه مدنی و اتحادیه اروپا برای مصونیت زندگی مردم از وحشت این گروه و ایجاد یک برنامه منظم توسط دولت کانادا به‌منظور انتقال و نجات هموطنان مستحق ما در همکاری با سازمان‌های افغانان مقیم کانادا.»

اقتصاد طالبانی، چرخ این ماشین وحشت چگونه می‌چرخد؟

» اقتصاد طالبانی - منبع عکس نیویورک تایمز



همچنین رهبران این گروه از گروه‌های وابسته به سازمان ملل به نام «شبکه بنیادهای خیریه غیر دولتی» و همینطور تامین‌کنندگان ثروتمند شخصی نیز تامین مالی شده‌اند. بیشتر تامین‌کنندگان مالی که به صورت شخصی از این گروه حمایت کرده‌اند، ساکن عربستان سعودی، قطر و امارات هستند. یک گزارش محرمانه سی‌ای‌ای در سال ۲۰۰۸ فاش کرد که مجموع کمک‌های مالی از سوی کشورهای خلیج فارس به گروه طالبان، حدود صد و هشت میلیون دلار در سال است.

کشت خشکاش و تولید تریاک

افغانستان، بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک و مواد مخدر مورفینی در جهان است. با وجود اینکه تولید و توزیع مواد مخدر از سوی این گروه قبل از حمله آمریکا به افغانستان در خلال سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱، و بر اساس فتوای شرعی، کاهش یافته بود؛ ولی در طول حضور آمریکا در عراق، منابع متعددی حاکی از تغییر سیاست این گروه در قبال تولید و قاچاق مواد مخدر است. در زمان سلطه بر افغانستان، طالبان زمین‌های زیر کشت خشکاش را از حدود هشتاد و پنج هزار هکتار به حدود هشت هزار هکتار کاهش داد اما از آنجا که شغل اکثر مردم افغانستان کشاورزی به روش‌های سنتی است و همچنین بازار مواد مخدر بسیار پرسود است، این گروه مجدداً به کشت خشکاش روی خوش نشان داد و طبق گزارش ارتش آمریکا، حدود شصت درصد درآمد سالانه طالبان، از مواد مخدر تامین می‌شده است. یکی از آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا معتقد است طالبان، تنها از طریق تولید و صادرات مواد مخدر توانسته‌است سالانه حدود ۴۶۰ میلیون دلار درآمد کسب کند. درآمد این گروه، تنها از کشت خشکاش به دست نمی‌آید. بلکه با ساخت حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ آزمایشگاه مواد مخدر، توانسته بود چرخه تولید را کامل کند. بیش از نیمی از این آزمایشگاه‌ها در استان هلمند در جنوب افغانستان واقع شده بودند.

دولت آمریکا در زمان دونالد ترامپ، با هدف قراردادن و بمباران کردن

هجوم و یورش طالبان پس از خروج آخرین نیروهای آمریکایی به تمام قسمت‌های افغانستان و تسلط بر بزرگ‌ترین شهرهای آن در چشم به هم زدن، بهت و حیرت ناظران را برانگیخت. کمتر کسی فکر می‌کرد سیطره و سلطه طالبان با این سرعت بر بیش از نیمی از کشور سایه افکند؛ به گونه‌ای که رئیس‌جمهور قانونی کشور، فرصت نداشت قبل از گریز از مهلکه، حتی چمدانش را ببندد. تسلط طالبان بر افغانستان، می‌تواند برای این گروه تندرو، میلیون‌ها یا حتی میلیارد‌ها دلار ثروت به ارمغان بیاورد. ثروتی که موجب تثبیت قدرت آن‌ها برای سال‌ها یا شاید حتی دهه‌های پیش‌رو باشد. آنچه مسلم است با دسترسی به منابع مالی کنونی در افغانستان، این گروه خواهد توانست به مرور بدهی‌های خود به وام‌دهندگان و تامین‌کنندگان منابع مالی را پس دهد و به درجه‌ای از استقلال مالی برسد. طبق این گزارش‌ها، طالبان تاکنون توانسته‌است حدود سیصد میلیون تا یک میلیارد و ششصد میلیون دلار - با استفاده از منابع مختلف - در سال درآمد کسب کند. طبق گزارش ماه جون سازمان ملل، بخش بزرگی از این درآمدها ناشی از اعمالی مجرمانه همچون تولید مواد مخدر و قاچاق انسان و باج‌خواهی است.

کمک‌های مالی

یکی از منابعی که طالبان در زمان حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان در اختیار داشت؛ منابع و کمک‌های مالی از سوی برخی از کشورهای منطقه بود که به گزارش ایندپندنت، نامی از این کشورها، به‌طور رسمی منتشر نشده‌است؛ ولی در برخی منابع نام روسیه، ایران و پاکستان آمده‌است اما این ادعاها تا امروز توسط همه طرفین رد شده‌است. به گزارش صدای آمریکا، رسانه رسمی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا و به نقل از مقامات این کشور، این گروه از روسیه پول، سلاح و آموزش‌های نظامی دریافت کرده‌است. به عنوان مثال، ژنرال جان نیکلسون در ایمیلی به صدای آمریکا، مسکو را با هدف از بین بردن سال‌ها دستاورد نظامی آمریکا در منطقه، به کمک به طالبان متهم کرد.



معادن افغانستان - منبع عکس دویچه وله



کابل بانک - منبع عکس سی‌بی‌سی کانادا

منابع طبیعی نیز کسب درآمد کرده‌است. از جمله این منابع می‌توان به معادن کانی‌های ارزشمند در مناطق تحت سلطه اشاره کرد که تاکنون ثروتی بالغ بر ۴۶۴ میلیارد دلار نصیب این گروه پیکارجو کرده‌است. در گزارش سال ۲۰۱۴ سازمان ملل آمده‌است که تنها از استان هلمند، حدود بیست تا سی معدن سنگ‌های قیمتی به طور غیرقانونی استخراج شده‌اند و این گروه حدود ده میلیون دلار در سال، تنها از این معادن به دست آورده‌است. همین‌طور به گفته فرماندار استان ننگرهار طالبان، از هر کامیون معدنی که از این استان خارج می‌شدند؛ حدود ۵۰۰ دلار دریافت می‌کرده‌است. این درحالی‌است که روزانه صدها کامیون با مواد معدنی از این استان خارج می‌شوند.

افغانستان، سرشار از منابع طبیعی و معدنی است که از مهمترین آن‌ها می‌توان به معادن بی‌کران لیتیوم اشاره کرد. در توصیف گستردگی معادن و فزونی آن، افغانستان را به «عربستان لیتیوم» تشبیه کرده‌اند. لیتیوم، مهم‌ترین ماده در تولید باتری و باتری‌های خورشیدی است و از آنجاکه جهان برای حفظ محیط‌زیست به سمت محصولات و خودروهای برقی در حال حرکت است؛ در اختیار داشتن این ماده، می‌تواند ثروت بسیاری را نصیب حکمرانان این کشور کند.

آینده اقتصادی طالبان

باوجود اینکه طالبان تاکنون توانسته‌اند پول‌هایی از طریق منابع مختلف به دست آورند و به مناطق مختلف خاک افغانستان یورش ببرند اما این درآمدها برای اداره کشور کافی نخواهد بود. به نظر می‌رسد با توجه به اوضاع وخیم فعلی اقتصادی در افغانستان، رهبران این گروه به اهمیت کمک‌های مالی بین‌المللی پی برده‌اند. به‌علاوه، طبق گفته‌های اخیر زلمی خلیل‌زاد نماینده آمریکا در امور افغانستان، گروه طالبان قصد ندارند حکومتی مطرود و ایزوله باشند و به‌همین دلیل، به ارتباط با سایر کشورها و همچنین کمک‌های مالی جهانی نیز چشم دوخته‌اند. عقیده‌ای که از نظر برخی دیگر از کارشناسان، مانند بیل روجیو، از بنیاد دفاع از دموکراسی درست نیست. به‌نظر او، کمک‌های مالی بین‌المللی و حتی وجاهت قانونی در سطح جهانی، برای این گروه اهمیتی ندارد و فکر آن‌ها تنها به حکمرانی و تسلط بر افغانستان معطوف شده‌است. آنچه مسلم است، گروه طالبان با در اختیار گرفتن کنترل کشور، به منابع مالی و بانک مرکزی افغانستان، حساب‌های دولتی و درآمد از طریق نظام مالیاتی کشور دسترسی پیدا کرده‌اند. بنابراین، نبود کمک‌های مالی بین‌المللی، ممکن‌است حداقل تا مدتی مشکلی در مسیر تامین منابع مالی ایجاد نکند. برای تهیه این مقاله از سایت صدای آمریکا، بی‌بی‌سی انگلیسی، بی‌بی‌سی بیزنس و بی‌بی‌سی افغانستان استفاده شده است.

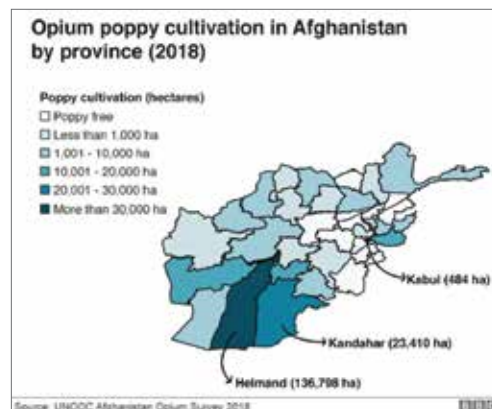
آزمایشگاه‌های تولید مواد مخدر، سعی در محدود کردن درآمد این گروه نمود. در طی این بمباران‌ها، حدود ۲۰۰ آزمایشگاه تولید هروئین هدف قرار گرفتند. اما از آنجاکه بازسازی مجدد این آزمایشگاه‌ها، هزینه و دشواری چندانی نداشت؛ این حملات نیز آنگونه که باید تاثیرگذار نبودند. طالبان، از سال ۲۰۰۰ که کشت خشخاش را به‌طور رسمی ممنوع اعلام کرد تاکنون، کماکان دست داشتن در تولید و توزیع مواد مخدر را انکار می‌کند.

دریافت مالیات و سایر منابع

طبق منابعی که بی‌بی‌سی به‌دست آورده، طالبان تا پیش از این و در مناطق تحت کنترلش از کشاورزان خشخاش حدود ده درصد مالیات دریافت می‌کرده‌است. همچنین، این مالیات از آزمایشگاه‌های مواد مخدر و حتی از قاچاقچیان خرده پا و عمده‌فروش مواد مخدر نیز دریافت می‌شده است. به‌علاوه، طالبان از تجار محلی به‌ازای عبور و تجارت در محدوده‌های تحت نظارتشان، درخواست مالیات می‌کرده‌است. بی‌بی‌سی به نام‌هایی دست یافته‌است که از سوی کمیسیون مالی طالبان، به تجار محلی در مناطق تحت کنترل فرستاده شده و به آنان در مورد پرداخت مالیات هشدار داده شده‌است. به‌علاوه، شواهدی در دست است که این گروه از شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات ارتباطی و تلفنی و ادارات برق نیز مبالغی را دریافت می‌کرده‌است. بنا به اظهارات رئیس اداره برق افغانستان در سال ۲۰۱۸، این گروه از مشترکین محلی برای برق حدود دو میلیون دلار دریافت کرده‌است.

معادن و منابع طبیعی

در گزارش ماه جون سازمان ملل آمده که گروه طالبان از استخراج معادن و



مناطق تحت
کشت خشخاش
در سال ۲۰۱۸



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com

Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
خواهد شد

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6
info@pannetonpanneton.com

HYDROWISE

شرکت هایدرووایز

احداث و زیباسازی فضای سبز

- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم آبیاری اتوماتیک فضای سبز
- آسفالت ورودی گاراژ و سنگ کاری پیاده‌روهای حیاط و باغچه
- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم نورپردازی فضای سبز
- کاشت چمن
- تنها تامین کننده کود طبیعی چمن (بیویزیست Biofertilizer) در کانادا

(514) 707 4767
INFO@HYDROWISE.CA
WWW.HYDROWISE.CA

ارزیابی رایگان

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکت‌ها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس



Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate



Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

دانش جامعه
حقوق سلامتی



نویسنده: جوزف فکل
مترجم: علی چنگیزی

علل واقعی شکست آمریکا

است. به نظر می‌رسد ارتش آمریکا تصور می‌کند که می‌تواند با توزیع کوکاکولا، هات داگ، سس گوجه فرنگی یا فیلم‌های دیزنی حمایت یک روستایی، شهروند افغان یا عراقی را بسوی خود جلب و همدردی آنها را کسب کند. آنها نمی‌بینند که شهروندان و روستاییان عراقی، افغان پشت سرشان به آنها می‌خندند.

۵ حتی زمانی که نتیجه مداخله نظامی کاملاً نامعلوم است، چه کسانی بی‌وقفه فشار می‌آورند تا این مسیر ادامه یابد؟ صنعت اسلحه و لابیگران آن. آیا اسامی دیک چنی و هالیبرتون را به یاد می‌آورید؟ برای آنها جنگ یک فرصت تجاری است. چنانچه جنگی نباشد سودی در میان نخواهد بود. جنگ و ایجاد آن به دلایل تجاری و سودآوری همیشه گزینه مورد حمایت جنگ‌طلبان است. حال چه آمریکا در جنگ‌ها برنده شود و چه شکست بخورد، فروشندگان سلاح برنده این کارزار تحمیلی هستند و در نهایت، هر اتفاقی بیفتد به نفع آنها خواهد بود. / پنجشنبه ۱۹ اوت ۲۰۲۱



درباره نویسنده

جوزف فکل Joseph Faal سیاستمدار محافظه‌کار کبکی، استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار است. جوزف فکل که متولد ۱۹۶۱ است از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۳، به مدت ۱۰ سال از طرف حزب کبکوا نماینده مجمع ملی کبک بود. او در کابینه لوسین بوشار و برنارد لاندیری وزیر بود.

مثل کلیه انسان طی یک عمل جراحی از یک جا برداشت و به انسان دیگری پیوند زد. دموکراسی برای ریشه‌دار شدن، خاک حاصل‌خیز، ذهنیت آماده، فرهنگ مدنی و به طور خلاصه شرایط اجتماعی را می‌طلبد که، دهه‌ها و حتی قرن‌ها طول می‌کشد تا شکوفا شود.

۳ سرباز معمولی آمریکایی به مفهوم اساطیری و اجدادی «جنگجو» نیست. هالیوود ممکن است فیلم‌هایی از تک‌تیراندازان آمریکایی تولید کند و از سربازان نیروی دریایی اسطوره بسازد، اما اینها در عمل کسانی نیستند که آماده مرگ برای اهداف خود باشند.

در بیشتر مواقع، سرباز آمریکایی فردی است معمولی با شرایط اقتصادی متوسط متمایل به تنگدستی. این سرباز آمریکایی برای جنگیدن مزد می‌گیرد و می‌تواند بین سربازی و یک زندگی و شغل عادی، مثل کار در یک انبار برای جابجای اجناس و جعبه‌ها، یا کار در یک شرکت تولیدی تجاری انتخاب کند و شاغل شود. برخی جوانان آمریکایی کار در انبار و برخی دیگر کار در ارتش را انتخاب می‌کنند. آمریکایی‌ها نمی‌دانند که بهترین تجهیزات و بهترین آموزش گوسفند را به گرگ تبدیل نمی‌کند. حتی اگر این جوان‌های خوب گاه گاهی بتوانند عملیات خشونت‌بار انجام دهند و جنایت کنند، اما حریفان آنها جوهره دیگری دارند و از جنس دیگری ساخته شده‌اند.

۴ آمریکایی‌ها در مجموع مردمی منزوی هستند. بیشتر آنها به ندرت سفر می‌کنند و از شرایط دیگر کشورها مطلع نیستند. آنها از دیگر فرهنگ‌ها بسیار غافل هستند. آمریکایی معمولی کنج‌کاو نیست و اینکه دیگران همانند او فکر نمی‌کنند برایش غیرقابل درک است.

جورج دبلیو بوش و دونالد ترامپ، که در میان سربازان بسیار محبوب بودند، نماد این شرایط و این نگاه از «واقعیت آمریکایی» هستند؛ درکی از جهان که در حد کاریکاتور ساده و مضحک

در دانشگاه‌ها به ما می‌آموزند که به نظرات دیگران احترام بگذاریم و آنها را به عنوان نظرات خود معرفی نکنیم. یکی از خوانندگان دائمی مقالات من در مورد این مسأله «علل واقعی شکست آمریکا» اظهاراتی ارائه کرده که در اینجا با شما به اشتراک می‌گذارم و از او تشکر می‌کنم.

او می‌گوید شکست آمریکا در افغانستان، آخرین حرکت یا شکست عمیقی است که در تاریخ ثبت خواهد شد. از سال ۱۹۴۵ تا به امروز، ایالات متحده در هیچ یک از جنگ‌های بزرگ خود پیروز نبوده، یا حداقل به طور واضح پیروز نشده است: کره، ویتنام، عراق، افغانستان و حتی در کوبا.

حضور ایالات متحده در این کشورها همراه با شکست بوده یا حداقل به نتیجه برابر، نه برد و نه باخت، انجامیده است. اما همچنان به عملیات پرهزینه و بیهوده خود برای تسلط بر جوامع بی‌ثبات و ناپایدار در اقصی نقاط جهان ادامه می‌دهد و هر بار، شهروندان کشورهای مورد تهاجم در انتظار خروج نیروهای آمریکایی از کشورشان هستند.

چرا؟

به گفته نویسنده‌ی این متن، می‌توان پنج دلیل اساسی برای توضیح این وضعیت ارائه داد.

۱ تسلیحات فوق‌العاده پیچیده و مدرن و بزرگی منابع مالی آمریکایی‌ها نمی‌تواند عدم شناخت آنها از سرزمین‌های دوردست را خنثی کند. در نتیجه همین عدم شناخت آنها از درک انگیزه فوق‌العاده مردمی که مورد تهاجم قرار گرفته ناتوان هستند و نمی‌توانند دفاع مورد تهاجم قرار گرفته‌ها از خاک میهن را درک کنند. آمریکایی‌ها در عین حال نمی‌فهمند، چرا دشمنان‌شان از حمایت مردمی برخوردارند. آمریکایی‌ها با انتشار اخبار غیر واقع و تبلیغاتی می‌خواهند چیزهایی را که واقعیت ندارد در ذهن و فکر ما و کل مخاطبین خود به عنوان حقیقت جلوه دهند.

۲ آمریکایی‌ها نمی‌فهمند دموکراسی را نمی‌توان



واکسیناسیون اجباری در بخش بهداشت و استفاده اجباری از ماسک در دانشگاه‌های کبک

سلامت عمومی کبک، این تدبیر درباره کلیه پرسنل بهداشت اعم از پزشک یا پرستار که پانزده دقیقه یا بیشتر با بیماران مبتلا به کووید ۱۹ سر و کار دارند، به اجرا گذاشته خواهد شد.

آقای لوگو نیز تاکید کرد مهلت دریافت دوز دوم واکسن برای پرسنل بهداشت و درمان اول اکتبر است. در صورتی که پرسنل بخش بهداشت از این کار سر باز زنند، با خطر تعلیق از کار روبرو خواهند شد. هیچ توجیه یا راه گریزی هم وجود ندارد و انجام مرتب تست‌های غربالگری نیز کفایت نخواهد کرد.

واکسیناسیون اجباری پرسنل بخش بهداشت که هدف از آن مهار شیوع ویروس در مراکز بهداشتی و درمانی به ویژه مراکز اقامتی و مراقبت‌های درمانی درازمدت اعلام شده است، احتمالاً شامل حال ده‌ها هزار نفر از جمله کارمندان آژانس‌های خصوصی سلامت و نیروهای امداد و درمان خواهد شد. اما به گفته کریستیان دوبه وزیر بهداشت کبک، فقط استان زیبا نیست که چنین رویکردی را در پیش گرفته است. انتاریو نیز قصد دارد واکسیناسیون در بخش بهداشت و درمان و همچنین دانشگاه‌ها را اجباری کند و دولت جاستین ترودو نیز واکسیناسیون کلیه کارمندان فدرال را اجباری کرده است.

همچنین طبق اعلام فرانسوا لوگو، بر خلاف آن چه دو هفته پیش اعلام شده بود، در سال تحصیلی جدید استفاده از ماسک در همه ساعات در سڑپ‌ها و دانشگاه‌های استان کبک اجباری خواهد بود. ممکن است با توجه به وضعیت همه گیری کرونا، شرایط برای مدارس متوسطه، ابتدایی و همچنین مهد کودک‌ها نیز از این منطقه به آن منطقه متفاوت باشد.

آقای لوگو تصریح کرد: «باید در نظر داشته باشیم که تا دو هفته دیگر با آغاز سال تحصیلی جدید، تماس‌ها میان دانش‌آموزان و دانشجویان بیشتر خواهد شد و خطر انتقال ویروس افزایش خواهد یافت. با این که کودکان در معرض خطرات کمتری هستند، اما ممکن است ناقل ویروس باشند. بنابراین آغاز سال تحصیلی می‌تواند با افزایش تماس‌ها و تشدید شیوع ویروس همراه شود.»

واکسیناسیون پرسنل بخش بهداشت و درمان و استفاده از ماسک در دانشگاه‌ها و سڑپ‌ها استان کبک در تمام ساعات اجباری می‌شود. فرانسوا لوگو وزیر اول کبک با اتخاذ این تدابیر تلاش می‌کند جلوی شدت گرفتن موج چهارم بیماری را بگیرد چرا که واکسیناسیون به تنهایی نتوانسته است مانع از انتقال کووید ۱۹ شود. دولت کبک اکنون واکسیناسیون ۹۵ درصدی جمعیت را مد نظر قرار داده است.

به گزارش هفته، به نقل از ژورنال دو مونریال، فرانسوا لوگو روز سه شنبه ۱۷ اوت در کنفرانس مطبوعاتی خود در مجمع ملی استان کبک اعلام کرد: «به رغم این که در تابستان هستیم و هنوز هوا گرم است، شرایط پاندمی در استان نگران‌کننده است بنابراین لازم است که تدابیر پیشگیرانه جدیدی به اجرا گذاریم.»

آقای لوگو تصریح کرد: «هدف واکسیناسیون ۷۵ درصدی جمعیت که بهار گذشته تعیین کرده بودیم، دیگر برای مهار پاندمی کفایت نمی‌کند. با توجه به شیوع سریع سویه دلتا در کبک، بهداشت عمومی استان اکنون ضرورت واکسیناسیون ۹۵ درصدی را مطرح کرده است.»

در گزارش نگران‌کننده‌ای که کارشناسان «موسسه ملی سلامت عمومی کبک» دوشنبه شب به فرانسوا لوگو ارائه کردند، پیش‌بینی شده است که در هفته‌های آینده شمار موارد جدید ابتلا به سویه دلتا و بستری شدن بیماران افزایش خواهد یافت. این پیش‌بینی‌های نگران‌کننده آن هم در شرایطی که سال تحصیلی جدید به زودی آغاز خواهد شد، اصلاً نمی‌تواند خبر خوبی برای ساکنان کبک باشد.

طرح بازگشت به کلاس‌های درس در سال تحصیلی جدید همین حالا نیز زیر سوال رفته و دولت مجبور شده است تدابیر پیشگیرانه در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی را تشدید و واکسیناسیون پرسنل بخش بهداشت را که با بیماران سروکار دارند، اجباری کند. به گفته دکتر اوراسیو آرودا مدیر ملی

“
الهام گرامی،
دکترای روانشناسی
”



روان‌درمانی و مفاهیم اگزیستانسیال در زندگی انسان

بامعنا بودن زندگی فرد زمانی است که ساختاری بر زندگی او حاکم و خود را در فعالیتی درگیر می‌کند که هدف، جهت و مقصودی دارد. زمانی که این ساختار به هم بریزد و فرد ارتباطش با جهان سست شود و نداند کجاست و به کجا می‌رود، پوچی را تجربه می‌کند.

فروپاشی بنیان‌های اسطوره‌ای و دینی در غرب، که ساختار منسجمی را برای انسان غربی فراهم می‌کرد، منجر به بحران معنایی شد که توجه نیچه را بسیار به خود جلب کرد. از نظر نیچه، نیهلیزم در دل تفسیر مسیحی از هستی وجود داشت؛ تفسیری که مبتنی بر مدل دوجاهانی افلاطونی بود و زمانی که جهان دوم زیر سوال می‌رود، با جهان بی‌معنایی روبرو می‌شویم که در ابتدا صرفاً به‌خاطر آنکه در خدمت جهان دوم بود، معنایی داشت. از این رو، انسان امروزی برای معنابخشیدن به زندگی‌اش، با دشواری بسیاری روبروست؛ او در دریایی از امکانات مختلف قرار دارد که هر کدام او را به‌سویی فرا می‌خواند. از نظر یالوم، فعالیت‌هایی همچون انسان‌دوستی، تلاش برای بهبود اوضاع خود و دیگران، خلاقیت، فداکاری برای یک آرمان و غیره؛ راه‌هایی برای معناجویی در جهان مدرن است.

یالوم معتقد است، «تعهد» پادزهر معضل پوچی است. هرچه فرد بیشتر در جهان خود درگیر باشد، کمتر با مسئله پوچی روبه‌رو می‌شود و زندگی‌اش را معنادارتر احساس می‌کند. خصوصیت «از خود برگذرندگی انسان» که فرانکل بسیار بر آن تأکید می‌کند، به او امکان می‌دهد که از خود فراتر رود، خودش را فراموش کند و درگیر تحقق ارزشی شود که زندگی‌اش را سرشار از معنا می‌کند. منبع: برگرفته از کتاب روان‌درمانی اگزیستانسیال، نوشته دکتر اروین د. یالوم و ترجمه دکتر سپیده حبیب

پذیرش مسئولیت خود و اینکه خودمان مسئول گرفتاری‌های زندگی، احساسات و رنج‌هایمان هستیم، نوبت خواستن می‌رسد. مهم است که فرد، ظرفیت خواستن و آرزوکردن را داشته‌باشد؛ در غیر این صورت، تغییری در زندگی‌اش ایجاد نمی‌کند. گرایش زیادی در افراد وجود دارد که از آزادی خود فرار کنند و آن را انکار کنند و دست به دامان نظریات جبرگرایانه شوند تا از بار اضطراب ناشی از آزادی بگریزند. پذیرش آزادی، خود به این معناست که بپذیریم ساختار از پیش تعیین شده‌ای در بیرون وجود ندارد و اوضاع می‌تواند کاملاً به گونه دیگری رقم بخورد.

مفهوم تنهایی

تنهایی اگزیستانسیال، اشاره به جدا افتادگی انسان از جهان دارد. این تنهایی، همچون مغاکی است که بین فرد و جهان فاصله انداخته‌است. انسان خود را در تصمیم‌گیری‌ها و رویارویی با مسائل زندگی و مرگ تنها می‌یابد. فرد، ازطرفی می‌خواهد با دیگران باشد و خود را درگیر جهان کند، اما از طرفی، خود را جدا از آن‌ها می‌بیند. این مسئله، تنش دیالکتیکی را سبب می‌شود که در فرد، اضطرابی جدی ایجاد می‌کند. فرد برای فرار از اضطراب ناشی از این تنش، روش‌های مختلفی را به کار می‌گیرد. درگیرشدن در روابط مختلف به هر قیمتی برای رهاشدن از تنهایی، منجر به روابط ناسالم و غیراصیل بسیاری می‌شود.

یالوم می‌گوید، روبروشدن با تنهایی اگزیستانسیال و پذیرش آن، پیش‌شرط ضروری ایجاد روابط اصیل است. تنهایی اگزیستانسیال، بخشی از هستی و واقعیت انسان است و نمی‌توان آن را از بین برد، اما از طریق روابطی همچون عشق اصیل می‌توان از آن کاست.

مفهوم پوچی یا بی‌معنایی

چهار دلواپسی غایی انسان، که از ابتدای تولد در وجود او نهادینه شده‌است؛ عبارتند از مرگ، آزادی، تنهایی و پوچی. هر کدام از این دلواپسی‌ها، تنش را در فرد به وجود می‌آورد که می‌توان گفت، اضطراب ناشی از این تنش است. روان‌رنجوری در انسان، نتیجه برخورد نامناسب با این اضطراب است.

مفهوم مرگ

اروین یالوم روانپزشک و روان‌درمانگر برجسته آمریکایی، می‌گوید مرگ سرچشمه اصلی اضطراب است. انسان موجودی است که می‌داند متناهی و فانی است و رویارویی با این واقعیت برایش اضطراب‌آور است. انسان در رویارویی با مرگ، دو راه پیش‌رو دارد: یکی آنکه تلاش کند آگاهی از آن را سرکوب کند و از آن فرار کند؛ که این راه می‌تواند منجر به نابهنجاری روانی و زندگانی غیراصیل شود. راه دیگر، رویارویی صادقانه با مرگ و پذیرش آن و به جان خریدن اضطراب عادی ناشی از این مواجهه است. این راه، انسان را از نابهنجاری روانی دور می‌کند و امکان زندگانی اصیل را فراهم می‌کند.

یالوم، موارد بالینی فراوانی را گزارش می‌کند که در آن مرگ و آگاهی از آن، هم موجبات روان‌رنجوری شده و هم امکان زندگی اصیل را فراهم کرده‌است. از نظر او این موضوع، به خود فرد بستگی دارد که چگونه با واقعیت میرایی‌اش روبه‌رو می‌شود.

مفهوم آزادی

دلواپسی غایی دیگری که انسان می‌بایست با آن روبه‌رو شود، آزادی است. پذیرش آزاد بودن‌مان، ما را مسئول موقعیتی می‌کند که در آن هستیم. مسئولیت، به قول سارتر، یعنی بانی و مولف انکارناپذیر یک رویداد یا شیء. یالوم، به‌نقل از یکی از اساتیدش می‌گوید: «بیمار، باید به مرحله‌ای برسد که بتواند آزادانه انتخاب کند. پس از

نقش داور و هر یک از طرف‌ها در فرآیند حل اختلاف



را ارایه می‌دهید. در طول جلسه، داور مذاکرات بین شما و طرف مقابل را هدایت می‌کند و در صورت نیاز، ممکن است داور از افرادی که شما تعیین کرده‌اید، بخواهد که در جلسه شهادت دهند. به اختیار خودتان شما می‌توانید همراه وکیل منتخب خود، در پروسه داوری حضور یابید. داور با رسیدگی به موضوع مورد اختلاف، جلسه را به پایان می‌رساند، تا تصمیم خود را (رای داوری) در آینده اعلام کند.

پس از جلسه استماع داوری

داور تصمیم خود را (که همان رای داوری است) کتبا صادر می‌کند. به‌طور کلی، این تصمیم، قطعی است و قابل تجدیدنظر نیست. این تصمیم، برخلاف حکم دادگاه که عمومی است، خصوصی محسوب می‌شود.

داور به‌طور کلی باید ظرف سه ماه پس از بررسی موضوع تحت نظر، تصمیم‌گیری کند. شما می‌توانید درخواست کنید که حکم، توسط دادگاه به رسمیت شناخته شود (همگام‌سازی شود). لطفاً توجه داشته باشید که راهنمایی‌های وکیل می‌تواند به شما در انتخاب داور کمک کند. توجه کنید، در برخی قراردادهای بندهای داوری اجباری در صورت بروز اختلاف گنجانده شده‌است که قبل از امضا و پذیرش آن، پیشنهاد می‌شود اطلاعات مربوطه را از مشاور حقوقی خود جویا شوید.

توضیح: متن فوق، اطلاعات عمومی در خصوص موضوع مقاله است و در صورت بروز مشکل حقوقی، می‌توانید از وکیل خود، مشاوره حقوقی دریافت نمایید. نگارنده مقاله و مجله «هفته» هیچ مسئولیتی در مورد ابعاد حقوقی این متن نخواهند داشت.

برای اطلاعات بیشتر یا برقراری ارتباط، می‌توانید به وبسایت دفتر حقوقی Riah Legal مراجعه و سوالات خویش را از وکیل دادگستری کبک، خانم نیوشا ریاحی بپرسید.

رعایت کنید. علاوه بر این، شما باید اطمینان حاصل کنید، هر اقدامی که انجام می‌دهید از نظر هزینه و زمان مربوط متناسب با اختلاف است. در نهایت، شما بایستی در مورد صلاحیت داور، هزینه‌ها و در دسترس بودن او پرس‌وجو کنید و اطمینان حاصل کنید که با نیازهای شما مطابقت دارند.

اطلاع‌رسانی

شما باید اعلانی را به طرف دیگر ارسال کنید، مبنی بر اینکه قصد دارید اختلاف خود را به داوری ارایه دهید (با ذکر اختلاف مربوطه). داوری همچنین ممکن است وقتی خطاری از طرف دیگر دریافت می‌کنید شروع شود.

انتخاب داور

هنگامی که شما و طرف دیگر توافق کردید از داوری استفاده کنید، باید مشترکاً یک داور تعیین کنید. شما می‌توانید داوری را با آموزش‌های خاص، توسط وکیل یا بر اساس تخصص داور در زمینه اختلاف بین طرفین انتخاب کنید.

قبل از جلسه داوری

شما یک جلسه مقدماتی با داور، به صورت حضوری یا تلفنی خواهید داشت که طی این جلسه نکات زیر را مورد بحث قرار می‌دهید:

روش و قواعد دادرسی؛ ارایه شواهد (از جمله قراردادها، گزارش‌ها، صورت‌های مالی و غیره)؛ دعوت از شهود (در صورت لزوم)، تاریخ، مدت و محل جلسه.

علاوه بر این، داور ممکن است از هر دو طرف بخواهد که قبل از جلسه، مواضع خود را به همراه شواهدی که مواضع آن‌ها را تأیید می‌کند، ارایه دهند. ممکن است قبل از جلسه داوری، به اسناد ارایه شده توسط طرف مقابل دسترسی داشته باشید.

در طول جلسه داوری

جلسه داوری ممکن است طی یک یا چند روز انجام شود. شما و طرف مقابل، هریک موضع خود

در مقاله‌ی پیشین به دومین راه حل چگونگی حل اختلاف از طریق فرآیندهای پیشگیری و حل اختلاف که همان داوری بود، پرداخته‌شد. همان‌گونه که بیان شد؛ داوری، راهی برای جلوگیری یا حل و فصل سوءتفاهم، مشکل، اختلاف یا درگیری است؛ که به صورت داوطلبانه و مبتنی بر همکاری و مشارکت طرفین است. طرفین، با یک توافق دو جانبه، داوری را برای حل اختلاف بر می‌گزینند. در این مقاله به انتخاب داور و نقش وی در داوری می‌پردازیم.

داور؛ نقش‌ها و مسئولیت‌ها

داور اختلاف را مطابق قواعد قانونی قابل اجرا در کبک، حل و فصل می‌کند؛ مگر آن‌که در قرارداد طرفین، قانون دیگری معین شده باشد. همچنین، داور می‌تواند قوانین شکلی را مطابق با قوانین موجود تعیین یا تصویب کند.

داور، به محرمانه بودن پروسه، احترام می‌گذارد و با دقت، بی‌طرفی و استقلال عمل می‌کند. داوران نمی‌توانند به دلیل عملی که در طول مأموریت داوری خود انجام داده‌اند؛ تحت تعقیب قرار گیرند مگر آن‌که با سوءنیت عمل کرده یا مرتکب یک اشتباه عمدی یا فاحش شده باشند.

آموزش

داور، نیاز به آموزش داوری ندارد؛ اگرچه آموزش در زمینه داوری، یک مزیت بزرگ است. با این حال، داور باید:

۱. اطلاعات عمیق در رابطه با پروسه داوری و نقش داور داشته باشد.
۲. ماهیت دعوا را درک کند.
۳. بتواند از زبان نوشتاری و گفتاری به بهترین نحو استفاده کند.

نقش‌ها و مسئولیت‌های شما

شما ملزم به رعایت حقوق و آزادی‌های طرف مقابل هستید و اینکه سایر قوانین مربوط به نظم عمومی را



محمود رحیمزاده

مشاور رسمی املاک در مونتreal و جومه

هدیه ما به خریداران عزیز: هزینه محضر برای خریداران عزیز رایگان خواهد بود



■ خرید، فروش و اجاره املاک

■ ارزش گذاری رایگان ملک شما و مشاوره رایگان

■ همراهی در تهیه بهترین وام بانکی و بازرسی فنی ساختمان

cell.514.677.3900

m.zadeh@remax-quebec.com

Courtier immobilier residentiel



Mahmoud Rahimzadeh

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و اشخاص توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس



Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate



Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

استاد شیدا قره چه داغی اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت



514 484 8748

sheida.g@hotmail.com

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف



saberjalilzadeh@yahoo.ca

514-549-4697

آریانا مقاله گزارش



نرگس هاشمی

» «سلام جان» مشهور به
«ملا بصیر» پدر
مریم سادات که از
جنگجویان طالبان است.



» «مریم سادات، دختر جوانی
که در کابل از چشم پدر
طالبانی اش پنهان شده و
در ترس زندگی می‌کند»



گفت‌وگوی «هفته» با دختر یکی از جنگجویان طالبان: می‌ترسم پدرم من و خواهرانم را بکشد

ما رحم نکرد و هیچگاهی مصارف خرج و خوراک
ما را نداد فقط او از ما باج گیری کرد و همواره ما
را پریشان نمود.

**شما گفتید که پدرت شما را به مقر
برد؛ چطور دوباره به کابل آمدید و کی
کمک‌تان کرد؟**

به خاطر دارم که مادرکلان و پدر کلان مادری‌ام
به بسیار مشکل به مقر آمدند و درحالی‌که به زبان
پشتو هم درست تکلم نمی‌توانستند؛ از مادرکلان
پدری‌ام خواهش نمودند تا اجازه دهد تا ما را
دوباره به کابل ببرد؛ اما او قبول نکرد و اجازه نداد.
شب هنگام به کمک مادرکلان و پدرکلانم خود را
به ایستگاه موتر رساندیم و مامايم ما را دوباره به
کابل انتقال داد. همینکه درکابل آمدیم از اینکه
حکومت موقت بود پدرم آزادانه به کابل رفت و آمد
نمی‌توانست؛ اما برای مادرکلان و پدرکلانم همواره
اخطاریه می‌فرستاد.

**پس کی مصرف زندگی و خرج مکتب‌تان
را تمویل می‌کند؟**

خرج و مصارف زندگی ما را از همان دوره کودکی
والدین و برادران مادرم تمویل می‌کنند و آن‌ها از
بابت ما درد و رنج فراوانی را متقبل شدند ولی
هرگز از ما منصرف نشده و فراموش ما نکردند که
من قلباً از آن‌ها متشکرم.

**همین‌که سخنان مادرت را ندانسته
و بالمقابل او سخنان ترا نمی‌داند چه**

**مریم سادات گرامی آیا پدرت را
می‌شناسی و او را به خاطر داری؟**

بلی من پدرم را خیلی دقیق می‌شناسم؛ بسیار
کوچک بودم که او را شناختم و دیدم. از همان
آوان کودکی ظلم‌های او را به خاطر دارم و رفتار
زشت او در ذهنم حک شده است.

**پدرت چگونه ظلمی را روا داشته که
هیچ‌گاهی از ذهنت خارج نمی‌شود؟**

پدرم یک شخص ظالم است؛ تا جائیکه معلومات دارم
در گروه طالبان است. او یک مرد خشن و متعصب
بوده همیشه بالای مادر معصوم ظلم می‌کرد و ما را
لت و کوب می‌نمود. زمانی که پنج سال داشتم پدرم
به زور مادرم را با من و برادرم به مقر برد. در آنجا
مادر و پدرش به او می‌گفتند که زنت گنگ است و
کلمه نخوانده است و مسلمان نیست. به خاطر دارم
که مادرکلان و پدرکلانم دست و پای مادر بی‌زبانم
را بسته کرده و پدرم در صورتش خال کوبی کرد و
مادرم خیلی درد را متقبل شد.

بارها پدرم شب هنگام به صورت مخفی به کابل
می‌آمد و بدون اینکه مادر کلان و پدرکلانم آگاه
شوند ما را فراری می‌داد. حتی به خاطر دارم که
شش ماه مادرم را از ما دور نگه داشت و ما را در
حسرت دیدار مادر گذاشت.

او شب هنگام به خانه ما می‌آمد و از مادرکلانم
پول می‌خواست و پدرکلانم بخاطری که به ما
آسیب نرساند برایش پول می‌داد. پدرم هرگز بر

مریم سادات دختر جوانی است که بیست
سال قبل از امروز، در اوایل استقرار
حکومت دوره اول طالبان در افغانستان؛
پدرش، «سلام جان» که به نام «ملا
بصیر» معروف است یکی از فرماندهان
گروه طالبان در منطقه بود و مادر گنگ
و بی‌زبانش را به زور تفنگ به نکاح‌اش
درآورد. مریم و دو خواهر و یک برادرش
ثمره این ازدواج اجباری‌اند.

او که اکنون به وساطت و همکاری
والدین مادرش در شهر کابل و دور از
چشم پدرش بزرگ شده و مکتب را تمام
نموده، با استقرار دوباره حکومت طالبان
در افغانستان از تهدیدهای پدرش رنج
می‌برد و خود را مصون، احساس نمی‌کند.
او در هراس است که مبادا پدرش، او را به
نکاح یکی دیگر از اعضای طالبان در آورد.
مریم سادات در معرفی خودش می‌گوید:
«یکی از دختران افغان استم که در شهر
کابل تولد شدم و یک برادر و سه خواهر
دارم. من دختری استم که هرلحظه با
دیدن مادر گنگ و مظلوم و پدر بی‌رحم
و بی‌عظوفتم، آب می‌شوم و مانند شمع به
زمین می‌ریزم.»

احساس دارید؟

خوب بیان این احساس برایم ساده نیست. خیلی احساس بدی دارم؛ چون هرگز نمی‌توانم برعکس دیگران گپ‌های دل‌مادر را بفهمم. این واقعاً برایم دردآور است. چقدر مشکل است که نتوانی با نزدیک‌ترین شخص زندگیت حرف بزنی و درد دلت را بگویی... این واقعاً بدترین حس دنیاست. گفتید که قبل از تسلط طالبان به کابل پدرت از طریق تلفون برایت اخطار می‌داد او از شما چه می‌خواست؟ همین‌که گروه طالبان در ولایات پیشروی کردند پدرم برایم زنگ زد و به دو و دشنام پرداخت و گفت حالا امریکایی‌ها از افغانستان خارج شدند و به زودی حکومت طالبان پیروز می‌شود و من دوباره به قدرت می‌روم و شماها را به مقر آورده و دوباره حکومت خود را آغاز می‌کنم و شماها را که جوان استید به نکاح خویش و قومم در می‌آورم. او

نه تنها مرا حتی فامیل و خویش و قوم مادرم را نیز تهدید به مرگ می‌کند. ما درس می‌خوانیم؛ ولی این اخطارهایش باعث می‌شود تا به درس‌های ما رسیدگی نتوانیم و در ترس و هراس باشیم.

اگر یک روز پدرت را ببینی برایش چه خواهی گفت؟

به چشمانش خواهم نگریست و برایش خواهم گفت که رابطه پدر و دختر یک رابطه ناگسستنی و محبت‌آمیز است و دختر سرمایه بزرگ پدر است و همانگونه که دختر به محبت پدر ضرورت دارد پدر همچنان به دستان گرم و کوچک دخترش نیز ضرورت دارد.

در ضمن از او گله خواهم کرد که هرگز ما را محبت نداد و با خانم دیگرش زندگی کرد و بارها چشمان ما را اشک‌آلود نمود و ما را در حسرت پدر گذاشت و حتی ما را در رعب و ترس قرار داد و اخطار داد که ماما و مادر کلان و پدر کلان مهربانم

تحولات افغانستان در آینده مطبوعات جهان

مردم و سرزمین آبابی ما در شرایط بسیار سخت، اندوه‌بار و دردناک قرار گرفته‌اند. با شدت گرفتن دوباره جنگ‌ها و نبردهای خونین مردم ما از خانه و کاشانه خود فراری شده‌اند.

بسیاری از بی‌جاشده‌گان به کابل پناه آورده‌اند. طوری که در گزارش‌های رسانه‌ها دیده شده نهادهای خیریه‌ی تلاش می‌کنند به آواره‌گان جنگ کمک برسانند. مردم با احساس کابل با توان‌مندی که داشتند سهم خود را ادا نموده و لباس، لوازم خانه، فرش، کمپل، مواد غذایی و سایر ضروریات اولیه را بدسترس هموطنان مصیبت رسیده‌ها قرار دادند.

شخصیت‌ها و رسانه‌های جهان چه می‌گویند؟ میخائیل گورباچف، آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی سابق گفته است ناکامی در افغانستان باید خیلی بیشتر پذیرفته می‌شد، اما حالا مهم است که درس بگیریم و اشتباهات مشابه را تکرار نکنیم.

او به خبرگزاری «ریا نووستی» روسیه گفته است: «این ایده از همان ابتدا ناموفق بود، اگر چه روسیه در مرحله اول از آن حمایت کرد. همانند بسیاری از پروژه‌های مشابه که بنای این ایده را بزرگ‌نمایی

تهدید و برخی از برنامه‌های ژئوپلیتیکی ناروشن تشکیل می‌داد که با تلاش‌های غیرواقع‌بینانه برای دموکراتیزه کردن یک جامعه چند قبیله‌ای دنبال می‌شدند.»

فرانک والتر اشتاین‌مایر، رئیس جمهور آلمان در نخستین اظهارات‌اش پس از تصرف قدرت توسط طالبان گفته است که تصاویر نشر شده از افغان‌های درمانده در میدان هوایی کابل برای عرصه سیاست غرب شرم‌آور است و این کشورها در مسوولیت این تراژدی انسانی سهیم‌اند.

«پولیتیکن» روزنامه چاپ کوپنهاگن: «وضعیت افغانستان بزرگترین ناکامی ایالات متحده و پایان به شدت تحقیر آمیز، طولانی‌ترین جنگ این ابر قدرت است»

روزنامه «له ریپابلیکا»: «خیلی ساده لوحانه خواهد بود که به اظهارات چرب‌طالبان در قبال آزادی زنان و رعایت آزادی مطبوعات باور کرد. اکنون باید از خود پرسید که در نتیجه چه اشتباهاتی طالبان موفق به برگشت دوباره به افغانستان شده‌اند؟

روزنامه روسی «کمرسانت»: «به باور کارشناسان در عقب چنین تغییرات سریع وضعیت در

را که یگانه غمخوار ما استند را می‌کشد.

بیشتر از چی در هراس استید؟

بزرگترین هراسم اینست که پدرم ما را بیاید و من و دو خواهر و برادرم را با خود به مقر ببرد و ما که به ادامه تحصیل علاقه فراوان داریم مانع درس و تعلیم ما شود و ما را به نکاح مولوی‌های هم نظرش در آورد.

من حیث یک دختر جوان برای خود و

فامیل‌تان چه آرزو دارید؟

من برای خود و فامیلم و خصوصاً مادرم آرزوی خوشبختی و امنیت می‌کنم و امیدوار استم دیگر از هم جدا نشویم و من و خواهران و برادرم به تحصیلات خود ادامه بدهیم و بدون ترس و هراس زندگی نماییم.

آرزو دارم تحصیلات بیشتر کنم تا زندگی فامیلم را نجات داده تغییر بدهم و خود کفا شوم و به مادر و خواهران و برادرم کمک کنم.

ناده فضل و حبیب عثمان

افغانستان توافقات میان ایالات متحده، طالبان و حامیان این گروه در پاکستان قرار دارد.

روزنامه «دیر استاندارد» چاپ وین: «اثرات این وضعیت بدون شک فراتر از افغانستان خواهد رفت و اکثر مردم افغانستان با وجود قول و تعهدات خارج، در همان مصیبت در وطن خود باقی خواهند ماند و یا به کشورهای همسایه مهاجرت خواهند کرد. اینکه ایالات متحده و غرب آگاهانه یا ناآگاهانه آنان را درگیر این وضعیت کرده‌اند، آبی خواهد بود در آسیاب همه اسلام‌گرایان.»

«وال استریت ژورنال» روزنامه آمریکایی: «میعاد خروج سربازان آمریکایی که توسط دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین ایالات متحده تعیین گردیده بود، کار غلطی بود، اما جو بایدن می‌توانست آن را لغو کند. آقای بایدن همین تعداد نه چندان زیاد سربازان آمریکایی را در افغانستان می‌توانست حفظ کند، چنانچه مشاوران نظامی‌اش توصیه می‌کردند. او برخلاف دستور خروج کامل را صادر کرد و اکنون فقط چهار ماه بعد از اعلام این تصمیم نتیجه آن را می‌بینیم که بدترین تحقیر ایالات متحده از سال ۱۹۷۵ پس از جنگ سایگون در ویتنام می‌باشد.»

افغان‌های مونترال درباره بازگشت طالبان چه می‌گویند؟

با خبر سقوط کابل و استقرار طالبان در افغانستان، افغان‌های مقیم مونترال مثل اغلب مردم جهان، شوکه شدند. آن‌ها که بستگان و هم‌وطنان‌شان در افغانستان باقی‌مانده، به تشویش‌اند؛ اشک می‌ریزند و بر حال وطن و بیرق وطن می‌گریزند. اما آن‌ها بی‌کار ننشسته‌اند؛ افغان‌های مونترال، مصروف تنظیم گردهمایی و تظاهرات هستند. نظر چند افغان ساکن مونترال را جویا شدیم.

وضعیت فعلی افغانستان بسیار ترسناک و دردناک است و عامل این همه مشکلات، کسانی‌اند که سال‌ها در فکر قدرت و منافع خودشان بودند و خاک و وطن ما را فروخته‌اند. بیرق ملی ما زیر پا شده و این چنین حالت برای همه ما افغان‌ها سخت‌ترین لحظات است. زیربنای همه اینها دشمنانی مثل انگلیس، پاکستان و آمریکا است؛ آمریکا از این طریق به مردم افغانستان می‌گوید یا ظلم طالب را قبول کنید یا ما را. تا وقتی که برای آمریکا نفع بود در افغانستان ماند و حضور نظامی داشت؛ و زمانی که برای‌شان نفع نداشت رفتند و طالبان را گذاشتند که بالای ملت مظلوم ما حاکمیت کنند. این پیام باید به آن‌ها رسانده شود که ما پلان‌تان را می‌فهمیم و می‌دانیم که زیربنای تروریسم شما استید. و پیام به مردم افغانستان اینست که تا متحد شوند و اگر قانون و اتحاد باشد هیچکس افغانستان را گرفته نمی‌تواند.



وسیمه فاضلی: آمریکا می‌گوید یا ما را بپذیرد یا ظلم طالب‌ها را

سیاسیون ما جان‌های خود را نجات داده؛ فرار را بر قرار ترجیح دادند؛ مردم را در بی‌سرنوشتی رها نمودند و باز خودشان را به نوعی برائت هم می‌دهند. به سوالی جواب داده نمی‌شود که آیا شورای هماهنگی برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت به طالبان از مشروعیت برخوردار است و تضمینی وجود دارد که جنگ قدرت خانه به خانه کشانده نمی‌شود؟ هر افغان دیگر در مونترال و کانادا و دیگر ممالک مانند من، به تشویش و دل‌پره‌نشسته و لحظه به لحظه اخبار و صفحات اجتماعی را تعقیب می‌کنند؛ می‌بینند و می‌سوزند و چاره‌ای هم ندارند. همه ما به پذیرش ۲۰ هزار پناهنده از طرف تردود امیدوار شدیم اما پس از دانستن اینکه این ۲۰ هزار پناهنده افغان‌های خارج از افغانستان است، امید ما را ناامید ساخت. در آنجا خواهران، برادران، خویش و قوم و بالاخره هم‌وطنان ما هستند؛ درد می‌کشند و ما را هم درد می‌دهند.



بی‌بی حاجی جمیله: خبر پذیرش ۲۰ هزار پناهنده مرا ناامید کرد

آنچه در افغانستان اتفاق افتاده و می‌افتد، پیامد و ادامه‌ی یک سلسله، جنگ‌های نیابتی است که توسط دول خارجی بالای افغانستان و مردمش تحمیل گردیده. از یک‌طرف دخالت آمریکا و متحدینش برای حفظ منافع غرب در برابر چین و روس و از جانب دیگر، دخالت همسایگان افغانستان به‌خاطر انحصار منابع طبیعی این کشور و همچنان، کشتی‌گیری‌های مذهبی میان ایران، عربستان و پاکستان، بخش بزرگی از مشکلات افغانستان را تشکیل می‌دهد. بدیهی است که افغانستان به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند پاسخگوی این نیازمندی‌های نامتجانس و میدان‌معر که برای هرگونه کارزار جهانی باشد. مسلماً با تغییرات اخیر مردم در یک حالت نامطمئن به‌سر می‌برند. من از یک‌طرف از دولت کانادا به‌خاطر کمک به مردم افغانستان، مشکور استم اما، از جانب دیگر، خروج استعدادها و امکانات و قوه‌های بشری از افغانستان را، یک ضایعه بزرگ برای افغانستان می‌دانم. تشویش هر افغان در وضعیت جاری، طبعاً امنیت مردم و سرنوشت آینده کشور است.



سیف‌الله فضل: خروج استعدادها ضایعه بزرگی برای افغانستان است

خبر سقوط دولت افغانستان و استقرار طالبان نه تنها مرا بلکه همه جهان را تکان داد. در چهار دهه اخیر ما شاهد دخالت کشورهای دوقطبی در کشور استیم که برنامه‌های‌شان را نه تنها در افغانستان، بلکه در سطح منطقه و جهان از قبل طرح‌ریزی کرده و آن را تطبیق می‌کنند. این برنامه‌ریزی‌ها مسایل زیربنایی و تجارتي و از همه مهم‌تر، در کنترل گرفتن مناطق استراتژیکی را دربر می‌گیرد. کشورهای هم‌جوار هم می‌خواهند از این کشمکش‌های ناگوار سود بیشتر نصیب‌شان گردد. من منحنی یک افغان از هم‌وطنان عزیزم می‌خواهم از صبر و تحمل کار بگیرند تا خود و اولادهای‌شان از این اضافه‌تر صدمه روحی و جسمی نبینند؛ نظر به شرایط، آرام آرام تصمیم‌شان را بگیرند. چون تصمیم عجولانه هیچ دردی را دوا نخواهد کرد و دیگر اینکه از گذشته‌های ما عبرت بگیرند و اتحاد، اتفاق و همدلی را فراموش نکنند. این روز سیاه رفتنی است و به یقین هر شبی را پایانی است.



عبدالوحید کریمی: این روز سیاه رفتنی است

عبدالقدیر خموش
از کابل

وحیده آشنا روزنامه نگار در کابل: کانادا بالای ما ریشخند زده است



پس از اینکه اشرف غنی از ارگ ریاست جمهوری فرار کرد و مسئولین امنیتی پوستانهای شهر کابل را رها نمودند؛ دروازه های میدان هوایی کابل بدون مسوول امنیتی باقی ماند. از سوی دیگر بعد از اینکه کشور کانادا خبر پذیرش ۲۰ هزار پناهنده ای افغان را اعلام کرد؛ تعدادی زیادی از مردم به میدان هوایی کابل رجوع کرده و حتی در بال های طیاره ها نشستند و تعدادی هم جان های شان را از دست دادند. تجمع مردم در فرودگاه کابل، بیانگر این است که مردم افغانستان به چه اندازه از حکومت و استقرار طالبان و حکومت اشرف غنی و از زندگی در افغانستان ترسیده و خسته شده اند. برای مشاهده وضعیت، ساعت نو شب به وقت کابل به میدان هوایی کابل رفتم؛ جمعیت بسیاری در اطراف فرودگاه جمع شده بود؛ گویی تمام باشندگان شهر کابل به میدان هوایی پناه آورده اند. این گفت و گوی مردمی، در آن مکان و زمان انجام شده است.

طالبان گرفته، از دیاد بخشد؛ کمک بیشتری خواهد کرد. چون امارت اسلامی فقط کارمندان عادی را با پست های پایین در دوایر دولتی خواسته، اما روسا و دایرکترهای بخش ها را نخواسته است؛ چنانچه هر رئیسی که به دفتری که قبلاً مسوول بود مراجعه کرده، طالبان برای شان گفته اند ما از جمله مجاهدین، مسوول و رئیس را تعیین می کنیم.»

میرحشمت الله هاشمی یکی از مسوولین وزارت مهاجرین افغانستان درباره تصمیم پذیرش افغان ها به کانادا می گوید: «نخست از کشور مردم دوست کانادا خصوصاً صدراعظم این کشور از پذیرش ۲۰ هزار مهاجر ابراز امتنان می کنم. به اساس اعلام وزارت امور مهاجران در افغانستان در سال ۱۳۹۷ با آن که در ۱۷ سال گذشته، هشت میلیون مهاجر افغان به وطن بازگشته اند، هنوز هم شش میلیون شهروند افغانستان در کشورهای مختلف مهاجرند. آرزومندیم که هرچه زودتر در افغانستان امن و ثبات برقرار شود و نیروی کار افغانستان و همه مهاجران دوباره به وطن برگردند.»

بلقیس روشن، وکیل پارلمان افغانستان که اکنون با منحل شدن پارلمان افغانستان وظیفه ندارد؛ درباره اینکه آیا پذیرش ۲۰ هزار پناهنده توسط کانادا به مردم افغانستان کمک خواهد کرد گفت: «اصلاً کمک نمی کند چون کانادا و دیگر ممالک می خواهند افراد باسواد و استعداد های ما را با خود ببرند.»

وحیده آشنا یکی از ژورنالیستان و یوتوبرهای افغان که اکنون از ترس از خانه اش بیرون رفته نمی تواند؛ درباره پذیرش ۲۰ هزار پناهنده توسط کشور کانادا تاکید می کند: «کشور کانادا بالای ما ریشخند زده است؛ اکنون که وضعیت ژورنالیستان در داخل افغانستان خراب است و در تهدیدات شدید امنیتی قرار دارند خصوصاً زنان ژورنالیست، این کشور پذیرش ۲۰ هزار پناهنده را اعلان می کند اما وقتی در وبسایت مهاجرت این کشور مراجعه کنید به صراحت گفته شده که این پناهندگان کسانی اند که در بیرون از افغانستان به سر می برند. آیا دولت فدرال کانادا این فکر را نکرد که ژورنالیستان و مدافعین حقوق بشر و رهبران زنان که استطاعت مالی و روابط داشتند و خود را به کشور دوم رسانند نسبت به ما و دیگر فعالین مدنی در امنیتی بهتری قرار دارند؟ باید گفت که دولت کانادا در این بخش فقط اعلان خود را تقدیم کرد و بسیار دیر عمل نمود.»

محمد اکرام از ولایت کندز که در اثر جنگ های نیروهای دولتی و طالبان، به شهر کابل مهاجر شده درباره وضعیت خود به هفته توضیح می دهد: «دیگر نه نانی به خوردن دارم و نه خانه ای که در آن زندگی کنم. خانه ام را طالبان، در جنگ با نیروهای دولتی پوستانه ساختند و با زن و فرزند به کابل آمدم. اکنون در کابل جای بودوباش ندارم و از یک هفته بدین سو، در پارک شهری شب و روز را می گذرانم. همین که شنیدم کانادا و امریکا به میدان هوایی طیاره فرستاده اند و مردم را می برند، آمدم تا اگر ما را هم با خود ببرند و از این رنج روزگار و شرایط بد افغانستان نجات یابیم.»

شاه پسند، یکی دیگر از افغان های است که در خواجه بغرا در نزدیکی میدان هوایی کابل بودوباش دارد؛ او می گوید: «دیگر از زندگی در افغانستان خسته شده ام و می خواهم به کانادا بروم.» این باشند شهر کابل، در پاسخ به این سوال که آیا پاسپورت و ویزه ای کشور کانادا را دارد؛ توضیح می دهد: «مهم نیست، هیچ چیز ندارم. می گویند امریکایی ها و کانادایی ها به کمک ما آمده اند و عساکر شان در میدان هوایی کابل است.»

احمد ولی نیز یکی دیگر از کسانی است که با فامیلش به میدان هوایی کابل پناه برده است. او درباره علت حضورش در این میدان توضیح می دهد: «من قبلاً با نیروهای امریکایی همکار بودم و در این چند روز، پروسه رفتن ما در کشور امریکا در جریان بود؛ اکنون در حالی که شنیدم پروازها کنسل شده برای اینکه اطمینان حاصل کنم به میدان هوایی آمدم.»

وحید پژمان کارشناس مسایل سیاسی در افغانستان درباره اینکه آیا پذیرش ۲۰ هزار مهاجر افغان توسط کانادا به مردم افغانستان کمک خواهد کرد می گوید: «نخست از کشور کانادا سپاسگزارم. اگر چه کشور کانادا این پذیرش را به افراد واجد شرایط؛ مانند ژورنالیستان، مدافع حقوق بشر، رهبران زنان و اقلیت های مذهبی اعلان کرده و آن هم به آن عده از افغانانی که در بیرون از افغانستان به سر می برند اما باید گفت که بیشتر مردم از بیکاری، اقتصاد خراب و مهم تر از همه، امنیت شان در هراس اند و از هر گونه کمک و پذیرش پذیرایی می کنند. اگر کشور کانادا این سهمیه را به افرادی مانند اشخاص تعلیمی و تربیتی و کارمندان دولتی که اکنون جاها و پست های شان را آمرین

(438) 494-5580
uniqueinspectioninc@gmail.com

مهندس

FARZAM ANDALIB
HOME INSPECTOR
Civil Engineer

فرزام عندلیب
بازرس فنی ساختمان

InterNACHI Certified Professional Inspector (CPI)
InterNACHI Quebec membership number # 19111203

خرید خانه شاید مهم‌ترین سرمایه‌گذاری زندگی شما باشد
پس ارزش آن را دارد که قبل از خرید مورد بهترین بازرسی قرار گیرد

آتوسا تنگستانی فر
همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041
atosa.tfar@gmail.com
8250boul. De'carie, Suit 150, Montreal, QC H4P 2P5

خاطره تحویل‌داری یکتا
مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
khaterehyekta@yahoo.ca

الهام گرامی
دکترای روانشناسی
از دانشکده آتلانتیک فرانسه

- مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده و زوج
- مدرس مهارت‌های زندگی، مهارت‌های فرزند پروری
- مدرس مهارت‌های زناشویی

(514) 431 2826
Consultant & Life Coach

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا
دارای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران
(بشماریه نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

Growing RESP's securely.

(514) 778-7377

Morvarid.Memarianpour@kff-pfs.ca
www.knowledgefirstfinancial.ca

مشاور تخصصی حساب پس انداز تحصیلی کودکان
(کبک و انتاریو)

Morvarid Memarian
Knowledge first financial Inc.
sales representative

SOROOR SADR
سرور صدر
خدمات حسابداری و دفترداری

- امور دفترداری و حسابداری
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT
Gestion Financière Loyale
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6
514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی
اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060

خانواده سرگرمی آشپزی



		3	8	5		1	
					3	4	2
			4		1		8
	6					5	7
7	3		2		8		9
1	2					6	
	8		5		7		
	9	2	6				
	5			3	2	9	

▲ نرمال

		1	2				6
2	9	5	6				4
	7		5			2	
					1		
	6	8		5		7	1
			3				
		9			5		2
1	2				8	3	5
	8				6	4	

▲ متوسط

	9		8			7	
				9			3
2			4		6		
		8	2				9
4		5		3		2	8
	1				4	6	
			1		2		5
	5			4			
		1			5		4

▲ سخت

3			4			2	
7		4					5
		2			6		
5			6	8	2	4	
		1	7	5	4		6
			1			7	
	3					5	8
		9			7		1

▲ خیلی سخت

مهسا عباس پور

«دمی باقالی» یک غذای اصیل ایرانی و از شهر تهران است. این غذا، از ترکیب باقالی زرد و برنج تهیه می‌شود و اغلب به همراه نیمرو سرو می‌شود. «دمی باقالی تهرانی» یک غذای ساده و نسبتاً ارزان است که خیلی زود هم آماده می‌شود.



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

دمی باقالی



طرز تهیه:

طرز تهیه: کمی روغن را در قابلمه ریخته و باقالی زرد را به آن اضافه کنید و تفت دهید. سپس زردچوبه، نمک و فلفل را به آن اضافه کرده و اجازه دهید تا ادویه‌ها کمی تفت بخورد تا طعم آن‌ها با هم تلفیق شود. پیازداغ را به مواد اضافه کرده و بعد از کمی تفت دادن با مواد دیگر، آب را اضافه کنید. شعله را کم کرده و در قابلمه را بگذارید تا باقالی بپزد. بعد از پخت باقالی، برنج را اضافه کنید و پس از آنکه آب برنج کشیده‌شد، آن را دم بگذارید. ترکیب دمی باقالی با هر چیزی که فکرش را بکنید عالی می‌شود اما اغلب این غذای سنتی ایرانی را با نیمرو سرو می‌کنند. نوش جان!

مواد لازم:

۲ پیمانه
۱ پیمانه
نصف پیمانه
۲ عدد
۳ پیمانه
به میزان لازم

مواد لازم
۱. برنج
۲. باقالی زرد (کشاورزی)
۳. پیاز داغ
۴. زردچوبه
۵. آب
۶. نمک و فلفل

نکته مثبت هفته

اگر قرار بود بیانیه‌ی مراقبت از خودی بنویسم، احتمالاً می‌نوشتم: با خود غمگین‌تان، مهربان باشید!

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با عددی ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.



جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۲۶ اوت تا اول سپتامبر / ۴ تا ۱۰ شهریور

ترجمه:
خاطره تحویل داری یکتا



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

خورشید دوبار در هر سال، در موقعیت یکی از برج‌های آتش که دوست شما هستند، قرار می‌گیرد و در این زمان، از انرژی بسیار خوبی برخوردار هستید. با انتخاب‌هایی مواجه می‌شوید که برایتان جذابیت دارند و قادر خواهید بود در کار و ارتباطات اجتماعی، هر آنچه را می‌خواهید انجام دهید. درخشش عشق را احساس می‌کنید و از تعامل با بچه‌ها شاد هستید. به مقطع زمانی همراه با لذت و تفریح وارد می‌شوید. اکنون فرصت دارید که خود واقعی‌تان باشید.



متولدین تیر (۲۲ جون - ۲۲ جولیه)

طبیعتا کم‌خرج هستید. معامله کردن را دوست داشته و تقریباً هیچوقت نسبت به پول، سهل‌انگار نیستید. در چهار هفته آینده، تمرکز شما بر پول بیشتر می‌شود و بیشتر به جریان نقد، درآمد و بودجه‌بندی در آینده می‌اندیشید. همچنین، نگاه جدی‌تری بر دارایی‌های خود داشته و می‌خواهید بدانید آیا آن‌ها نیازهای شما را برآورده می‌کنند یا شما نگهدار آن‌ها هستید. به طور کلی می‌خواهید کنترل بیشتری بر زندگی و دارایی‌ها داشته باشید.



متولدین خرداد (۲۱ می - ۲۱ جون)

در چهار هفته آینده، ممکن است به نوعی بحران برخورد کنید. شاید احساس کنید به شکلی غیر عمدی از دیگران عصبانی یا ناراحت هستید. انتظار آن را داشته باشید که بیشتر وقت خود را صرف یکی از والدین کرده و تمرکز بیشتری بر خانه و خانواده داشته باشید. عمیقاً می‌خواهید هر کاری که انجام می‌دهید، ارزش انجام آن را داشته باشد. ممکن است چیزی خاطرات شیرین کودکی را در ذهن‌تان زنده کرده و بخواهید آن را برای دیگران تعریف کنید.



متولدین مرداد (۲۳ جولیه - ۲۲ اوت)

در چهار هفته آینده، خورشید در موقعیت شما بوده و انرژی بسیاری به شما می‌دهد! این تنها زمانی است که از این موقعیت برخوردارید. بنابراین باید نهایت استفاده را از آن ببرید. طبیعتاً اکنون شروع سال جدید شما و بهترین زمان برای تفکر در مورد اهداف آینده است. اگر در ماه گذشته، اهدافی را برای خود مشخص نکرده باشید، بهتر است اکنون این کار را انجام دهید، زیرا تعیین اهداف، شما را در رسیدن به آن‌ها و تصمیم‌گیری آسان‌تر کمک می‌کند.



متولدین خرداد (۲۱ مه - ۲۱ ژوئن)

چهار هفته آینده زمان دلخواه شما است، زیرا با تغییر موقعیت خورشید، زمان به نفع شما عمل می‌کند. این حالت علاقه، شما را به روابط روزانه و ارتباط با دوستان، همسایگان، خواهر، برادر و گروه‌هایی که به آن‌ها تعلق دارید بیشتر می‌کند. ممکن است بخواهید بیش از همیشه ارتباطات اجتماعی برقرار کرده و به تحصیل و یادگیری بیشتر بپردازید. این انرژی جدید، سرعت روزمره شما را بیشتر می‌کند. اکنون زمان خوبی برای سفر است.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

در چهار هفته آینده، در شرایط نامعلومی قرار دارید. زیرا سال شخصی شما به پایان رسیده و هنوز سال جدید را آغاز نکرده‌اید. بهترین راه در این زمان، نگاه به گذشته است. در هنر زندگی چقدر خوب هستید؟ پس از مشاهدات مهم، از خود پرسید می‌خواهید سال جدید چه تفاوتی با سال قبل داشته باشد؟ می‌خواهید از چه چیزهایی پرهیز کنید؟ اگر می‌خواهید به ارزیابی خود بپردازید باید با صداقت کامل این کار را انجام دهید.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آلتیه
مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۵۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



اثر دو سیاره را در این ماه احساس می‌کنید. سفر و فرصت برای توسعه افق‌هایتان شما را خوشحال می‌کند. از نمایشگاه‌های هنر، سفرهای لذت بخش، کنسرت و برنامه‌های فرهنگی لذت می‌برید. ممکن است به فکر مسائل مالی و دارایی مشترک‌تان با دیگران، خصوصاً وام‌گرفتن باشید. البته ممکن است بحث‌هایی هم در این میان پیش آید. اما به هر جهت، از فرصت‌هایی که سر رهاختان قرار می‌گیرد، استفاده کنید.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



در چهار هفته آینده، خورشید در مقابل موقعیت شما قرار دارد. از نظر سمبلیک، این فاصله به قدری است که گویی همه سال از شما دور است. این بدان معناست که به خواب بیشتری احتیاج دارید. خورشید نمایان‌گر انرژی شماست. ممکن است دیگران، خصوصاً افراد مقام‌دار با شما به مخالفت برخیزند و جفت‌وجور کردن همه چیز، برای‌تان سخت باشد. اکنون، بهترین زمان در تمام سال است برای بررسی روابط صمیمی خود با دیگران.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



در حالی که متولدین همه برج‌ها، به بررسی تعطیلات و سفرهای کوتاه مشغول هستند، شما خود را برای سخت کار کردن و سازماندهی بهتر آماده می‌کنید. می‌خواهید احساس کنید که هوشمندانه عمل کرده و به نتیجه تلاش‌هایتان می‌رسید. به عبارتی می‌خواهید چه در زندگی شخصی و چه در کار، هر اقدام و عمل شما نتیجه داشته باشد. به همین دلیل، برخی عادات بد را کنار می‌گذارید. چرا بهترین فرد ممکن نباشید؟

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



شما اجتماعی‌ترین برج، در میان برج‌های دوازده‌گانه هستید. از هم‌نشینی با دیگران لذت می‌برید. چهار هفته آینده برای‌تان بسیار خوشایند است، زیرا با دوستان و گروه‌های اجتماعی در ارتباط هستید. ممکن است به شما سمت مدیریت گروه داده شود. اکنون زمان خوبی است، برای ارزیابی آنچه که انجام داده‌اید. دوستان‌تان را محک بزنید. با دوستانی معاشرت کنید که به شما اجازه می‌دهند در رفتار، همان کسی باشید که واقعا هستید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



در چهار هفته آینده، خورشید از بالای موقعیت شما عبور می‌کند. این حالت، فقط یک‌بار در سال اتفاق می‌افتد و برایتان فرصت بسیار خوبی است؛ زیرا در نظر دیگران، خصوصاً روسا، والدین، افراد مهم و پلیس، خوب جلوه می‌کند و حتی اگر کار خاصی انجام ندهید، آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهید. باید بگویم با چالش‌هایی مواجه شده و از برخی افراد ناراحت می‌شوید. به کار و موقعیت خود در جامعه فکر کنید و از حمایت دوست خوب لذت ببرید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



چهار هفته شادی را در پیش‌رو دارید! این بدان معنا است که زندگی به خوبی پیش می‌رود. اکنون زمان آن است که برنامه‌های سفر را آماده کنید. ممکن است بیشتر درگیر یک کشور خارجی یا فرهنگ‌های متفاوت باشید. برخی از شما هم درگیر تحصیلات عالیه هستید. اکنون زمان خوبی است برای بررسی آنکه چه چیزهایی به شما جواب داده و چه چیزهایی جواب نمی‌دهند. بدین ترتیب می‌توانید سرمایه‌گذاری بهتری در آینده داشته باشید.

آرش شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی شما



برای دسترسی به پیش فروش‌های ویژه
روی "ارتباطات ما" با سرنده‌های معتبر حساب کنید

۰۵۱۴-۷۳۰ ۳۹۰۹

Instagram/Shakourz

شعر هفته

کشیده

سنگینی نگاه تو را بار می کشم
عمری ست از الاغ دلم کار می کشم
چشم خمار بود، نگاهی نکرد و رفت
ها... درد از این دو تنبل بی عار می کشم
من نیستم که پشت به دیوار می دهی
تو نیستی که دست به دیوار می کشم
حالا که آمدی، بنشین! خسته می شوی
من شاعرم که ناز سپیدار می کشم
چندی ست ظرف های دلم را نشسته ای
با حرف ها ملامت خودکار می کشم
دل داده ام به شیوه ی جارو کشیدن
جارو مکش عزیز دلم! جار می کشم
رقصی چنین میانه ی یک خانه دیدنی است
آری برقص! دور تو دیوار می کشم
یک دست، جام باده و یک دست، زلف تو
گفتی: بکش! به جان تو این بار می کشم!
دستی به شوق بر سر و روی اتاقلان
این گوشه طرح باغ و چمن زار می کشم
آن پرده را کنار بزن، باد عاشق است
گلدان کنار پنجره بسیار می کشم
اما نه، مثل اینکه خریدار نیستی
من هم خرم که منت سمسار می کشم!
خط می زنم تمام غزل را، گمان مبر
از در که می روی به درک، دار می کشم
نه غصه خوردنی ست، نه منت کشیدنی
هی چای می خورم، هی سیگار می کشم
منبع: (ایمان بدون نون، مجتبی احمدی.
نشر نون؛ ۱۳۹۴)

تأدیب سفیر روسی

حکایت هفته

در زمان صدارت پرخیر و برکت امیر کبیر و در اوایل دوران پادشاهی بلندمدت ناصرالدین شاه قاجار، سفیر روسیه در ایران که انسانی متکبر و خودخواه بود، به رسم رجال و شاهزادگان ایرانی، با خدم و حشم به محافل و مجالس کاری و غیر کاری خویش رفت و آمد می کرد؛ عملی که مغایر با روحیه و فرهنگ مردمان سرزمین روسیه بود. امیر کبیر از این کار سفیر خوشش نیامده و درصدد تأدیب وی برمی آید. روزی از روزها، سفیر روسیه از امیر کبیر وقت ملاقات خواست و امیر، سه ساعت به غروب مانده را زمان برگزاری این جلسه اعلام داشت. روز موعود فرا رسید و سفیر، سر وقت در اتاق انتظار دفتر کار امیر کبیر حاضر شد. دقایقی به انتظار گذشت اما خبری از امیر نبود. سفیر روس، که شناخت کاملی از اخلاق و خُلقیات امیر کبیر داشت، از این تأخیر متعجب شد. باز دقایقی گذشت و این بار سفیر، به منشی امیر اعتراض کرد؛ اما منشی، باز او را به انتظار و خویشتن داری فراخواند. این انتظار ادامه داشت تا اینکه یک ساعت از وعده ی ملاقاتش گذشت. سفیر، با عصبانیت و غرولندگنان قصد ترک دفتر را داشت که سروکله ی امیر کبیر پیدا شد و از وی علت این خشم و عصبانیت را پرسید. سفیر روس، تأخیر را به وی یادآور شد و این اعتراض را حق خویش دانست. امیر گفت: «دقیقاً چقدر تأخیر شده است جناب؟»

- الان درست یک ساعت است که من اینجا همچو خیار ایستاده ام.
- خب این رسم کشور ماست! تأخیر، اصولاً در خون مان است.
- اما ما در اینجا با رسم کشور خویش رفتار می کنیم نه کشور شما.
- که این طور! بگوئید ببینم شما در کشورتان موقع رفت و آمد و عبور و مرور، چگونه رفتار می کنید و در طول مسیر با چند نفر همراه می شوید؟
- خب! راستش را بخواهید ما به تنهایی مسیرمان را طی می کنیم.
- اینکه خیلی خوب است! پس چرا اینجا چنین کاری نمی کنید و این همه نوکر و پیشکار به دنبال خویش از این سوی شهر به آن سوی می کشید؟
- خب! به رسم شما ایرانیان این گونه رفتار می کنیم.
- آفرین! اگر به رسم ایران و ایرانی عمل می کنید و با خدم و حشم و دبدبه و کبکبه راه می روید، پس بدانید و آگاه باشید که وعده ی همین ایرانی ها دو ساعتی نیز تأخیر دارد که با این حساب، هنوز یک ساعت دیگر به زمان ملاقاتتان باقی است.

منبع: (نان داغ، کباب داغ: روایت هایی مضحک از دربار سلاطین قاجار، رضا بهرام پور. تهران: نشر قطره، ۱۳۹۷)

لطیفه های هفته

www.hafteh.ca

FUN
HAFTEH

- ☺ دیشب خواستم مثل امام علی ساده زندگی کنم؛ یک شیر و یک بسته خرما خریدم، شد ۷۵ هزار تومان!
- ☺ آخرش هم رده های سنی بالا به خاطر سن بالایشان و رده های سنی پایین به خاطر اینکه مدرسه و دانشگاه دارند واکسن میزنند؛ در نهایت فقط دهه شصتی ها می مانند آن وسط بدون واکسن؛ بعد هم نسل شان منقرض شده و یک دنیا راحت می شود.
- ☺ به سه دلیل اجازه نمی دهم همسرم دست به سوئیچ ماشین بزند؛ اول اینکه، ایشان گواهینامه ندارد؛ دوم اینکه، بنده ماشین ندارم و مهم تر از همه، بنده ایشان را ندارم.
- ☺ در خانه ی ما، همیشه حرف آخر را من می زنم و میگویم چشم!
- ☺ همه زیبایی صبح زود بیدار شدن به این است که صبحانه را ساعت ۷ صبح بخوری و دوباره خوابی تا ظهر.
- ☺ من شبها قبل از خواب، لیست کارهای مهم فردا را می نویسم؛ صبح که بیدار شدم از مهم ترین هایش شروع می کنم به کنسل کردن!

نکته هفته

تنها کسی که می تواند باعث موفقیت یا شکست تو شود، خودت هستی. پس برای هر موفقیت کوچک و بزرگی که به دست می آوری، خودت را تشویق کن.

نقل قول هفته

موریس مترلینگ: «وقتی خودخواهی عده ای برای جامعه ای به صورت قانون درآمد، فانوس بردارید و روز روشن به دنبال عدالت و انسانیت بگردید.»

ضرب المثل هفته

پارسی: بسا مراد که در ضمن نامرادی هاست. برزیلی: اراده ی خوب، راه را کوتاه می کند.

صرافی افرا
با مدیریت افرا مصطفایی

انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)
تضمین امنیت وجوه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا
جذب مترو اتواتر

514-576-3830
4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره

متوجه تر بانیان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221
4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

صرافی آشنا

خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی
خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی

ASINA EXCHANGE

Office: 514 - 560 - 7085
Cell: 514 - 462 - 5185
4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

کلیه خدمات عکاسی و
فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
فقط با وقت قبلی

STUDIO PHOTOBOOK
(514) 984-8944
7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف

توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم

www.sharifexchange.ca
Tel: (514) 223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

۵۶۰۹-۶۲۴-۵۱۴ - ۵۶۰۹-۶۵۵-۵۱۴

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com ۸۸۷۲-۸۴۶-۵۱۴

جای آگهی شما

استخدام

جای

آگهی

دعوت

Deal Properties
REALTY INC.

شبنم نبی‌پور

مشاور املاک

✓ مشاوره و ارزیابی رایگان به صورت تلفنی و حضوری
✓ خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروژه خرید
✓ اخذ وام بانکی با بهترین نرخ و کمترین پیش پرداخت حتی برای تازه واردان

613-709-9070

OFFICE: 613-366-1713
WWW.SHABBYNABIPOUR.COM
E-MAIL: SHABBY@IDEALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabipour
Sales Representative

MEHDI FALLAHI
REALTOR

تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
508 Gladstone Ave
۶۱۳۵۹۴۳۶۳۶

فروشگاه شیراز
725 Somerset St W . K1R 6P7
۶۱۳۵۶۳۱۲۰۷

فروشگاه کابل
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1
۶۱۳۸۹۷۶۶۶۶

رستوران دونرما
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7
۶۱۳۶۹۵۲۲۲۱

محل جدید پخش هفته در اتاوا
افغان کباب اکسپرس
Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2
۶۱۳۵۹۳۸۸۸۰

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca info@hafteh.ca

RAVADID
IMMIGRATION SERVICE

www.ravadid.ca
info@ravadid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتری
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
اسپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه
و ...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:
Free Tell & fax:
1-833-RAVADID (728-2343)
تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی
+1(514) 797-6850 (Ottawa head office)
+1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI
RCIC, R533715

نیازمندی‌ها

با حداقل هزینه
نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

مد و لباس	فریدون هرنیدیان	دکتر رضا یاوریان	اتومبیل (فروش)
HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	رسانه های گروهی	بیمه عمر و سرمایه گذاری	Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰
مراکز مذهبی	بازار	مریم طالبی	www.autohighlander.com
انجمن بهایی	پوشه	علی پاکنژاد	1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7
موسسه خویی	هفته	عبدالله صفوی	اتو کاسپین ۵۷۵-۷۹۴۰
کلیسای ایرانی	پرنیان	مهدی امانی	www.autocaspien.com
کلیسای فارسی- کشیش	پیوند	بیمه (خودرو و خانه و سفر)	اتومبیل (تعمیرگاه)
مشاور املاک	رستوران-پیتزا - کیتترینگ	مشاور فارسی زبان بیمه	اطلس
مهدی انصاری	فاروس	مهرداد ملکچمشیدی	۴۸۴-۴۴۸۱
آتوسا تنگستانی فر	رستوران غذاهای دریایی	بیمه دانشجویی و سوپر ویزا	6000 saint jaque H4A 2E9
مینو اسلامی	362-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437	مریم طالبی	شمیران ۴۸۷-۶۲۶۲
نادر خاکسار	پوشاپ (هندی)	ترجمه و دعوتنامه رسمی	آرایشگاه - زیبایی - اسپا
شهره شهریان	آریا	رضا داودی	آمنه ۹۳۳-۰۷۶۳
سحر صمدایی	کباب سرا	شهریار بخشی	3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1
فیروز همتیان	820 Ave. Atwater / 514-933-0933	خاطره تحویلدار یکتا	www.Amybeautysalon.com
آرزو گتمیری	ساخت و ساز Builders	سارا کیانی	سوزان ۸۱۳-۴۹۴۷
کاظم پروتوهرانی	علی خاقانی	چاپ و کپی	رویا ۹۳۴-۳۳۷۴
آرش شکور	سی.دی. ویدئو	فتوکپی ان دی جی	فریبا ۴۸۷-۰۸۰۰
محمد اجزای	تپش دیجیتال	حسابداری	آرز
شاهین سجادی	فرش و موکت	اردشیر معین افشاری	آپادانا ۷۳۱۸-۸۳۹
مشاور خانواده	لاله رهبین	حسین خردبین	پرسپولیس ۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰
۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴		حجت رستمی	پنج ستاره ۸۴۶-۰۲۲۱
مشاور تحصیلی		سرور صدر	صرافی الیت ۹۸۹-۲۲۲۹
		مهدیه سلیمی	شریف ۲۲۳-۶۴۰۸
مشاور مهاجرت		حمل و نقل	صرافی رویال ۸۳۶-۷۰۹۰
معصومه علی محمدی		المپیک	پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱
علی مختاری		قربان	ExpertFX ۸۴۴-۴۴۹۲
سهیل ملاحمدی		Loadex Transport	الکتربکی - برق کار
گنجی		خدمات ویزای توریستی	آراز الکترونیک ۳۵۲-۶۸۸۳
www.GanjiCo.com		خیاطی	آژانس های مسافرتی
نان و شیرینی		Tailleur Bijan	سلطان تراول ۴۸۴-۴۰۰۰
کندم		2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1	فرناز معتمدی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
نان سنگک آذر		خدمات در ایران	مهری صدوقی ۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳
نوسازی و تعمیرات ساختمان		دارالترجمه فرهنگ	سعید هاشمی ۲۷۲-۹۹۹۹
شرکت بن		دارو خانه	آموزش
شرکت آماج		کل نسیم ریاحی	پروین عبائی- فارسی
لوله کشی پتانسیل		فارماپری لاوال	مدرسه فردوسی
لوله کشی پارس		فارماپری لاوال	مدرسه وست آلیند
بهنام		دندان پزشکی	مدرسه دهخدا
وام مسکن		راضیه رضوی	آموزشگاه (رانندگی)
بهرز باباخانی		شریف نائینی	
آتوسا تنگستانی فر		علی شفیعی	آموزش (موسیقی)
شیرین تیموری			پیانو / فخاریان
مهرداد مرادخانی			استاد پیانیست فرچه داغی
مهد کودک			آموزش (زبان)
سیم (دولتی)			آکادمی آریا
وکیل /مهاجرت			
دیوید برگر			



Cover
NO.646

16. Histoire de couverture

Le Canada parmi les perdants de la guerre en Afghanistan Un regard sur la plus longue guerre de l'histoire du Canada

■ par Nargis Hashimi et K. Shemiranie

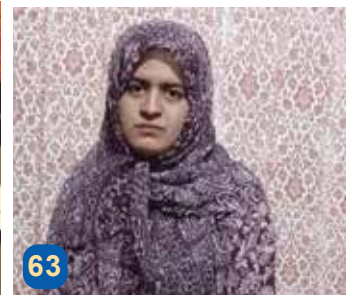
43 Interview : Aref Mohammadi
avec Rakhshan Bani-Etemad, le réalisatrice iranien récompensé

36 Littérature: Shima Tehrani
Un entretien avec Hadi Masoumdoost, auteur de «Eshgh bazi»
Je suis bien avec cette histoire

35 Introduction du livre: Yassaman Hassani
Sadie x par Clara Dupuis-morency

53 Economie: Armin Aryanpour
économie des talibans,
Comment tourne la roue de leur machine à horreur ?

63 Afghanistan: Nargis Hashimi
entretien avec la fille d'un combattant taliban :
J'ai peur que notre père me tue moi et mes sœurs



Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire
pour la communauté Afghane/
iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the
Afghan/Iranian Community in
Montreal

26 août/Aug 2021, numéro 646
26 Aug 2021, numéro 646

Hafteh will not be published on
the following dates during 2021:

January 7th
March 25th
July 8th
October 14th

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Photographe: Mahnaz Zangirzani
Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Politique: Farangis Shakiba
Littérature: Farshid Sadatsharifi (PhD)

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Mostafa Azizi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Habib Osman et Abdolhadi Tapand

Actualité Communauté: Negin Parvarandeh



This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada

le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement
annuel: 120 dollars



PERMONT

Entrepreneurs généraux - General contractors Inc.

تیم مدیریت با بیش از ۲۰ سال سابقه اجرا در کانادا

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6
RBQ # 5639-5874-01

B | L | V | D
BOULEVARD
REAL ESTATE BROKER / REAL ESTATE AGENT

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

سارا تاثیري

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

Sara Taassiri
Real Estate Broker

- همکاری با مشاوران دریافت وام مسکن
- شرایط استثنایی برای تازه واردین
- خدمات رایگان برای خریداران
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره تلفنی و حضوری

514-929-8425

taassiris@blvdimmobilier.com



آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مسکونی و تجاری شما
در مونترال و حومه

مشاوره تخصصی املاک درآمدزا جهت سرمایه گذاری
همراه شما در خرید خانه های ویلایی ، کاندو و تانهاوس
فروش ملک شما به بالاترین قیمت
دسترسی به پیش فروش VIP
دریافت وام تضمینی



Instagram/Shakourz

(514)441-4189

(514)730-3909

84 années écoulées pour le bon service

روایهای خود را واقعیت ببخشید

ثبت نام دوره جوشکاری عمومی در اوپرون آغاز شد:

- Formation sur mesure en soudage général
- Durée : 240 heures
- Cours est offert en français et en anglais
- Début : le 20 septembre 2021
- Horaire : le soir de 16h 30 à 22h

• محل: در کارگاه‌های اوپرون

• نام دوره: جوشکاری عمومی

• طول دوره: ۲۴۰ ساعت

• زبان: انگلیسی یا فرانسه

• آغاز: ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱

• کلاس‌ها: شبانه (از ساعت ۱۶:۳۰ تا ساعت ۲۲)

Service de Placement Disponible



Pour plus d'informations:
www.avirontech.com/fr/general-welding

5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane

514.739.3010

www.avirontech.com



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 année écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارهایی ارائه می شود

Service de Placement Disponible




روایهای خود را واقعیت بخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

دوره های آنلاین اویرون آغاز شد

Programmes D.E.P 1800 heures:

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Dessin industriel
- Électricité

- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- طراحی صنعتی
- برق کاری

• تئوری: به صورت آنلاین
• عملی: در موسسه و حضوری
• امتحانات: حضوری، با رعایت پروتکل های بهداشتی




5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

خرید و فروش تخصصی ملک
دسترسى ویژه به پیش خرید
در سراسر مونترال

دسترسى تضمینی به بهترین
مبلغ وام با کمترین سود بانکی

514-588-0609 ☎
MEDI.ANS.MTLBROKER 📱
www.mahdiansari.com



بسته خرید ویژه
فقط برای
پرستاران و
پزشکان عزیز

GROUP COMMERCIAL REALTY
LONDONO
REALTY GROUP INC.

MAHDI ANSARI - CANADA AWARDED BROKER 2019-2020